



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پیام غدیر



آیت الله العظمی صافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام غدیر

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	پیام غدیر: برگزیده ای از مجموعه مقالات، پیام ها و دیدارها
۱۵	مشخصات کتاب
۲۰	سخن ناشر
۲۲	فهرست مطالب
۳۷	بخش اول: مقالات
۳۷	اشاره
۳۹	۱. سیری در غدیر
۳۹	اشاره
۳۹	ارتباط و وابستگی روز بعثت و عید غدیر
۴۰	غدیر، استمرار نظام رسولان الهی
۴۱	تبعیت از نظام امامت، وظیفه ای همگانی
۴۱	لزوم تجلیل از عید غدیر
۴۲	پرسش هایی پیرامون نظام سیاسی اسلام
۴۲	اشاره
۴۳	پرسش اول
۴۴	پرسش دوم
۴۴	پرسش سوم
۴۵	پرسش چهارم
۴۵	پرسش پنجم
۴۷	پاسخ به پرسش ها
۴۷	اشاره
۴۸	هدف عالی بعثت و رسالت
۵۰	پیش بینی و تدارک حکومت خدایی

۵۲	مشکل حکومت
۵۳	نظامی که معین شد
۵۶	سیاست و دیانت در اسلام
۵۷	اسناد حدیث غدیر
۵۸	تفسیر آیه تبلیغ
۵۸	اشاره
۵۹	محل و شأن نزول
۶۰	مفاد و هدف آیه
۶۳	اشکال و جواب
۶۵	پیام غدیر
۶۷	۲. «ولایت» در خطبه غدیر
۶۷	اشاره
۶۷	غرض ورزی همیشگی مخالفان
۶۹	استعمال لفظ «خلیفه» در بعضی روایات
۷۰	استعمال لفظ «خلیفه» در اصل خطبه غدیر
۷۱	وجه تکیه بر لفظ «ولئی» و «مولی» در خطبه غدیر
۷۵	بخش دوم: پیام ها
۷۵	اشاره
۷۷	۱. عجز وصف کنندگان
۷۷	اشاره
۷۷	اعتراف همگان به عجز از وصف علی (علیه السلام)
۷۸	وصف علی (علیه السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۸۰	کلام بزرگان در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۸۷	۲. خادمان غدیر
۸۷	اشاره
۸۷	عجز دانشمندان از بیان فضایل علی (علیه السلام)

۸۸	جوانب متعدد شخصیت امیرالمؤمنین(علیه السلام)
۹۰	اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی(علیه السلام)
۹۲	تقدیر از شارح کتاب «خصائص نسائی»
۹۴	۳. نشانه محبت
۹۴	اشاره
۹۵	سلام بر غدیریان
۹۶	اهمیت روز غدیر
۹۷	ابعاد عظمت امیرالمؤمنین(علیه السلام)
۱۰۱	تجلیل از غدیر، زمینه افزایش معارف ولایی
۱۰۲	عمل به دستورات دین، علامت واقعی ولایت
۱۰۲	مسئولیت همگانی در برابر اعمال خلاف شرع
۱۰۵	۴. مکتب غدیر
۱۰۵	اشاره
۱۰۶	تفسیر آیه تبلیغ
۱۰۶	اشاره
۱۰۶	مدنی بودن سوره مائده
۱۰۶	سابقه نزول آیه در امر ولایت
۱۰۷	عدم اکمال تبلیغ رسالت بدون ابلاغ ولایت
۱۰۷	توطئه ها علیه تبلیغ ولایت
۱۰۸	نتیجه تفسیر
۱۰۹	مقاومان سنگر ولایت
۱۱۰	چند توصیه به جوانان منتظر
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	گذشته های پر افتخار خود را فراموش نکنید
۱۱۱	به آداب و سنن اسلامی ملتزم باشید
۱۱۱	استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید

- ۱۱۱ تمدن اسلامی را گسترش دهید
- ۱۱۳ در مقابل اسلام زدایی دشمن به هوش باشید
- ۱۱۳ از رجوع به جاهلیت اولی و استقبال به جاهلیت آینده بپرهیزید
- ۱۱۴ علی (علیه السلام) را الگوی خویش قرار دهید
- ۱۱۵ پیرو مکتب علوی و فاطمی باشید
- ۱۱۷ ۵. امیر غدیر
- ۱۱۷ اشاره
- ۱۱۷ مقامات عالی امام (علیه السلام)
- ۱۱۸ عجز همگان از معرفت امام علی (علیه السلام)
- ۱۱۸ لزوم الگوبرداری جوانان از جوانی امام علی (علیه السلام)
- ۱۲۱ ۶. کلام امیر
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۱ نهج البلاغه نشان کمال انسانیت
- ۱۲۲ وجوه اعجاز نهج البلاغه
- ۱۲۳ اعتراف دانشمندان به مقام والای علی (علیه السلام)
- ۱۲۴ شخصیت الهی امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۱۲۶ ۷. هشدار های غدیری
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۷ تعظیم ایام الهی، نشانه التزام به شعائر دینی
- ۱۲۷ هشدارهای غدیر
- ۱۲۷ اشاره
- ۱۲۷ هویت شیعی را حفظ کنید
- ۱۲۸ مراقب تهاجم دشمنان به اسلام عزیز باشد
- ۱۲۹ مغلوب ظواهر مادی نشوید
- ۱۲۹ در مکتب انتظار خود را بسازید
- ۱۲۹ پیروزی حق و زوال باطل

- آیه ذرّ و لقب امیرالمؤمنین(علیه السلام) ۱۳۰
۸. غدیرشناسی ۱۳۲
- اشاره ۱۳۲
- دهه غدیر، فرصتی برای اجرای مقاصد اسلامی ۱۳۳
- مکتب غدیر، مکتب همه انبیا ۱۳۳
- اعتبار و تواتر حدیث غدیر ۱۳۴
- چند توصیه مهم ۱۳۵
- اشاره ۱۳۵
- ترویج غدیر را از خانواده خویش آغاز کنید ۱۳۵
- همه رسانه ها غدیر را تبلیغ کنند ۱۳۵
- رشته غدیرشناسی تأسیس شود ۱۳۶
- تمسک به غدیر، تنها راه سعادت ۱۳۶
- تقدیر از خدمتگزاران غدیر ۱۳۶
۹. علی محوری ۱۳۸
- اشاره ۱۳۸
- مودت اهل بیت(علیهم السلام) نقطه وحدت فِرَق اسلامی ۱۳۸
- اعتراف فریقین به محوریت علی(علیه السلام) ۱۳۹
- امت واحده با محوریت اهل بیت(علیهم السلام) ۱۴۱
۱۰. حیات جاودان ۱۴۳
- اشاره ۱۴۳
- غدیر رمز پایداری و استقامت ۱۴۳
- استمرار غدیر در ولایت امام زمان(علیه السلام) ۱۴۴
- عجز از وصف غدیر ۱۴۵
- مسئلت توفیق برای خادمان غدیر ۱۴۵
۱۱. زیباترین حماسه ۱۴۷
- اشاره ۱۴۷

- ۱۴۸ ----- ارزش تجلیل از غدیر -
- ۱۴۸ ----- چیستی غدیر
- ۱۵۰ ----- وظیفه مسلمانان نسبت به غدیر
- ۱۵۱ ----- پیام های غدیر
- ۱۵۱ ----- اعتراف به عجز از وصف غدیر
- ۱۵۳ ----- ۱۲. خطبه وحیانی
- ۱۵۳ ----- اشاره
- ۱۵۴ ----- اقیانوس معنا
- ۱۵۸ ----- پیرامون خطبه غدیر
- ۱۵۸ ----- اشاره
- ۱۵۸ ----- معجزه رسول الله(صلی الله علیه و آله)
- ۱۵۸ ----- نقل خطبه توسط بزرگان اهل سنت
- ۱۵۹ ----- لزوم مداومت بر مطالعه خطبه غدیر و تأمل در آن
- ۱۶۰ ----- اعتراف به عجز در نگارش درباره غدیر
- ۱۶۱ ----- ۱۳. نصوص ولایت
- ۱۶۱ ----- اشاره
- ۱۶۲ ----- انواع نصوص بر ولایت
- ۱۶۲ ----- اشاره
- ۱۶۲ ----- نصوص جلیه
- ۱۶۴ ----- نصوص خفیه
- ۱۶۵ ----- اصل عقلائی تفضیل فاضل بر مفضول
- ۱۶۸ ----- اظهار عجز از وصف غدیر
- ۱۶۹ ----- ۱۴. مرد ولایت
- ۱۶۹ ----- اشاره
- ۱۷۰ ----- جایگاه والای حدیث غدیر
- ۱۷۱ ----- علامه امینی، شیفته آستان علوی

- ۱۷۱ وظیفه شیعیان در عصر حاضر
- ۱۷۳ ۱۵. پیروزی نهایی غدیر
- ۱۷۳ اشاره
- ۱۷۴ غدیر در ملکوت اعلا
- ۱۷۵ غدیر، فرصت تجدید میثاق با ولایت
- ۱۷۵ نصوص ولایت
- ۱۷۷ ابلاغ غدیر، قدردانی از نعمت ولایت
- ۱۷۹ بخش سوم: دیدارها
- ۱۷۹ اشاره
- ۱۸۱ ۱. حفظ و ترویج آثار غدیری
- ۱۸۱ اشاره
- ۱۸۱ لزوم آشناسازی مردم با فضایل اهل بیت(علیهم السلام)
- ۱۸۱ ثواب ذکر فضایل امیرالمؤمنین(علیه السلام)
- ۱۸۲ لزوم بهره گیری از علوم اهل بیت(علیهم السلام)
- ۱۸۲ اهمیت توجه به آثار علمای سلف درباره حدیث غدیر
- ۱۸۲ شخصیت الهی حضرت ابوطالب(علیه السلام)
- ۱۸۳ ۲. وظیفه خادمان غدیر
- ۱۸۳ اشاره
- ۱۸۳ آشناسازی مردم با معارف ولایی، هدف احیای غدیر
- ۱۸۴ تبلیغ ولایت علی(علیه السلام)، تبلیغ تمام رسالت انبیا
- ۱۸۵ ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حیات پیامبر(صلی الله علیه و آله)
- ۱۸۶ احترام خاص امیرالمؤمنین(علیه السلام) به پیامبر(صلی الله علیه و آله)
- ۱۸۷ امیرالمؤمنین(علیه السلام)، اولین بیعت کننده با پیامبر(صلی الله علیه و آله)
- ۱۸۷ فضایل علی(علیه السلام) از زبان پیامبر(صلی الله علیه و آله)
- ۱۸۸ کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیه»
- ۱۸۹ مظلومیت علی(علیه السلام) در جامعه اسلامی

- ۱۹۰ لزوم رعایت ظواهر شرعی در جشن غدیر
- ۱۹۱ ۳. مدافعان ولایت
- ۱۹۱ اشاره
- ۱۹۱ ارتباط آیه تبلیغ و اکمال دین
- ۱۹۲ اهمیت واقعه غدیر در کلام دانشمندان
- ۱۹۲ افتخار به فرهنگ غدیر
- ۱۹۲ لزوم دفاع از حدود و ثغور ولایت
- ۱۹۴ ۴. اساس دین
- ۱۹۴ اشاره
- ۱۹۴ لزوم تبلیغ همگانی مکتب غدیر
- ۱۹۴ ولایت، شرط قبولی اعمال
- ۱۹۶ ۵. معرفت افزایی نسبت به ولایت
- ۱۹۶ اشاره
- ۱۹۶ لزوم افزایش معرفت نسبت به مقامات علی (علیه السلام)
- ۱۹۷ کتاب «الغدیر» احیاکننده ولایت
- ۱۹۸ ۶. جهانی مشتاق مکتب غدیر
- ۱۹۸ اشاره
- ۱۹۸ خدمت به غدیر، عنایت الهی
- ۱۹۸ اشتیاق جهان به شناختن مکتب ولایت
- ۱۹۹ لزوم گرامیداشت غدیر
- ۲۰۰ ۷. ذی الحجّه، ماه ولایت
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۰ ابلاغ ولایت علی (علیه السلام) اساس اسلام
- ۲۰۱ وضوح واقعه غدیر
- ۲۰۱ ذی الحجّه الحرام، ماه ولایت و امامت
- ۲۰۲ لزوم اعزام میبغان غدیر

۸. غدیر و اهمیت مدیریت در اسلام ۲۰۴
- اشاره ۲۰۴
- نصوص قرآنی بر ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) ۲۰۴
- مدیریت در جامعه اسلامی ۲۰۵
- نصوص روایی متواتر در ولایت علی(علیه السلام) ۲۰۶
۹. سیره امام غدیر ۲۰۷
- اشاره ۲۰۷
- التزام به لوازم ولایت مداری ۲۰۷
- اعتراف همگان به فضایل علی(علیه السلام) ۲۰۷
- سیره امیرالمؤمنین(علیه السلام) ۲۰۸
- اهتمام امیرالمؤمنین(علیه السلام) به رسیدگی به فقرا ۲۰۸
- لزوم ترویج کتاب نهج البلاغه ۲۱۰
۱۰. مبلغان غدیر ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱
- لزوم تقویت هویت ولایی ۲۱۱
- غدیر، ابلاغ و اخطاری بزرگ ۲۱۲
- دلالت نصوص جلیته قرآنی بر ولایت علی(علیه السلام) ۲۱۳
- اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی(علیه السلام) ۲۱۴
- غیر قابل شمارش بودن فضایل علی(علیه السلام) ۲۱۶
- ولایت از مهم ترین اصول دین ۲۱۶
- ضرورت تبلیغ هویت ولایی ۲۱۷
- آرزوی توفیق تبلیغ غدیر ۲۱۸
۱۱. نگهبانان ولایت ۲۱۹
- اشاره ۲۱۹
- ارزش والای نعمت ولایت ۲۱۹
- خداوند متعال، حافظ حقیقی ولایت ۲۲۰

- ۲۲۰ اعتراف فریقین به فضایل علی (علیه السلام)
- ۲۲۴ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله)
- ۲۲۵ فضایل علی (علیه السلام) در سروده های شعرا
- ۲۲۶ نصوص در فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۲۳۰ اعتراف به عجز از وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۲۳۳ کتاب نامه
- ۲۴۷ آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف
- ۲۵۴ درباره مرکز

پیام غدیر: برگزیده ای از مجموعه مقالات، پیام ها و دیدارها

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور: پیام غدیر: برگزیده ای از مجموعه مقالات، پیام ها و دیدارها/ صافی گلپایگانی مدظله الشریف.

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۴۳۸ ق. = ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۳۱ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک: ۹۵۰۰۰ ریال ۰-۲۸-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۱۱ - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ - -- دیدگاه درباره غدیر خم

موضوع: Safi Gulpaygan, Lutfullah -- Views on Ghadir

موضوع: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: غدیر خم

موضوع: Ghadir

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵۴/ص ۲۴ پ ۹ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۶۵۹۷۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

پیام غدیر

برگزیده ای از مجموعه مقالات، پیام ها و دیدارها

مرجع عالیقدر حضرت آیه الله صافی گلپایگانی مدظله الشریف

ص: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

غدیر، عید ولایت و عید نصب وصی الرسول به امر مبارک ذات اقدس حق تعالی است، روز بزرگی که حتی بیگانگان نتوانسته اند نور جهان تاب آن را پنهان سازند.

دانشمندان، نویسندگان و سرایندگان غدیری اگرچه زمین مسکنت بوسیده و خود را عاجز از وصف ذره ای از عظمت غدیر بی انتها شمرده اند اما بیانات، نوشتارها و سروده هایی را در خدمت به آستان ملک پاسبان ولایت عرضه نموده اند که می تواند در معرفت آموزی و بینش بخشی دل شیفندگان ولایت و شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقش بسزایی ایفا نماید.

یکی از دانشمندان و نویسندگان برجسته این حوزه ولایی، مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدّظله الوارف است که به عنوان مؤسس و بنیانگذار دهه ولایت موسوم به «دهه غدیر» شناخته شده اند.

پیام غدیر دفتری ارزشمند از مقالات، پیام ها و دیدارهای معظّم له

پیرامون روز بزرگ و تاریخی غدیر است که توسط دفتر تنظیم و نشر آثار این مرجع عالیقدر، گردآوری شده و پس از چینش و نمایه نگاری، به عاشقان ولایت تقدیم می گردد؛ امید است این اثر ناچیز مورد قبول امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) قرار بگیرد.

والله هو الموفق

ص: ۶

فهرست مطالب

بخش اول: مقالات... ۱۵

(۱) سیری در غدیر. ۱۷

ارتباط و وابستگی روز بعثت و عید غدیر. ۱۷

غدیر، استمرار نظام رسولان الهی.. ۱۸

تبعیت از نظام امامت، وظیفه ای همگانی.. ۱۹

لزوم تجلیل از عید غدیر. ۱۹

پرسش هایی پیرامون نظام سیاسی اسلام ۲۰

پرسش اول. ۲۱

پرسش دوم. ۲۲

پرسش سوم. ۲۲

پرسش چهارم. ۲۳

پرسش پنجم. ۲۳

پاسخ به پرسش ها ۲۵

هدف عالی بعثت و رسالت... ۲۶

پیش بینی و تدارک حکومت خدایی.. ۲۸

مشکل حکومت... ۳۰

نظامی که معین شد. ۳۱

سیاست و دیانت در اسلام. ۳۴

اسناد حدیث غدیر. ۳۵

تفسیر آیه تبلیغ. ۳۶

محل و شأن نزول. ۳۷

ص: ۷

مفاد و هدف آیه. ۳۸

اشکال و جواب... ۴۱

پیام غدیر. ۴۳

(۲) «ولایت» در خطبه غدیر. ۴۵

غرض ورزی همیشگی مخالفان. ۴۵

استعمال لفظ «خلیفه» در بعضی روایات... ۴۷

استعمال لفظ «خلیفه» در اصل خطبه غدیر. ۴۸

وجه تکیه بر لفظ «ولی» و «مولی» در خطبه غدیر. ۴۹

بخش دوم: پیام ها ۵۳

(۱) عجز و وصف کنندگان. ۵۵

اعتراف همگان به عجز از وصف علی (علیه السلام) ۵۵

وصف علی (علیه السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۵۶

کلام بزرگان در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۵۸

(۲) خادمان غدیر. ۶۵

عجز دانشمندان از بیان فضایل علی (علیه السلام) ۶۵

جوانب متعدد شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۶۶

اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی (علیه السلام) ۶۸

تقدیر از شارح کتاب «خصائص نسائی» ۷۰

(۳) نشانه محبت... ۷۲

سلام بر غدیریان. ۷۳

اهمیت روز غدیر. ۷۴

ابعاد عظمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۷۵

تجلیل از غدیر، زمینه افزایش معارف ولایی.. ۷۹

عمل به دستورات دین، علامت واقعی ولایت... ۸۰

مسئولیت همگانی در برابر اعمال خلاف شرع. ۸۰

(۴) مکتب غدیر. ۸۳

ص: ۸

تفسیر آیه تبلیغ. ۸۴

مدنی بودن سوره مائده ۸۴

سابقه نزول آیه در امر ولایت... ۸۴

عدم اکمال تبلیغ رسالت بدون ابلاغ ولایت... ۸۵

توطئه ها علیه تبلیغ ولایت... ۸۵

نتیجه تفسیر. ۸۶

مقاومان سنگر ولایت... ۸۷

چند توصیه به جوانان منتظر. ۸۸

گذشته های پر افتخار خود را فراموش نکنید. ۸۸

به آداب و سنن اسلامی ملتزم باشید. ۸۹

استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید. ۸۹

تمدن اسلامی را گسترش دهید. ۸۹

در مقابل اسلام زدایی دشمن به هوش باشید. ۹۱

از رجوع به جاهلیت اولی و استقبال به جاهلیت آینده پرهیزید. ۹۱

علی (علیه السلام) را الگوی خویش قرار دهید. ۹۲

پیرو مکتب علوی و فاطمی باشید. ۹۳

(۵) امیر غدیر. ۹۵

مقامات عالی امام (علیه السلام) ۹۵

عجز همگان از معرفت امام علی (علیه السلام) ۹۶

لزوم الگو برداری جوانان از جوانی علی (علیه السلام) ۹۶

(۶) کلام امیر. ۹۹

نهج البلاغه نشان کمال انسانیت... ۹۹

وجوه اعجاز نهج البلاغه. ۱۰۰

اعتراف دانشمندان به مقام والای علی (علیه السلام) ۱۰۱

شخصیت الهی امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۰۲

(۷) هشدارهای غدیری.. ۱۰۴

ص: ۹

تعظیم ایام الهی، نشانه التزام به شعائر دینی.. ۱۰۵

هشدارهای غدیر. ۱۰۵

هویت شیعی را حفظ کنید. ۱۰۵

مراقب تهاجم دشمنان به اسلام عزیز باشد. ۱۰۶

مغلوب ظواهر مادی نشوید. ۱۰۷

در مکتب انتظار خود را بسازید. ۱۰۷

پیروزی حق و زوال باطل.. ۱۰۷

آیه ذرّ و لقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۰۸

(۸) غدیرشناسی.. ۱۱۰

دهه غدیر، فرصتی برای اجرای مقاصد اسلامی.. ۱۱۱

مکتب غدیر، مکتب همه انبیا ۱۱۱

اعتبار و تواتر حدیث غدیر. ۱۱۲

چند توصیه مهم. ۱۱۳

ترویج غدیر را از خانواده خویش آغاز کنید. ۱۱۳

همه رسانه ها غدیر را تبلیغ کنند. ۱۱۳

رشته غدیرشناسی تأسیس شود. ۱۱۴

تمسک به غدیر، تنها راه سعادت... ۱۱۴

تقدیر از خدمتگزاران غدیر. ۱۱۴

(۹) علی محوری.. ۱۱۶

مودت اهل بیت (علیهم السلام) نقطه وحدت فرق اسلامی.. ۱۱۶

اعتراف فریقین به محوریت علی (علیه السلام) ۱۱۷

امّت واحده با محوریت اهل بیت (علیهم السلام) ۱۱۹

(۱۰) حیات جاودان. ۱۲۱

غدیر رمز پایداری و استقامت... ۱۲۱

استمرار غدیر در ولایت امام زمان (علیه السلام) ۱۲۲

عجز از وصف غدیر. ۱۲۳

ص: ۱۰

مسئلت توفیق برای خادمان غدیر. ۱۲۳

(۱۱) زیباترین حماسه ۱۲۵

ارزش تجلیل از غدیر. ۱۲۶

چیستی غدیر. ۱۲۶

وظیفه مسلمانان نسبت به غدیر. ۱۲۸

پیام های غدیر. ۱۲۹

اعتراف به عجز از وصف غدیر. ۱۲۹

(۱۲) خطبه و حیانی.. ۱۳۱

اقیانوس معنا ۱۳۲

پیرامون خطبه غدیر. ۱۳۶

معجزه رسول الله (صلی الله علیه و آله) ۱۳۶

نقل خطبه توسط بزرگان اهل سنت... ۱۳۶

لزوم مداومت بر مطالعه خطبه غدیر و تأمل در آن. ۱۳۷

اعتراف به عجز در نگارش درباره غدیر. ۱۳۸

(۱۳) نصوص ولایت... ۱۳۹

انواع نصوص بر ولایت... ۱۴۰

نصوص جلیه. ۱۴۰

نصوص خفیه. ۱۴۲

اصل عقلایی تفضیل فاضل بر مفضول. ۱۴۳

اظهار عجز از وصف غدیر. ۱۴۶

(۱۴) مرد ولایت... ۱۴۷

جایگاه والای حدیث غدیر. ۱۴۸

عَلَّامه امینی، شیفته آستان علوی.. ۱۴۹

وظیفه شیعیان در عصر حاضر. ۱۴۹

(۱۵) پیروزی نهایی غدیر. ۱۵۱

غدیر در ملکوت اعلا.. ۱۵۲

ص: ۱۱

غدیر، فرصت تجدید میثاق با ولایت... ۱۵۳

نصوص ولایت... ۱۵۳

ابلاغ غدیر، قدردانی از نعمت ولایت... ۱۵۵

بخش سوم: دیدارها ۱۵۷

(۱) حفظ و ترویج آثار غدیری.. ۱۵۹

لزوم آشناسازی مردم با فضایل اهل بیت (علیهم السلام) ۱۵۹

ثواب ذکر فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۵۹

لزوم بهره گیری از علوم اهل بیت (علیهم السلام) ۱۶۰

اهمیت توجه به آثار علمای سلف درباره حدیث غدیر. ۱۶۰

شخصیت الهی حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۶۰

(۲) وظیفه خادمان غدیر ۱۶۱

آشناسازی مردم با معارف ولایی، هدف احیای غدیر. ۱۶۱

تبلیغ ولایت علی (علیه السلام)، تبلیغ تمام رسالت انبیا ۱۶۲

ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۶۳

احترام خاص امیرالمؤمنین (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۶۴

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اولین بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۶۵

فضایل علی از زبان پیامبر... ۱۶۵

کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» ۱۶۶

مظلومیت علی (علیه السلام) در جامعه اسلامی.. ۱۶۷

لزوم رعایت ظواهر شرعی در جشن غدیر. ۱۶۸

(۳) مدافعان ولایت ۱۶۹

ارتباط آیه تبلیغ و اکمال دین.. ۱۶۹

اهمیت واقعه غدیر در کلام دانشمندان. ۱۷۰

افتخار به فرهنگ غدیر. ۱۷۰

لزوم دفاع از حدود و ثغور ولایت... ۱۷۰

ص: ۱۲

(۴) اساس دین ۱۷۲

لزوم تبلیغ همگانی مکتب غدیر. ۱۷۲

ولایت، شرط قبولی اعمال. ۱۷۲

علی (علیه السلام) افضل اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۷۳

(۵) معرفت افزایی نسبت به ولایت... ۱۷۴

لزوم افزایش معرفت نسبت به مقامات علی (علیه السلام) ۱۷۴

کتاب «الغدیر» احیاکننده ولایت... ۱۷۵

(۶) جهانی مشتاق مکتب غدیر. ۱۷۶

خدمت به غدیر، عنایت الهی.. ۱۷۶

اشتیاق جهان به شناختن مکتب ولایت... ۱۷۶

لزوم گرامیداشت غدیر. ۱۷۷

(۷) ذی الحجّه، ماه ولایت... ۱۷۸

ابلاغ ولایت علی (علیه السلام) اساس اسلام. ۱۷۸

وضوح واقعه غدیر. ۱۷۹

ذی الحجّه الحرام، ماه ولایت و امامت... ۱۷۹

لزوم اعزام مبلغان غدیر. ۱۸۰

(۸) غدیر و اهمّیت مدیریت در اسلام ۱۸۲

نصوص قرآنی بر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۸۲

مدیریت در جامعه اسلامی.. ۱۸۳

نصوص روایی متواتر در ولایت علی (علیه السلام) ۱۸۴

(۹) سیره امام غدیر. ۱۸۵

التزام به لوازم ولایت مداری.. ۱۸۵

اعتراف همگان به فضایل علی (علیه السلام) ۱۸۵

سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۸۶

اهتمام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به رسیدگی به فقرا ۱۸۶

ص: ۱۳

لزوم ترویج کتاب نهج البلاغه. ۱۸۸

(۱۰) مبلغان غدیر ۱۸۹

لزوم تقویت هویت ولایتی.. ۱۸۹

غدیر، ابلاغ و اختطاری بزرگ... ۱۹۰

دلالت نصوص جلیه قرآنی بر ولایت علی (علیه السلام) ۱۹۱

اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی (علیه السلام) ۱۹۲

غیر قابل شمارش بودن فضایل علی (علیه السلام) ۱۹۴

ولایت از مهم ترین اصول دین.. ۱۹۴

ضرورت تبلیغ هویت ولایتی.. ۱۹۵

آرزوی توفیق تبلیغ غدیر. ۱۹۶

(۱۱) نگهبانان ولایت ۱۹۷

ارزش والای نعمت ولایت... ۱۹۷

خداوند متعال، حافظ حقیقی ولایت... ۱۹۸

اعتراف فریقین به فضایل علی (علیه السلام) ۱۹۸

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۲۰۲

فضایل علی (علیه السلام) در سروده های شعرا ۲۰۳

نصوص در فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۲۰۴

اعتراف به عجز از وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۲۰۸

کتاب نامه... ۲۱۱

بخش اول: مقالات

اشاره

ص: ۱۵

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛ (۲)

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۳)

ارتباط و وابستگی روز بعثت و عید غدیر

روز تاریخی و بزرگ عید سعید غدیر مانند روز عظیم بعثت

ص: ۱۷

-
- ۱- این مقاله در ماه ذی الحجه الحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری به رشته تحریر در آمد و در نشریه مشکوه، بهار ۱۳۷۰، شماره ۳۰ به چاپ رسید.
 - ۲- مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، ابلاغ کن، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».
 - ۳- مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

بااهمیت و بی نظیر است. این دو روز با یکدیگر، پیوند و بستگی کامل دارند.

بعثت، اصل، اساس و پایه انقلاب الهی، جهانی و جاودانی اسلام، و روز غدیر مکمل و تداوم بخش آن است. غدیر در وجود، فرع بعثت است و روز بعثت در بقا، پیش آهنگ غدیر است.

بعثت، سرآغاز ابلاغ وحی و عرضه نظامات فراگیر و همه جانبه اسلام، تا تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت الله به رهبری شخص رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) است، و روز غدیر کامل کننده دین و اعلام استمرار نظام عصر نبوت به رهبری امیرالمؤمنین و فرزندان آن حضرت، ائمه معصوم (علیهم السلام) است.

این دو همایون روز، با یکدیگر هم سویی معنوی و بستگی ناگسستنی دارند. حصار خلل ناپذیر اسلام را که توحید همچون پی بنا است، امامت چاردیوار و بعثت سقف است. پس هیچ یک از این دو روز را از دیگری بی نیازی نیست که هر دو خط اسلام را در تأسیس و بقا ترسیم نموده اند، نه اسلام منهای حکومت و نظام غدیر است و نه نظام غدیر، غیر از اسلام است.

غدیر، استمرار نظام رسولان الهی

نظامی که در غدیر به آن صورت عام و جلوه رسمی به همگان اعلام شد نظامی است که همواره استمرار داشته و هرگز منقطع نخواهد شد

ص: ۱۸

و زمین هیچ گاه از شخصی که صاحب، مدیر و رهبر آن نظام باشد خالی نخواهد ماند.

چنان که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خبری که خاص و عام آن را روایت نموده اند می فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّتِهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَعْمُورًا»^(۱).

تبعیت از نظام امامت، وظیفه ای همگانی

مسلمانان راستین و متعهد همواره تابعیت این نظام را که نظام امامت و ولایت است داشته اند و دارند و اگر به ظاهر تابعیت یکی از نظامات دیگر را داشته باشند و یا در کشورهای بیگانه ناچار از مراعات نظامات آنها باشند در همان حال و همان جا نیز باید تابع نظام امامت باشند و در حال مراعات از نظام های غیرمسلمان، باید در محدوده تابعیت از نظام امامت عمل نمایند و از آن خارج نشوند.

لزوم تجلیل از عید غدیر

بدیهی است روز ابلاغ و اعلان تشکیل این نظام که در آن واقعیت و

ص: ۱۹

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۴۹۷؛ صدوق، کمال الدین، ص ۲۹۴؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰. « خدایا آری خالی نماند زمین از کسی که قائم باشد از برای خدا به حجت ظاهر و آشکار و یا بیمناک و پنهان».

هویت حاکمیت الله ظهور می یابد از ایام الله بزرگ است که باید سالروز آن را گرامی داشت و پیام و درسی را که برای همه جهانیان به ویژه مسلمانان دارد همواره بازگو کرد. روزی که دین در آن به کمال رسیده و نعمت خداوند متعال بر این امت تمام یافته است، بسیار با عظمت است.

یاد آن روز که نظام سیاسی دین، اعلام و رهبری فکری، علمی، معنوی، سیاسی و امام، حجه الله، ولی الله و خلیفه الله معرفی شده است، باید همیشه در دل ها زنده بماند و تعهد جامعه به بزرگداشت و پیروی از آن آشکار باشد.

باید در هر فرصت مناسب و به خصوص در ماه ذی الحجه پیرامون ابعاد این نظام، شرایط و شخصیت رهبران آن و ویژگی های حکومت در اسلام، سخنرانی ها، کنفرانس ها، سمینارها و تألیف کتاب و تحقیق و بررسی ادامه یابد.

پرسش هایی پیرامون نظام سیاسی اسلام

اشاره

برنامه ای که پیغمبر اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله) در غدیر خم به امر مؤکد خداوند متعال اجرا کرد به همه پرسش های پیرامون چگونگی نظام سیاسی اسلام پاسخ می دهد و اسلام را از نقصی بسیار بزرگ (نداشتن نظام حکومت) مبرا می سازد.

برخی از پرسش ها پیرامون برنامه حکومت در اسلام به شرح زیر است:

ص: ۲۰

با تأثیر تمامی که شکل نظام سیاسی در صلاح یا فساد حال جامعه دارد و در تمام شئون زندگی انسان حتی در جزئی ترین امور از راهنمایی های لازم خودداری نکرده است، در این موضوع حیاتی و سرنوشت ساز که حسن جریان همه امور مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بلکه عبادی و اخلاقی به آن ارتباط دارد چگونه انسان ها را هدایت کرده و چه نظامی را برگزیده است؟ بدیهی است آنچه به عقل خود درک می کنیم این است که باید به این مسئله بیشتر از بسیاری مسائل توجه شده باشد.

آنچه از تاریخ استفاده می شود این است که شخص پیغمبر(صلی الله علیه و آله) این موضوع بسیار مهم را می دانسته که فقط با انتخاب الهی، تکلیف پیامبر، مشخص می شود. به عنوان نمونه یکی از سران کفار در آغاز بعثت، مسلمان شدن خود و قبیله اش را مشروط به شرایطی کرده بود که از آن جمله یکی این بود که پس از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) جانشین و خلیفه آن حضرت باشد که حضرت این شرط را با ذکر این دلیل که تعیین جانشین پیامبر با خدا است قبول نمود.^(۱)

ص: ۲۱

۱- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۸۹؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۸۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۷۱؛ همو، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۵۷، ۱۵۸.

برحسب آیه کریمه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ ... (۱) تا پیش از روز نزول این آیه و حصول سبب نزول آن، دین کامل نبوده و نعمت خدا تمام نشده بود. سؤال این است که امری که دین (یعنی مجموعه تعالیم و دستورات دینی از اعتقادی و عملی) به آن کامل شده است حتماً نه یک حکم جزئی و کوچک بلکه امر بسیار مهمی بوده که اعلام آن سبب نزول این آیه شریفه شده است، و غیر از رهبری امت و ولایت که در روز غدیر ابلاغ شد چه امر مهم دیگری باقی مانده بود که رسماً اعلام نشده باشد تا ابلاغ آن بتواند موجب اكمال دین و اتمام نعمت گردد؟

بنا به روایت جمعی از مفسران و علمای اسباب النزول، آیه کریمه: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ... (۲) در حجه الوداع در سال دهم هجرت نازل شده است و به اتفاق سوره مائده از سور مدنیه است. سؤال این است با اینکه احکام اسلام از عبادات، مثل نماز، روزه و حج، و از مالیات، مثل زکات و خمس، و احکام معاملات و جزائیات در حدود و تعزیر، و کفارات و دیات همه بیان شده بود و از همه مهم تر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مبارزه با شرک، بت پرستی و سرکوب کردن آن را به پایان

ص: ۲۲

۱- . مائده، ۳.

۲- . مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن».

رسانده بود در حجّه الوداع به تبلیغ چه امر مهمی مأموریت یافت که خدا فرمود: (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) (۱) و چه موضوعی بوده است که خدا به پیغمبر شجاع و قوی القلب و بااراده خود فرمود: (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (۲) و این کلام خطاب به شخصیتی بود که در شهر مکه مکرمه که در آن عصر مرکز سران بی باک و فتاک مشرکان و بت پرستان بود بی ترس و بیم و بی نگرانی دین توحید را اعلام و شرک و بت پرستی را باطل شمرده بود؟

پرسش چهارم

در غدیر خم، آن مؤتمر و اجتماع بزرگ که ده ها هزار نفر در آن شرکت داشتند تشکیل شد و در آن گرمای طاقت فرسا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دستور داد پیش رفتگان حاج را باز گردانند و منتظر ماند تا عقب ماندگان جمعیت برسند و سپس پیام خود را اعلام فرمود، چنان اعلامی در مورد علی (علیه السلام) برای چه امری غیر از ابلاغ رهبری و ولایت آن حضرت می توانست انجام گیرد؟

پرسش پنجم

تواریخ گویای این واقعت اند که روش امویان و عباسیان، در تجاهر

ص: ۲۳

۱- . مائده، ۶۷. «و اگر ابلاغ نکنی رسالتش را انجام نداده ای».

۲- . مائده، ۶۷. «و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».

به فساد، فحشا، ارتکاب مناهمی و انواع فسق و فجور تا آنجا رسید که در عهد جاهلیت هم زشتی رفتار هیچ یک از امپراتوران، قیصرهای جابر روم و شاهنشاهان خودکامه ایران به آن پایه نرسیده بود و خود، احیاگر همان رسوم و عاداتی شدند که اسلام به شدت با آنها به مبارزه برخاسته بود. شمه ای از آن مفاصد در تاریخ بنی عباس و بنی امیه و دربار آنها ثبت است.

اگر رهبری امت بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در اختیار افرادی قرار می گرفت که اهلیت ادامه دادن به خط و سیره آن حضرت را داشتند اوضاع فاسدی که اسلام بر آنها خط بطلان کشید و خلاف آن را در عمل ارائه داد تجدید نمی شد و مدینه مردمی و متواضعی که از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به جای ماند به دمشق، معاویه، یزید، ولید، سایر بنی امیه؛ بغداد، منصور مستکبر، هارون جابر و دگر ملوک بنی عباس؛ و قسطنطنیه یا سلاطین عثمانی؛ غرناطه، قرطبه اسپانیا و پایتخت های دیگر تبدیل نمی شد.

اما شد و چهارده قرن همه جا عرصه گنه کاری ها، بی پروایی ها، حرام خواری ها، اسراف ها، عیاشی ها و انواع فساد در برابر چشم مردم گرسنه و محرومی شد که حق مسلم آنان و وجوه بیت المال مسلمانان صرف ارضای شهوات غاصبان خلافت و گماشتگان آنان شد. گرچه جیره خواران آن رژیم ها حاکمان فاسد خود را شرعی و واجب الاطاعه قلمداد می کردند و به اسلام نسبت می دادند و لقب

خلیفه و امیرالمؤمنین را به آنان اختصاص داده بودند؛ اما روشن است که نسبت دادن آن نظام ها و آن افراد به اسلام و ولایت بر مسلمین تهمت آشکار به اسلام است که قرآن و سنت و سیره پیامبرش همه با این روش ها تعارض دارد و برانداختن آنها یکی از اهداف مسلم اسلام است. قرآن به شدت تجمل گرایی و کبر بر دیگران را نکوهش کرده است.

پس نه آن حاکمان که عملاً بر مسلمین مسلط شدند می توانسته اند مورد تأیید اسلام باشند و نه معیارهای انتصاب آنان، و اکنون این سؤال مطرح می شود که اسلام برای مشروعیت نظام چه معیارهای را معتبر می شمارد و چه افرادی را با چه اوصاف و علاماتی برای رهبری معین کرده است؟

پاسخ به پرسش ها

اشاره

پاسخ به این پرسش ها و هر پرسش دیگری از این قبیل، گرچه از احادیث بسیار، مثل احادیث خلفای اثنی عشر، احادیث سفینه، امان، احادیث ثقلین و احادیث کثیره فضایل علی (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) دریافت می شود، از حدیث متواتر غدیر که به حدیث ولایت معروف است و اعلان رسمی و عمومی مربوط به نظام رهبری امت است هرچه بیشتر آشکار می گردد خصوصاً اگر در مقام نظر به این حدیث متواتر،

ص: ۲۵

مفاد و تفسیر آیه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ ... (۱) و آیه (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ ... (۲) را نیز بررسی کنیم.

اینک در این مختصر، ذیل چند عنوان، به طور بسیار فشرده موضوع را دنبال می کنیم:

هدف عالی بعثت و رسالت

حضرت خاتم الانبیا(صلی الله علیه و آله) در طول بیست و سه سال نسبت به هدایت گمراهان، دعوت به توحید، نفی شرک، بت پرستی، تربیت جامعه، تبلیغ احکام، تشویق مردم به عدل، احسان، برادری، فضایل و رعایت حقوق یکدیگر و حکومت دادن حق و قانون خدا رنج و زحمت بسیار کشید.

آن حضرت به فرمان خدا و بنا به رسالتی که بر عهده داشت، در ترویج همه فضایل و براندازی همه رذایلی که در آن زمان نیز مانند عصر ما به صورت های گوناگون، هم در بین مردم وحشی و هم در میان مردم به اصطلاح متمدّن رایج بود پایان دهد. (۳)

و جهانی در خور شأن همه انسان ها و بر اساس علم، فضیلت، عدالت، احترام به حقوق همه افراد و آزادی واقعی پایه ریزی نماید. جهانی که همه افراد آن

ص: ۲۶

۱- . مائده، ۳.

۲- . مائده، ۶۷.

۳- . امروز قلدری و استضعاف به صورت مدرن و زیر پوشش حمایت از حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و به اسم سازمان ملل به مراتب شدیدتر و وحشیانه تر از آن دوره ها جریان دارد.

مانند اعضای تن واحد در آسایش، گشایش و در سختی و بلا- همراه یکدیگر باشند و ایمان به خدا، تقوا، تعاون و دیگر فضایل انسانی و در آن عالی ترین ارزش ها باشد.

اسلام، بشر را به سوی جهانی هدایت می کند که در آن زمینه ای برای حکومت جابران و عزیزان بلاجهت فراهم نباشد و حکومت خودبه خود و به عنوان هدف و رتبه و برای برتری بر دیگران مقصود نباشد و کسی نتواند خود یا افکار شخصی خود را بر مردم تحمیل کند و بندگان خدا را بفریبد و آنها را نردبان دستیابی به مقاصد نفسانی خود قرار دهد.

بزرگ ترین بلا- و مصیبتی که در زمان ظهور اسلام جان و شرف بشر را تهدید می کرد روش حکومت ها بود و ریشه آن مفاسد در منجلاب شرک، بت پرستی و پرستش زمامداران که حاصل ناآگاهی مردم از معنای توحید خالص بود قرار داشت.

این دستور آزادی بخش قرآن کریم است که:

(تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ). (۱)

ص: ۲۷

۱- . آل عمران، ۶۴. «ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرسیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد».

و این شعار مسلمانان بود: «إِنَّ اللَّهَ ابْتَعَثَنَا لِنُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ ذُلِّ طَاعَةِ الْعِبَادِ إِلَىٰ عِزِّ طَاعَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَاتِ الشِّرْكِ وَعِبَادَةِ الْأَصْنَامِ وَاللَّوْثَانِ إِلَىٰ نُورِ الْإِسْلَامِ» (۱).

پیش بینی و تدارک حکومت خدایی

هر پیامبری که از طرف خدا مبعوث شده برای این بوده است که فشارها و بارهای سنگین زندگی، زنجیرهای عادات ناپسند و روش های ناهنجار اجتماعی را از دوش مردم بردارد (۲).

و خدا خاتم النبیین را فرستاد تا (رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (۳) یعنی رحمت برای جهانیان باشد و تبلیغ آخرین برنامه جامع آسمانی را به عهده او گذاشت.

پس باید دینش در مورد حکومت نیز جواب گوی حوایج بشر و ظهور توحید یعنی حاکمیت و سلطنت خدا باشد. پیغمبری که علم دار آزادی و نجات بشر است، خود و همه را بنده خدا می داند و همه امتیازهای مادی را باطل کرده و ندای «الله أكبر» و (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ

ص: ۲۸

۱- «خداوند متعال ما را مبعوث کرد تا بندگان او را از خواری اطاعت بندگان به افتخار اطاعت او رهنمون باشیم و از تاریکی های شرک و بندگی بت ها برهانیم و آنها را به نور اسلام برسانیم».

۲- اعراف، ۱۵۷.

۳- انبیاء، ۱۰۷.

اللَّهِ أَتَقَاتُمْ) (۱) او، دل ها را به او و به آیین او جذب کرده و با گفتار، عمل، روش متواضعانه و اخلاق ممتاز خود مردم را به مفهوم صحیح حریت و مساوات آشنا کرده و عقیده توحید را منبع تمام فضایل و مقاصد کمال بخش معرفی فرموده و آیین جامع و کامل او، راه رفع کوچک ترین اسباب نزاع و تفرقه را پیش بینی کرده و در بسیاری از تعالیمش رفع اختلاف و دشمنی ملاحظه شده است و از بیان مستحبات، مکروهات، اخلاقیات، نظام معاملات و آداب خوردن، پوشیدن، نوشیدن، خوابیدن، معاشرت با مردم و سلوک با خویشاوند و بیگانه حتی مقررات عبور و مرور و سایط نقلیه و آداب استحمام خودداری نفرموده و آنچه را که مربوط به سیاست مدن و تدبیر منزل و زندگی عائلی است بیان داشته است، محال است در موضوع بزرگی که اجرای کامل تمام احکام، تعمیم عدالت و امنیت، رفاه عمومی، رشد و ترقی علمی و فکری جامعه و اعتلای کلمه توحید به آن بستگی دارد سکوت ورزد و درباره آن مسامحه نماید، حاشا و کلاً، و تعالی الله ورسوله عَمَّا يَقُولُهُ الظالمون علواً کبیراً. (۲)

جایی که رحمانیت، رحیمیت، هدایت، فیض لطف و انعام و اسماء

ص: ۲۹

۱- . حجرات، ۱۳. «گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما است».

۲- . «هرگز و به هیچ وجه، و خدا و پیامبرش خیلی بالاتر و برترند از چیزی که ستمگران آن را می گویند».

الحسنای دیگر الهی اقتضا کند که بندگان را در انواع برنامه هایمعاش و معاد هدایت فرماید به طریق اولی این اسمای حسنی اقتضا می کند که در چنین امر مهمی آنها را هدایت فرماید.

مشکل حکومت

در گذشته و حال یکی از مهم ترین اموری که همواره افکار بشر را از حاکم و محکوم به خود مشغول ساخته است، مسئله رهبری و زمامداری جامعه و چگونگی حکومت، سیستم اداره امور، تشکیلات انتظامی و قضایی و بخش های دیگر است که هنوز هم افکار نسبت به آن هماهنگ نشده و هنوز هم یکی از علل بزرگ و بلکه بزرگ ترین علت اختلافات و جنگ ها است.

در هنگام ظهور خورشید جهان تاب اسلام هم دنیا با همین مشکل روبرو بوده و با اینکه همه در لزوم وجود نظام و رهبری جامعه تقریباً اتفاق نظر داشته اند در نوع این نظام و روش اداره و گزینش رهبر اختلاف نظر بوده و هست.

پس اسلام که آن را آیینی جهانی می دانیم و معتقدیم که برای اداره دنیا و آخرت آمده چگونه ممکن است به این مشکل بی اعتنا مانده و تعیین تکلیف این چنین برنامه خدایی را بر عهده انسان هایی جدال گر واگذارده باشد؟

اگر مسئله حکومت بر اساس صحیح پی ریزی نشود، سایر احکام و

برنامه های علمی، تربیتی، سیاسی و مدنی دین به طور کامل اجرایی شود و در حدودی هم که اجرا شود دارای فواید همه جانبه نخواهد بود. از این جهت است که برحسب احادیث، معرفت امام وقت واجب(۱)

و ولایت از اهمّ ارکان و اساس اسلام است.(۲)

پس به این نتیجه می رسیم که اسلام، سبک و سیستم حکومت و کیفیت سازمان آن را کوچک نشمرده و از چنین نقص بزرگی منزّه و مبرا است و البته اصلاح امر حکومت، مثل اصلاح سایر امور جزء برنامه های اساسی اسلام قرار دارد و اسلام شرایط زمامداری، روابط ملت و حکومت و حدود اختیارات زمامداران را معین کرده است.

نظامی که معین شد

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) برای استمرار و ادامه حکومتی که به فرمان خدا به رهبری شخص آن حضرت به وجود آمده بود نظام امامت، یعنی نظام اصلح و رهبری امام معصوم و اعلم امت را نظام اسلام اعلام فرمود.

در اینجا اگر بخواهیم پیرامون نظام امامت و استحکام و استواری آن (به عنوان یگانه نظام مورد اعتماد و اطمینان همه جانبه) و نواقص و معایب نظامات دیگر که از سوی بشر در گذشته و حال عرضه شده و

ص: ۳۱

۱- . صدوق، کمال الدین، ص ۴۰۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸.

۲- . کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۲۹.

می شود سخن بگوییم، این گفتار طولانی می شود لذا خوانندگان عزیز را به کتاب هایی که پیرامون این موضوع نوشته شده ارجاع می دهیم.

بر اساس عقاید توحیدی که حاکمیت مختص الله است و هیچ کس بر دیگری و حتی بر خودش بدون اعطای ولایت از سوی خدا ولایت ندارد و قبول این گونه ولایت ها بر امور اگرچه به صورت به اصطلاح دموکراتیک، یعنی حکومت مردم بر مردم باشد با عقیده به توحید و حاکمیت الله نه توجیه شدنی است و نه قابل قبول.

بنابراین برحسب این عقیده توحیدی، تعیین نظام و ایجاب اطاعت از آن باید از جانب خدا باشد و استبداد به امر و دخالت در تعیین نظام و حاکم هرچند شرک صریح نباشد درحقیقت مشارکت و دخالت در امری است که خاص خداوند متعال می باشد.

و با این توضیح، بدیهی است نظامی که از جانب خدا منصوب می شود نظامی است که خلافت از خدا دارد و رهبر آن خلیفها لله است و هیچ کس غیر از معصوم صلاحیت این رهبری، خلافت و امامت را ندارد. لذا، هم از لحاظ اینکه اصل تعیین نظام و حاکم چنان که عرض شد حق الهی است، و هم از جهت اینکه صاحب مقام عصمت، و این قوه ملکوتیه را غیر از خدا کسی نمی شناسد، این نظام معصوم و حکومت معصومه، و رهبر معصوم او را فقط خدا معرفی و منصوب می فرماید.

بر این اساس پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شخصیت هایی را که از هر جهت،

صلاحیت این رهبری را دارند معرفی فرمود و در روایات متواتر اثنی عشر که از طریق عامه و از جمعی از اصحاب روایت شده و تنها از یک نفر از آنها به نام جابر بن سمره در مسند احمد بن حنبل (۱) که معروف ترین مسانید است از سی و چهار طریق روایت شده است صریحاً عدد آنها دوازده نفر معین شده است.

بی شک عدد دوازده در این بحث روشنگر مطالب مهمی است که در نوشتار حاضر پرداختن به آنها کلام را بسیار طولانی می سازد.

در احادیث ثقلین نیز به عصمت عترت و جدا نبودن آنان از قرآن و مصونیت ایشان از خطا تصریح شده است و از جمله در سفر حجّه الوداع در عرفات بر وجوب تمسّک به قرآن و عترت تأکید فرمود و در موارد دیگر و نصوص بسیار، نظام امامت منصوص شده است.

مع ذلک چون موضوع ابلاغ ولایت بسیار مهم بود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مأمور شد که در بزرگ ترین اجتماعی که ده ها هزار نفر در آن حضور داشتند به طور رسمی و صریح آن را ابلاغ نماید. (۲)

ص: ۳۳

-
- ۱- احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۸۶ ۱۰۸.
 - ۲- در اینجا لازم به ذکر است علاوه بر این ابلاغ رسمی که در غدیر خم انجام گرفت پیغمبر می خواست وصیت خود را که حتماً امری جز گزینش علی (علیه السلام) به خلافت نبود کتباً نیز اعلام نماید، لذا قلم و کاغذ خواست تا برای امت بنویسد چیزی را که هرگز گمراه نگردند ولی کسانی که هوس ریاست بر سر داشتند مانع شدند و آن گستاخی بزرگ و بی ادبی را نسبت به ساحت قدس رسول خدا | مرتکب شدند و به آن [حضرت هدیان گویی (العیاذ بالله) نسبت دادند و با داد و فریاد در حضور پیامبر، او را از نوشتن وصیت مانع شدند. شرح این مصیبت، بسیار اسف انگیز و حزن آمیز است. هر خواننده ای که بخواهد مختصری از این واقعه دردناک را بخواند می تواند به صحیح ترین کتاب در نزد اهل سنت، یعنی صحیح بخاری (ج ۱، ص ۳۶ ۳۷، باب کتابه العلم؛ ج ۴، ص ۳۱، باب جوائز الوفد؛ ج ۵، ص ۱۳۷ ۱۳۸، باب مرض النبی |؛ ج ۸، ص ۱۶۰ ۱۶۱، باب کراهیه الخلاف)؛ و صحیح مسلم (ج ۵، ص ۷۵، کتاب الوصیه)؛ و مسند احمد (من حدیث ابن عباس، ج ۱، ص ۲۲۲ ۲۲۶) رجوع نماید و یاد آور می شویم که خبر امت، ابن عباس هر وقت این واقعه را به یاد می آورد سیل اشکش جاری می شد و آن را مصیبت و تمام مصیبت می خواند. واضح است که آن معارضه با رسول خدا | با آن همه شدت و اهانت به این جهت بود که بعد از غدیر خم و آن ابلاغ رسمی، این گروه معارض می دانستند که مقصد پیامبر | این است که با سند کتبی تأکید بر نظام امامت و خلافت علی (علیه السلام) بفرماید.

برحسب این مأموریت بسیار مؤکد و علی رغم تحریکات سیاسی و موانعی که برای جلوگیری از این ابلاغ در میان بود که تا سر حدّ سوء قصد به جان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رسید، آن حضرت در غدیر خم که آخرین و بهترین فرصت برای ابلاغ چنین امری بود با آن مراسم شکوهمند، علی (علیه السلام) را به خلافت و جانشینی خود، نصب و استمرار رهبری های خود را بر جامعه تا روز قیامت اعلام فرمود و با اجرای این دستور الهی، اسلام را کامل و تمام گردانید.

سیاست و دیانت در اسلام

از برنامه نصب علی (علیه السلام) به زمامداری و امامت امت این موضوع هم دانسته شد که در اسلام، سیاست و زمامداری از رهبری روحانی و

ص: ۳۴

معنوی جدا نیست و جانشینان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باید مثل اعلا- و نمونه کامل اخلاق و فضایل و علوم آن حضرت باشند و بتوانند مردم را به جمیع حقایق دین و دقائق احکام شرع و شرح و تفسیر قرآن مجید هدایت کنند.

و به عبارت دیگر، جانشینی پیغمبر، یعنی ادامه علم، کمال، اخلاق، هدایت و زمامداری آن حضرت و عهده‌داری امور امت در جمیع آنچه راجع به مصالح دین و دنیا است، و این همان معنایی است که بعد از پیغمبر تا حال منقطع نشده و باقی است و منقطع نخواهد شد.

اسناد حدیث غدیر

راجع به عید سعید غدیر و اهمیت این روز تاریخی و احادیث متواتره ای که در کتاب های شیعه و سنی تخریج شده و از نظر متن و سند مورد بحث، دقت و تحقیق قرار گرفته است و حافظان و علمای عالی مقام علم حدیث و کلام پیرامون آن کتاب های علمی و پر ارزشی نوشته اند (۱).

و علاوه هر کدام از علمای حدیث، کلام، تاریخ، تفسیر، رجال و جغرافیا به مناسبت فن خود این حدیث را روایت کرده اند.

در عصر ما نیز کتاب ارزنده الغدیر یکی از جامع ترین کتاب هایی

ص: ۳۵

۱- از ابو المعالی جوینی نقل شده که در بغداد در نزد صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر آن نوشته شده بود: «المجلده الثامن والعشرون من طرق قوله: | «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ» و يتلوه المجلده التاسعه و العشرون؛ جلد ۲۸ از طرق حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ»، که جلد ۲۹ بعد از آن می آید». قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۳ ۱۱۴.

است که مصادر حدیث و روایت کنندگان آن از صحابه و تابعین بابررسی جوانب آن و ملاحظات بسیار پر محتوا و تحقیقات علمی، تاریخی و کلامی در دسترس همگان قرار گرفته است.

با داشتن کتابی همچون الغدیر و همچنین کتاب بسیار نفیس عبات الانوار و کتاب های دیگر که هم اسناد حدیث را جمع آوری و هم متن آن را با دقت بررسی کرده و دلالت آن را بر ولایت و خلافت بلافضل علی (علیه السلام) آشکار نموده اند از بحث در صحت اسناد و تواتر حدیث، و دلالت الفاظ آن بی نیازیم.

تفسیر آیه تبلیغ

اشاره

فقط نظری به تفسیر آیه کریمه: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ...) می اندازیم:

این آیه، آیه ۶۷ از سوره مائده است که به اتفاق مدینه است. (۱)

ص: ۳۶

۱- . مشهورترین اصطلاح در تقسیم سور به مکیه و مدنیه این است که آنچه از قرآن قبل از هجرت نازل شده مکی و آنچه بعد از هجرت نازل شده مدنی است هرچند در مکه یا بین راه مکه و مدینه نازل شده باشد و بعضی آنچه را که در بین راه مکه و مدینه پیش از ورود پیغمبر | به مدینه و در سفر هجرت نازل شده مکی می گویند. ناگفته نماند در کتابی که اخیراً درباره الفاظ، سوره و آیات قرآن نوشته شده معیاری را که نوشته است چندان معتبر نیست و اما بعد از شناسایی سوره و آیات مکی و مدنی با معیارها و اصطلاح های اصیل ممکن است قابل استفاده باشد که در اینجا مجال شرح موضوع نیست.

سیوطی در الاتقان(۱) و الدرّ المنثور(۲) از ابی‌عبید از محمد بن کعب نقل کرده که سوره مائده در حَجّه الوداع مابین مکه و مدینه نازل شد، و جایی دیگر در الاتقان(۳) و الدرّ المنثور(۴) از ترمذی، حاکم، احمد و ابی‌عبید در فضائل و نحاس در ناسخ و نسائی، ابن منذر، ابن مردویه و بیهقی در سنن از عایشه نقل کرده اند که آخرین سوره ای که نازل شده سوره مائده است و از احمد، ترمذی، حاکم، ابن مردویه و بیهقی از عبدالله بن عمر نقل کرده اند که آخرین سوره ای که نازل شده سوره مائده و فتح است.(۵)

و در الدرّ المنثور از ابی‌عبید از ضمیره و عطیه روایت کرده که هر دو گفتند که پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «آخر قرآن از جهت نزول، مائده است» و از ابی‌میسره نیز همین مضمون را نقل کرده است. مکان و زمان و شأن نزول آیه بنا به نقل کثیری از علمای «اسباب النزول» و مفسرین، این آیه کریمه در غدیر خم در روز هجدهم ذی الحجه در شأن امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) نازل شده است.

از جمله واحدی در اسباب النزول(۶) به سند خویش از ابی‌سعید خدری روایت کرده است که گفت: این آیه (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ ...) روز غدیر خم در شأن علی بن ابی‌طالب(علیه السلام) نازل شد.

ص: ۳۷

-
- ۱- . سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۶۰.
 - ۲- . سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۵۲.
 - ۳- . سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۸۴.
 - ۴- . سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۵۲.
 - ۵- . مقصود از سوره فتح (إِنَّا فَتَحْنَا) که سوره فتح کبری نامیده شده نیست، بلکه مقصود سوره (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ) است که به سوره فتح صغری موسوم است.
 - ۶- . واحدی، اسباب النزول، ص ۱۳۵.

سیوطی در الدرّ المنثور(۱) از ابن ابی حاتم، ابن مردویه و ابن عساکر از ابی سعید آنچه را واحدی از او روایت کرده است و از ابن مردویه از ابن مسعود نقل کرده است که گفت: ما در عهد رسول الله(صلی الله علیه و آله) این آیه را به این نحو قرائت می کردیم:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلَيْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ...)(۲)؛

و در الغدير از سی نفر از علما و بزرگان محدثان اهل سنت نقل کرده است که همه در کتاب های خود نزول آیه را در غدیر خم در تبلیغ ولایت علی(علیه السلام) روایت نموده اند.

مفاد و هدف آیه

هر کس آنچه را به آن اشاره شد، یعنی مکان و زمان نزول سوره مائده

ص: ۳۸

۱- سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲- ظاهراً مقصود ابن مسعود می تواند این باشد که در عصر رسول خدا | شأن نزول آیه را نیز در هنگام قرائت یاد آور می شدیم ولی بعدها که سیاست حکومت بر کتمان این امور و ترک نقل آنها قرار گرفت آن روش که یاد آور ولایت علی(علیه السلام) و شأن نزول آیه بود متروک شد.

و آیه کریمه و واقعه تاریخی و متواتر غدیر خم و ابلاغ ولایت علی (علیه السلام) با آن اهمیت و تأکید و تشریفات فراموش نشدنی راملا-حظه کند و در مضمون آیه و جمله های آن دقت نماید تصدیق خواهد کرد که آنچه به نزول آن در این آیه اشاره شده غیر از ولایت علی (علیه السلام) چیز دیگری نبوده و موضوع دیگری که نزول چنین آیه ای با این تأکید و تهدید در مورد آن مناسب باشد در سال حجّه الوداع و در غدیر خم در هجدهم ذی الحجّه در بین نبوده است و با قطع نظر از گفته های مفسران معلوم می شود که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به تبلیغ امری مهم و بزرگ مأموریت یافته که از ارکان مهم دعوت آن حضرت بوده است و در سال حجّه الوداع قرب ارتحال پیغمبر (صلی الله علیه و آله) غیر از امر خلافت و ولایت، موضوعی که این همه تأکید نسبت به آن مناسب باشد پیدا نخواهیم کرد.

اگر نزول آیه در آغاز بعثت و پیش از هجرت یا اوایل آن بود که دشمنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در نهایت کوشش و قدرت ظاهری با آن حضرت به مبارزه برخاسته بودند و تمام یا اکثر احکام تبلیغ نشده بود جا داشت کسی بگوید این آیه راجع به اصل دعوت و رسالت و قیام به امر نبوت و یا ابلاغ احکام عملده و مهم دین است، اما در سال حجّه الوداع که احکام، تبلیغ شده و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با کمال استقامت و شجاعت همه وظایف رسالت را به انجام رسانده و رسم بت پرستی و شرک را از بین برده و در تمام شبه جزیره عربستان بت ها را سرنگون کرده و درهم شکسته و زمینه فتوحات آینده را برای دین خدا فراهم ساخته و

نیرومندترین دشمنان آن حضرت در برابر احکام و قوانین اسلام تسلیم شده و اسلحه بر زمین گذاشته اند و توحید و پرستش خدای یگانه همه جا رایج و نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، سایر فرایض و واجبات، محرمات و حدود، تبلیغ و اجرا شده و مسلمین در خطرناک ترین جنگ ها شرکت کرده و جان و مال خود را نثار راه اطاعت از خدا و پیغمبر نموده بودند غیر از امر ولایت و خلافت، موضوعی نمانده بود که پیغمبر مأمور به تبلیغ آن شود و اهمیت آن به قدری باشد که عدم تبلیغ و نرساندن آن به مردم مساوی با عدم تبلیغ تمام احکام باشد.

از جمله: (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) (۱) استفاده می شود که به استثنای موردی که این آیه بدان اشاره دارد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کل رسالت خدا را تبلیغ کرده و (ما)ی موصول اشاره به موردی خاص است و اگر ولایت بر عموم ما انزل الیه داشته باشد، معنایش بی لطافت و دور از منطق معجزیبیان قرآن خواهد شد، زیرا بنابراین، مفاد آیه این می شود که «بَلَّغْ رِسَالَتِكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» و حاصل اینکه سیاق این جمله دلیل بر این است که آیه در پایان ابلاغ رسالات الهی نازل شده و مربوط به موضوع ویژه ای است و از جمله: (وَ اللَّهُ يَعِصُكَ مِنَ النَّاسِ) (۲)

ص: ۴۰

۱- . مائده، ۶۷. «و اگر (آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است) ابلاغ نکنی، رسالتش را انجام نداده ای».

۲- . مائده، ۶۷. «و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».

استفاده می شود موضوعی که آن حضرت مأمور به تبلیغ آنشده موضوعی بوده که تبلیغ آن معرض کارشکنی ها، مخالفت مردم مغرض و تحریکات و سوء قصد به جان گرامی و نفس نفیس آن حضرت بوده است و بدیهی است که در آن وقت موضوعی که معرض مخالفت و بروز سوء نیت منافقان و منحرفان باشد غیر از مسئله خلافت چیز دیگری نبوده است.

اشکال و جواب

اگر کسی بگوید موضوع ولایت و خلافت علی (علیه السلام) نیز یک موضوع تازه و مطلب بی سابقه ای نبود که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مورد آن سخنی نفرموده باشد بلکه از آغاز بعثت و از واقعه یوم الدار و یوم الانذار که در سال سوم بعثت واقع شد تا سال حجّه الوداع در موارد متعدد و مکرر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) حق بلاغ را راجع به آن ادا فرموده بود، پس چگونه این آیه در مورد آن نازل شده است؟

پاسخ این است: همین گونه است که بیان می کنید، البته نصوصی که دلالت بر خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارد منحصر به حدیث غدیر نیست.

تبلیغ ولایت از اوّل در برنامه های رسالت قرار داشته و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در فرصت های مناسب آن را به مردم تبلیغ می فرمود و چنان که صریحاً به آن اشاره کردیم در حدیث متواتر ثقلین عترت را عدل قرآن

کریم و در احادیث متواتر و مشهور دیگر علی (علیه السلام) را خلیفه و جانشین خود معرفی فرمود، ولی چون امر ولایت موضوعی است که همواره صاحبان اغراض شخصی و ریاست طلبان به آن چشم طمع دارند تبلیغ عادی و متعارف که نسبت به بیان یک حکم ساده انجام می شود برای آن کافی نیست و باید تا ممکن است ابلاغ آن ظاهرتر و رساتر باشد به طوری که دسایس سیاسی نتواند آن را محو نماید.

به این جهت گرچه انتصاب و معرفی جانشین پیامبر در مناسبات مختلف انجام شدنی بود اما چون به مرور زمان ممکن بود در بعضی اذهان اهمیت آن کم و یا فراموش شود، بهترین و مناسب ترین فرصت و موقعیت برای اعلان عام و غیر قابل انکار آن، همان زمان قرب رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و در آن مجمع همگانی مسلمانان بود تا هم یاد اعلام های قبلی تازه شود که مسلمانان نسبت به آن موضوع مهم، بعید العهد نشوند و هم پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شخصاً و بدون واسطه دیگران به عموم مسلمانانی که برای انجام فریضه حج از اطراف و اکناف آمده بودند ابلاغ فرماید.

لذا به فرمان آن حضرت پیش روندگان قافله حاج را به غدیر خم برگرداند و منتظر ماند تا عقب ماندگان نیز رسیدند. سپس با آن تشریفات مشهور اعلام انتصاب رسمی و گزینش علنی علی (علیه السلام) به خلافت انجام شد، و پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) رسالت خود را ادا کرد، و دین کامل و نعمت خدا بر این امت اتمام یافت، و آیه کریمه:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۱)

نازل گردید.

پیام غدیر

پیام غدیر، پیام ولایت و پیام کمال دین و اعلام نظام جاودانی و جهانی اسلام و بیان بقا و استمرار نظام عصر رسالت است. محتوای این پیام، وجود حکومت جهانی و واحد اسلامی است که بدون انقطاع و کمترین فترت در همه ادوار و اعصار برقرار بوده است و بر هر مسلمانی در هر کجا باشد اگرچه به ظاهر در تابعیت نظام های غیر شرعی محسوب شود واجب است از این نظام امامت تبعیت نماید و خود را ملزم به تابعیت آن بداند.

مسلمانان راستین در طول متجاوز از چهارده قرن در عصر امثال سلاطین بنی امیه و بنی عباس و دیگران، تابعیت این نظام را داشته و دارند و اگرچه این تابعیت با قوه قهریه و نیروی انتظامی بر آنها تحمیل شده خودبه خود به تعهدی که در برابر این نظام دارند و بیعتی که از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هر زمان به گردن دارند وفادارند و از آن تبعیت

ص: ۴۳

۱- . مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ ونعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

می نمایند و در این عصر که شمس آسمان ولایت حضرت بقیه الله ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء در پرده غیبت قرار گرفته است از علمای عامل و فقهای عادل که نواب عام آن خلیفه یزدان و رهبر دوران هستند و به ظاهر عهده دار شئون نظام امامت، نگهبان ثغور دین و دفع بدع مبدعان و شبهات ملحدان می باشند پیروی و تبعیت می نمایند.

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. جَعَلَنَا اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْمَتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ سَيِّمًا مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

اشاره

در پاسخ به پرسش برخی از مؤمنین که پرسیده بودند چرا در حدیث شریف غدیر، خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به لفظ «خلیفه» عنوان نشده است تا ایراداتی که در دلالت ولی و مولی بر ولایت، زعامت و زمامداری امور شده است مطرح نشود، به چند نکته اشاره می کنیم:

غرض ورزی همیشگی مخالفان

اولاً وقتی اغراض نفسانی، سیاسی و دنیوی در بین باشد، با هر شکل و هر لفظی این مطلب یا هر مطلب دیگری ادا و بیان شود، صاحبان اغراض ایراد می گیرند.

اگر در موقف عظیم غدیر، به جای ولی و مولی، هر کلمه دیگری همانند همین لفظ «خلیفه» گفته می شد، مثل ولی و مولی به آن ایراد می گرفتند، مثلاً در اطلاق متعلق آن حرفی می زدند، یا مثلاً «أَنْتَ الْخَلِيفَةُ

بَعْدِي» (۱) را به بعد از سه نفر معنی می کردند، و بالأخره اگر هر تأکید و تصریحی می شد، اصل مسئله نظام و حکومت را خارج از محدوده رسالت می شمردند و آن را یک رأی شخصی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) معرّفی می نمودند و اجتهاد خود را حاکم بر آن قرار می دادند.

اهل نظر و تحقیق با اینکه می بینند وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوات، قلم و کاغذ می خواهد تا آن وصیتی را که با عمل به آن هرگز امت گمراه نگردند، بنویسد و با اینکه کلامش در نهایت صراحت بود و هیچ گونه توجیه و تأویل بر نمی داشت و رد آن ممکن نمی نمود، با آن گونه القای شبهه روبرو گردید که «غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجْعُ» یا «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ» (۲) گفتند و با این بیان، در کمال وقاحت بدان حضرت اعلام کردند که اگر هم بنویسی و وصیت بنمایی، ما با شبهه هذیان گویی آن را ردّ می کنیم.

ص: ۴۶

۱- «تو پس از من جانشین من هستی».

۲- اشاره به روایت: «لَمَّا اخْتَضِرَ النَّبِيُّ وَفِي بَيْتِهِ رِجَالٌ فِيهِمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ النَّبِيُّ: «هَلُمُّوا أَكْتُبْ لَكُمْ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا». فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: «إِنَّ النَّبِيَّ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجْعُ وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسْبُكُمْ كِتَابُ رَبِّكُمْ» و «قَالَ عُمَرُ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ». «وقی پیامبر خدا به حال احتضار افتاد در منزل آن حضرت جماعتی (مردانی) از جمله عمر خطاب بودند، پیامبر | فرمود: بیاید برای شما چیزی را بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نشوید. عمر بن خطاب گفت: شدت درد بر پیامبر | چیره شده است و نزد شما قرآن است، کتاب خدا شما را بس است و عمر گفت: این مرد هذیان می گوید». بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۱۳۷ ۱۳۸؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۵، ص ۷۵ ۷۶، کتاب الوصیه؛ و دیگر مصادر شیعه و اهل سنت.

پس اگر بعد از این شبهه هم وصیت خود را می نوشت، آن را معتبر نمی شمردند. از این رو دیگر نباید انتظار داشت که اهل هواهای نفسانی و جاه طلبان مغرض با الفاظ و کلمات بازی نکنند و ظاهر و صریح آنها را مورد شبهه و ایراد قرار ندهند.

چنانچه کسی گمان کند که اگر به این لفظ یا لفظ دیگر می فرمود، مورد شبهه اهل هوی نمی شد، اشتباه است. حتی مثلاً آیات قرآن مجید که در کمال صراحت بر توحید که اساس دعوت قرآن کریم است تأکید دارد، اشخاصی آنها را به معنای شرک آمیز و موافق با آرای باطله خود معنی می کنند.

میزان و حاکم در استفاده از کلام اشخاص؛ قرآن و حدیث، عقل مستقیم و انصاف است که شخص باید حقایق را بر اساس آن، از نصوص موجود استخراج نماید.

استعمال لفظ «خلیفه» در بعضی روایات

ثانیاً، در روایات صحیحه متعدّد از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تعبیر به «خلیفه» شده است که از نخستین موارد آن اوایل بعثت، هنگام نزول آیه کریمه: (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱) می باشد.

ص: ۴۷

در حدیث متواتر ثقلین که بر وجوب ارجاع امت به عترت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) صراحت دارد و امان از ضلالت و گمراهی، منحصر به آن اعلام شده در بعضی الفاظ آن صریحاً حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ» (۱).

با این همه، شخصی که در تاریخ، حدیث، جوامع، سنن و صحاح اهل سنت تخصیص دارد، در می یابد از موضوعاتی که به طور شایسته مورد اعتنا قرار نگرفته و از اشخاصی که کمتر از آنها کسب علم و دین شده است، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. حتی کسانی چون بخاری در صحیح روایات بسیاری از فساق و فجره و افراد فاسد العقیده ذکر کرده است؛ و از ائمه اهل بیت و شخصیتی، مانند حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) حتی یک روایت نیز نقل ننموده است.

غرض اینکه وقتی اغراض، سیاست ها و آرای مبدعانه جلوی چشم بصیرت و بینش انسان را گرفته باشد، انکار حق از او عجیب و بعید نیست.

استعمال لفظ «خليفة» در اصل خطبه غدیر

ثالثاً، اگرچه این چند جمله مشهور از این خطبه متواتر، ثابت و مورد اتفاق بین فریقین است، اما از کلّ جریان این اعلام، ابلاغ و برنامه

ص: ۴۸

۱- نگارنده، امان الامه من الضلال و الاختلاف، ص ۱۲۸. «من در میان شما دو جانشین به جا می گذارم».

تاریخی آن استفاده می شود که خطبه بیشتر از اینها بوده و در اینچند جمله، خلاصه نشده است و در کتب حدیث شیعه که مفصّل این خطبه روایت شده، هم کلمه خلافت و هم تنصیص بر امامت ائمه (علیهم السلام) به ویژه حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) وجود دارد.

بنابراین جملات مشهور، دلیل بر این نیست که کلّ خطبه، این چند جمله بوده است و علت اینکه روی این جملات، بحث و بررسی و استدلال شده، اتفاق شیعه و سنی بر روایت آنها است.

وجه تکیه بر لفظ «ولی» و «مولی» در خطبه غدیر

رابعاً، وجه دیگر، تکیه بر نقل خصوص این جمله های کثیر المعنی و عنایتی است که بزرگان خلفاً عن سلف به آنها داشته اند. بیان ولایت و اولوایت با نفس و اموال، برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که برحسب خطبه غدیر که به خطبه و حدیث ولایت معروف و مشهور شده این ولایت حتی در زمان شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) ثابت است و به غیبت رسول الله (صلی الله علیه و آله) از مکان یا زمان، توقّف ندارد.

بدیهی است این ولایت از لحاظ اینکه باید مانند سایر مسائلی که به وحی الهی به وسیله پیغمبر اعلام می شود، از طرف صاحب مقام نبوت ابلاغ شود، نسبت به مقام نبوت بلکه نسبت به ولایت پیغمبر فرع است و دایره اش از ولایت پیغمبر که شامل ولایت بر ولی الله نیز هست محدودتر بوده و اطلاق و شمول ولایت پیغمبر را ندارد، اما نسبت به

ماسوای پیغمبر، با ولایت پیغمبر بر ماسوا فرقی ندارد و خلاصه فرقی که ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با ولایت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد، این است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز مانند سایر ائمه ولایت دارد، در حالی که رسول الله (صلی الله علیه و آله) تحت ولایت احدی غیر از خداوند متعال قرار ندارد.

به هر حال اثبات این ولایت در دایره و محدوده ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تعبیر به خلافت و جانشینی، در افاده ولایت بر امور، اصرح، رساتر و گویاتر است، زیرا اگر مفهوم خلافت، جانشینی در امامت، الگو و اسوه بودن و رتق وفتق امور شرعیّه و بیان احکام حلال و حرام و رسیدگی و سرپرستی و حکومت بر انام باشد، لفظ ولایت در دلالت بر این جهت خلافت که همان حکومت و مدیریت جامعه باشد أفصح و اصرح است.

بنابراین چون نظر افرادی که برای غصب خلافت و حکومت حزب سازی کرده و با هم تبانی کرده بودند به این علت بود و با سایر مفاهیم خلافت، معارضه مستقیم نداشتند، در «خطبه یوم الغدیر» و «حدیث ولایت» این بُعد از امامت و خلافت در این جملات مورد عنایت قرار گرفت و شبهه های نامقبولی که در مفهوم مولی و ولی شده است، همه در زمان های بعد، برخلاف تمام قراین حائیه و مقالیه این موضوع ابداع شد.

به هر حال، این جملات مشهور از خطبه غدیر در اثبات ولایت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اتمام حجت بر همگان کافی و وافی است و ثابت می کند که اجتماع آن گروه در سقیفه بنی ساعده باوجود «مَنْ ثَبَّتَ لَهُ الْوَلَايَةَ عَلَى الْوَالِدِ وَالْمَوْلَى وَالْمَوْلَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله)» (۱) یک معارضه آشکار با خدا و پیغمبر و انحراف ظاهر از حق بود.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ.

ص: ۵۱

۱- «کسی که ولایت و سرپرستی بر جان و مال مردم با نص خدا و پیامبر| برای او ثابت شده بود».

بخش دوم: پیام‌ها

اشاره

ص: ۵۳

۱. عجز وصف کنندگان (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتراف همگان به عجز از وصف علی (علیه السلام)

وَمَاذَا يَقُولُ النَّاسُ فِي مَدْحِ مَنْ أَتَتْهُ مَدَائِحُهُ الْعَرَاءُ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ (۲)

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

از آن شخصیت عظیم که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشرف کلمات الهیه،

ص: ۵۵

-
- ۱- این پیام در رجب المرجب سال ۱۴۱۷ هجری قمری صادر شده است. قابل توجه اینکه برخی از پیام ها اگرچه به مناسبت عید غدیر صادر نشده است ولی به علت ارتباط با شخصیت عظیم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اینجا آمده است.
 - ۲- «مردم چه چیزی می گویند در مدح و ستایش کسی که ستایش های درخشان او در قرآن آمده است».

اکبر آیات ربّانیه، ادلّ دلایل جامعه، اتمّ براهین ساطعه، وسایل کافیه و مظهر العجائب و معدن الغرائب است و مالک کلّ عظمت های انسان مافوق و برتر و خلیفه الله برحقّ است و دوستی او عنوان صحیفه مؤمن (۱) و علامت طهارت مولد است، (۲) اگر انسان، همه زبانهای گویا را در دهان داشته باشد و با هر کدام از آنها جاودانه مدح و ثنا بگوید، از حرف نخستین مدح او، بیشتر نخواهد گفت و زبان حالش این شعر خواهد بود:

این شرح بینهایت کز وصف یار گفتند حرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد

وصف علی (علیه السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در آن میدانی که پیامبر اعظم، عقل کل، خاتم رسل و هادی سبیل (صلی الله علیه و آله)، بر حسب احادیث معتبر و مشهور بین المسلمین، از آن حضرت، آن همه تمجیدات و تعریفات رسا و پر از معنا فرموده باشد و او را با

ص: ۵۶

-
- ۱- . خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۷۷؛ ابن مغزلی، مناقب، علی بن ابی طالب (علیه السلام) ص ۱۹۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۲۳۰؛ ابن بطریق، عمده عیون صحاح الاخبار، ص ۳۷۰؛ ابن شاذان قمی، الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص ۶۶؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۸۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۸۴، ۳۰۵.
 - ۲- . جزری، اسنی المطالب، ص ۵۷ ۵۸؛ امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۲۶؛ ج ۴، ص ۳۲۲؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۷، ص ۲۶۶؛ ج ۲۱، ص ۳۶۶ ۳۶۷.

و حق و قرآن را با او و لازم الاتصال و غیر قابل افتراق دانسته باشد، و گاه فرموده باشد:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَمَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ لِلْبَرَكَةِ» (۲)

و گاهی با زبان معجزیان و حقیقت ترجمان، فرموده باشد:

«لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْعِيَاضَ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسَ كُتَابٌ وَالْجَنَّ حُسَابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ» (۳)

ص: ۵۷

- ۱- . حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۴؛ سید مرتضی، الشافی فی الامامه، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۱۳۵ ۱۳۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۱۶؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۷؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۷؛ جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۶۳۷، ب ۲۳، ح ۶۰۶.
- ۲- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۸۱ ب ۹۱، ح ۱۱۴؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۴۸۶ ۴۸۷. «سوگند به خدایی که جانم در کف قدرت اوست اگر نبود اینکه گروه هایی از امتم درباره تو بگویند چیزی را که نصاری درباره عیسی فرزند مریم گفتند، امروز درباره تو سخنی را می گفتم که بر جماعتی از مسلمانان عبور نمی کردی جز اینکه خاک زیر پایت را برای تبرک می گرفتند».
- ۳- . خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۵، ب ۹۱، ح ۱۱۴. «اگر دریاها مُرکّب و جنگل ها قلم و انسان ها نویسنده و جنیان حساب گر باشند نمی توانند فضایل تورا بشمارند ای ابالحسن».

یا ارزش یکی از میدان های جهاد آن مجاهد فی سبیل الله را در راهاعلای کلمه الله و دفاع از حق، افضل از عبادت جنّ و انس (۱)

و یا تمام امت (۲)

معرفی کرده باشد، دیگران در مدح و ثناوی آن حضرت چه میتوانند بگویند؟!

همه در برابر آفتاب جهان تاب محمدی و دریای بیکران علم احمدی (صلی الله علیه و آله)، چون ذره و قطره، بلکه از آن هم کمترند.

کلام بزرگان در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حقیقت این است که با جملهها و کلماتی که حروف آنها از بیست و نه حرف بیشتر نیست، نمیتوان از بزرگ بنده خاص و مخلص خدا، که در آیات بسیاری از قرآن، خداوند متعال، خود او را وصف و مدح فرموده است، توصیف و ستایش کرد؛

وَإِنَّ قَمِيصًا خِيطَ مِنْ نَشَجٍ تِسْعَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا عَنْ مَعَالِيهِ قَاصِرٌ (۳)

ص: ۵۸

۱- ابن ابی جهور احسائی، عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۸۶؛ حلبی، السیره الحلییه، ج ۲، ص ۶۴۲ ۶۴۳؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۶، ص ۵۴.

۲- حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۳۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۰۷؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۵۱۴؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۲۸۲، ۴۱۲.

۳- «به یقین پیراهنی که از بافته بیست و نه حرف دوخته شده است از فضایل و ارزش های او کوتاه است».

مدایح شایسته‌های که از آن امام عظیم، رهبر موحدان، پیشوای مجاهدان، سرور زهاد و داد‌گران و امیر مؤمنان شده، هر چه رسا و شیوا بوده، به ناحیه ای از نواحی عظمت آن حضرت اشارت دارد.

آن که در مجلس معاویه و به درخواست و اصرار او، امام را به این سخنان توصیف کرد:

«كَانَ وَاللَّهِ بَعِيدَ الْمِدَى، شَدِيدَ الْقُوَى، يَقُولُ فَضِيلاً وَيَحْكُمُ عَدْلًا، يَتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ، وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ نَوَاحِيهِ، يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتَيْهَا، وَيَسْتَتَأَنِسُ بِاللَّيْلِ وَوَحْشَتَيْهِ، كَمَا أَنَّ وَاللَّهِ غَزِيرَ الْعَبْرَةِ، طَوِيلَ الْفِكْرَةِ، يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ، وَيُخَاطِبُ نَفْسَهُ، وَيُنَاجِي رَبَّهُ، يُعْجِبُهُ مِنَ اللَّبَاسِ مَا حَشِنَ، وَمِنَ الطَّعَامِ مَا جَشِبَ، كَمَا أَنَّ وَاللَّهِ فِينَا كَأَحَدِنَا»؛^(۱)

ص: ۵۹

۱- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۰، ب ۱۰۷، ح ۲۸. «به خدا سوگند او دوران‌دیشی نیرومند بود، سخن او حق را از باطل جدا می ساخت، و با دادگری قضاوت می کرد، علم و دانش از هر طرف او می جوشید و حکمت از اطراف او گویا بود. از دنیا و زینت آن واهمه داشت، و با شب و ترس و وحشت آن انس داشت. به خدا سوگند پر اشک بود (و چشم گریان داشت)، زیاد فکر می کرد، دو دستش را روی هم می گرداند و خودش را خطاب می کرد و با پروردگارش راز و نیاز می کرد. از لباس زبر و خشن خوشش می آمد و غذای خشک (بدون نان و خورش) را دوست داشت. به خدا سوگند او در میان ما مثل یکی از ما بود.»

و آن که با این جمله کوتاه:

«إِحْتِيَاجُ الْكُلِّ إِلَيْهِ وَاسْتِغْنَاءُهُ عَنِ الْكُلِّ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ إِمَامُ الْكُلِّ»؛^(۱)

او را ستود؛

و آن که در وصف کلامش میگفت: «كَلَامُهُ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ وَفَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِينَ»؛^(۲)

و آن که میگفت:

«لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عَمْرٌ»؛^(۳)

و «لَوْلَا سَيْفُهُ لَمَا قَامَ عَمُودُ الْإِسْلَامِ»؛^(۴)

و آن که میگفت:

«قُتِلَ فِي مِحْرَابِ عِبَادَتِهِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ»؛^(۵)

ص: ۶۰

-
- ۱- . سیوطی، بغیة الوعاه، ص ۲۴۳؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۰۲، ش ۳۷۶۹. «نیازمندی همگان به او و بی نیازی او از همه نشانگر این است که او امام و پیشوای همگان است».
 - ۲- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴. «سخن او پایین تر از سخن آفریدگار و بالاتر از سخن مردم است».
 - ۳- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۱. «اگر علی نبود عمر هلاک می شد».
 - ۴- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲. «اگر شمشیر آن حضرت نبود، ستونی برای دین اسلام برپا نمی شد».
 - ۵- . جرج جرداق مسیحی در کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانیة. «به جهت شدت دادگری اش در محراب عبادتش کشته شد».

و آن بانوی شجاع و بامعرفتی که او را در حضور معاویه به این دو شعر، مدح نمود:

«صَلَّى إِلَاهُ عَلَى جِسْمٍ تَضَمَّنَهُ قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُونًا

قَدْ خَالَفَ الْحَقُّ لَا يَبْغِي بِهِ بَدَلًا فَصَارَ بِالْعَدْلِ وَالْإِيمَانِ مَقْرُونًا»^(۱) و آن مرد مسیحی که آن شخصیت بزرگ آفرینش و آن یگانه نمایش کمال وجود محمدی را به این جمله ستایش کرده است:

«فِي عَقِيدَتِي أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَوَّلُ عَرَبِيٍّ لَازِمَ الرُّوحِ الْكُلِّيَّةِ فَجَاوَزَهَا وَسَامَرَهَا»؛^(۲)

و آن شاعر پاک نهاد که سروده است:

ابر دوش پیغمبر پاک رای خدا دست سود و خداوند پای

ص: ۶۱

۱- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۳۱، کلام سوده بنت عماره رحمها الله. «درود خدا بر تن نازنینی که او را قبری در آغوش گرفت پس در آن قبر عدالت دفن شد. حق سوگند یاد کرد که به جای او بدل و جایگزینی را اختیار نکند پس او با عدل و ایمان پیوسته و نزدیک شد».

۲- نقل شده از جبران خلیل جبران دانشمند مسیحی در کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية» (جرداق، ج ۱، ص ۳۶۴). «به عقیده من علی بن ابی طالب اولین شخص عربی است که با روح کلی ملازم و همگام بوده پس در کنار آن، و هم صحبت و همنشین آن شده است».

و آن که این شرف و عزّت را به این بیان شرح داد:

«النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى قَالَ لَنَا

وَضَعَ اللَّهُ عَلَيَّ ظَهْرِي يَدًا

وَعَلَيَّ وَاضِعُ رِجْلِيهِ لِي

لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعِدَهُ

فَأَرَانِي الْقَلْبَ إِذْ قَدْ بَرَّدَهُ

بِمَكَانٍ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ» (۱)

همه و هر یک به منقبتی از مناقب آن حضرت اشارتی کرده‌اند.

با این همه که علما و حکما، چهارده قرن است از فضایل او گفته‌اند، تا علم، فضیلت، زهد، عدل و کمالات انسانی مورد ستایش است، آیندگان او را ستایش خواهند کرد.

و با این قصاید و اشعار بیشمار و هزارها کتاب و مقاله که پیرامون شرح شخصیت این انسان اکمل و والا نوشته‌اند و همه داد سخن را داده‌اند، باز هم همانند روزهای نخست برای گویندگان و اندیشمندان، مجال سخن باز و بلکه بازتر شده است.

همان طور که در احادیث شریفه بیان شده است، علی (علیه السلام) معجزه ای است که خداوند به رسول گرامی اش خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) عطا فرمود؛ معجزه‌های که از همه معجزات انبیای گذشته، بزرگ تر و حیرت انگیزتر

ص: ۶۲

۱- این اشعار منتسب به شافعی است که در کتب مختلف نقل شده است از جمله: دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۸۷؛ امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۱۲. «پیامبر برگزیده در شب معراج وقتی به آسمان ها بالا رفت به ما فرمود: خدا دستی بر پشتم نهاد و در دلم به من نشان داد که دلم خنک شد و آرام گرفت و علی (علیه السلام) دو پایش را بر دوش من به همان جایی گذاشت که خدا دستش را گذاشت».

است؛ و بجا است که بگوئیم این سخن حضرت امام صادق (علیه السلام) را:

«الصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ بِيَدِهِ وَهِيَ الْهَيْكَلُ الَّذِي بَنَاهُ بِحِكْمَتِهِ وَهِيَ مَجْمُوعُ صُورِ الْعَالَمِينَ وَهِيَ الْمُخْتَصِرُ مِنَ الْعُلُومِ فِي اللَّوْحِ الْمُحْفُوظِ»؛^(۱) به واسطه شخصیتی، مثل علی (علیه السلام) بیان واقع و حقیقت میشود.

با عالم بزرگ معتزله ابن ابی الحدید هم نوا شده، میگوئیم:

«هُوَ التَّبَأُ الْمَكْتُونُ وَالْجَوْهَرُ الَّذِي تَجَسَّدَ مِنْ نُورٍ مِنَ الْقُدْسِ زَاهِرٍ وَذُو الْمُعْجَزَاتِ الْوَاضِحَاتِ أَقْلَهَا الظُّهُورُ عَلَى مُسْتَوْدِعَاتِ السَّرَائِرِ وَوَارِثُ عِلْمِ الْمُصْطَفَى وَشَقِيقِهِ أَخًا وَنَظِيرًا فِي الْعُلَى وَالْأَوَاصِرِ أَلَّا إِنَّمَا التَّوْحِيدُ لَوْلَا عُلُومُهُ كَعَرَضِهِ ضَلِيلٍ وَنَهْبِهِ كَافِرٍ»^(۲)

ص: ۶۳

۱- . نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۸۰. «صورت انسانی بزرگ ترین دلیل خدا بر خلق و آفریده هایش است و آن کتابی است که خداوند با دست خودش آن را نوشته است و آن ساختار و هیكلی است که خدا با حکمت خود آن را ساخته است و آن تمامی صورت های عالم را در بر دارد و آن مختصر علمی است که در لوح محفوظ است».

۲- . ابن ابی الحدید، الروضة المختارة (شرح القوائد العلویات السبع)، ص ۱۲۳ ۱۲۴، [القصیده الخامسة. «او خبر پوشیده و گوهر گران مایه ای است که از نوری از عالم قدس که درخشنده است شکل یافته است؛ و او صاحب معجزه های آشکار است که کم ترین آن معجزه ها این است که بر دل ها و ودیعه های نهان اشراف و آگاهی دارد؛ او وارث علم پیامبر و برادر گرامی او و همانند او در مقام والا و خویشاوندی است؛ آگاه باشید که اگر علوم و دانش او نبود توحید آن چنان خراب می شد که به صورت آنچه را که شخص ضالّ عرضه می کند و آنچه را که کافر غارت کرده است در می آمد».

پس، سزاوار است که زمین ادب بیوسیم، و خداوند متعال را به نعمت ولایت آن حضرت و فرزندان بزرگوارش، تا حضرت صاحب وقت، ولی عصر و مالک امر، مولانا المهدی (ارواح العالمین له الفداء) حمد و سپاس بگویم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ سَيِّمًا خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

ص: ۶۴

۲. خادمان غدیر (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

عجز دانشمندان از بیان فضایل علی (علیه السلام)

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

انشای قصاید و اشعار و تألیف کتاب در مناقب و فضایل حضرت مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام)، از عصر رسالت و نیمه اول قرن یکم هجرت آغاز گردید و الی زماننا هذا، چهارده قرن است که این شیوه پسندیده ادامه دارد و تا جهان از رجال بزرگ فضیلت، انسانیت و اسوه‌های کمال و عظمت و مردان الهی تقدیر و تعظیم دارد، ادامه خواهد داشت و تألیف کتاب و انشای اشعار در این موضوع، پایان نخواهد یافت.

ص: ۶۵

۱- این پیام در رجب المرجب سال ۱۴۱۹ هجری قمری در تقدیر از شارح کتاب «خصائص نسائی»، جناب آقای حاج میرزا محمدحسن مدرّسی فتحی صادر شده است.

دانشمندان محقق، نویسندگان متتبع و علما و ارباب علوم و فنون اسلامی در این میدان همواره حضور داشته و این رشته تألیف را بیانقطاع ادامه داده و هر کدام به امید کسب افتخار و نیل به اجر ثواب، بضاعت علم و تحقیق خود را هر چند که بسیار ثمین و گران بها بوده، با کمال مسکنت و خجالت در پیشگاه چاکران و ملازمان درگاه آسمانجاء آن حضرت نثار کرده و با عرض «إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارِ مُهْدِيهَا» (۱)

زمین معذرت و ادب بوسیدهانند.

شمار این کتاب ها از دهها هزار بیشتر و بیشتر است که بدیهی است این خود، ثروت علمی و معنوی بینظیری است که از برکت وجود کثیر البرکات امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) فراهم شده است و سزاوار است که ویژه این موضوع ارزشمند، کتابخانههایی تأسیس گردد.

جوانب متعدد شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نواحی متعدد عظمت های علی (علیه السلام)، آن تجسم بندگی و عبودیت خالص خدا، و بخش های گوناگون و بلکه متضاد مناقب، فضایل و مواقف آن حضرت، همه در کتاب ها مضبوط و محفوظ مانده است؛ عَلِيُّ وَمَا أُنْزِلَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، عَلِيُّ وَمَا ثَبَتَ لَهُ مِنَ الشُّؤْنِ وَالْمَقَامَاتِ بِالسُّنَنِ، عَلِيُّ وَمَا صَدَرَ مِنْهُ مِنَ الْمُعْجَزَاتِ، عَلِيُّ وَمَوَاقِفُهُو يُطَوَّلَاتِهِ فِي الْغَزَوَاتِ، عَلِيُّ وَنَضْحِيَاتُهُ

ص: ۶۶

۱- «همانا هدیه ها به اندازه و مقدار هدیه دهنده است».

فِي سَبِيلِ إِعْلَاءِ كَلِمَةِ الْإِسْلَامِ،^(۱) علی و اخبار از مغیبات، گذشته و آینده زمان، علی و علم به عوالم غیب، علی و علم به شرایع و احکام اسلام، علی و زهد و پارسایی و پرهیزکاری، علی و علوم عالی الهیات، علی امیر فصاحت، بلاغت و کلام، علی و عبادت، خوف از خدا و شبندهداری، علی و عدالت، دادستانی و دادگستری، علی و حکومت و زمامداری، علی و فروتنی و بردباری، علی در خدمت و نصرت دین خدا و رسول خدا، علی امام المتقین و زوج سیده نساء العالمین، علی ابو الأراامل و الایتام و المساکین، علی و علی و علی و ... اینها و بیشتر و بسیارتر از اینها، همه نواحی عظمت وجود علی (علیه السلام) است.

علی (علیه السلام)، اعظم آیات الهی و اظهر معجزات حضرت رسالت پناهی (صلی الله علیه و آله) است که در این کتاب ها بازگو شده و علمای توانا، نویسندگان بزرگ، فرزنانگان برجسته و نبغای عالم علم پیرامون آنها قلمفرسایی کرده و با این همه که گفتند و نوشتند، باب ابراز بلاغت، تألیف، تصنیف و ایراد خطابه و سخنرانی در فضایل و مناقب آن حضرت، همچنان بر روی دانشمندان و فضلالی دوران باز است و هر کسی در این باغ پهناور وارد میشود، به میوهای تازه دستمیابد؛

ص: ۶۷

۱- «علی و آنچه از قرآن درباره او نازل شده است، علی و آنچه که برای او از طریق سنت و روایات از شأن و مقاماتش ثابت شده است، علی و آنچه معجزه از او ظاهر شده است، علی و شجاعت های او در جنگ ها».

(كَشَجَرِهِ طَيِّبُهُ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا). (۱)

رشته تألیف و تصنیف، درباره شئون و عظمت های علی (علیه السلام)، نه فقط سرتاسر عالم اسلامی را از شرق تا غرب و از سنی و شیعه گرفته، بلکه قلوب بیگانگان را به این شخصیت ممتاز متوجه نموده و نویسندگان و مؤلفان آن را به مدح، ستایش و تألیف کتاب ها برانگیخته است.

آری! آنان نیز به اینکه شناختی از علی (علیه السلام) دارند و مثل کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» (۲) مینویسند، افتخار و مباهات دارند.

اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی (علیه السلام)

علما و محدثین بزرگ اهل سنت علاوه بر کتاب هایی که در آن فضایل متعدد آن حضرت را بر می شمارند، تا همین عصر، این رشته را ادامه داده اند، مانند شرقاوی که کتاب علی امام المتقین را در دو جلد مینگارد. آری! علاوه بر اینها در خصوص برخی از فضایل آن حضرت، مثل حدیث طیر مشوی، حدیث ردّ شمس، حدیث: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ»، (۳)

ص: ۶۸

-
- ۱- ابراهیم، ۲۴ ۲۵. «مانند درخت پاکیزه ای که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است. هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد».
 - ۲- تألیف جرج جرداق دانشمند مسیحی.
 - ۳- «من شهر علمم».

حدیث منزلت و حدیث ولایت (حدیث غدیر) کتاب ویژه نوشته‌اند و جالب این است که برخی از این کتاب‌ها در مجلّات متعدد، تألیف شده است.

یک رشته از تألیفات اهل سنّت به نام مناقب است، مثل مناقب احمد بن حنبل، صاحب مسند و پیشوای حنابله، مناقب خوارزمی و مناقب ابن مغازلی و دیگران.

و رشته دیگر به نام خصائص است که یکی از مشهورترین آنها، خصائص نسائی معروف، صاحب کتاب سنن نسائی است که از صحاح اهل سنّت است. این کتاب چندین مرتبه به طبع رسیده و در دسترس همگان است و اخیراً اگرچه دست‌های مرموز و هابیت، به اسم تحقیق رجال بعضی احادیث آن را به گمان خود، به تهمت گرایش به تشیع و حبّ اهل بیت (علیهم السلام)، مجروح قلمداد کرده است، اما اهل فن میفهمند که این تلاش صرفاً برای دشمنی با اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است، چون در نسبت اصل کتاب به مثل نسائی نتوانستند حرفی بزنند، بعضی رجال و اسناد را مورد ایراداتی قرار داده‌اند. حتی بعضی رجال را که به قول خودشان از رجال شیخین، یعنی بخاری و مسلم، یا یکی از آنها است نیز زیر سؤال برده و با این نادانی، آن دو کتاب به قول خودشان صحیح را هم از اعتبار انداخته‌اند.

به هر حال، لَيْسَ هَذَا أَوْلَ قَارُورِهِ كَسَبَتْ فِي الْأَسْلَامِ. (۱) اینها پیروان بنیامیه و اتباع معاویه، یزید، ولید، حجاج و زیاد و این طواغیت و نواصب و دشمنان علی (علیه السلام) هستند و گفتارشان درباره احادیث فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در میزان عالمان به علم حدیث و مسیر آن، وزن و ارزشی ندارد.

تقدیر از شارح کتاب «خصائص نسائی»

بعد از این مقدمه که علی رغم آنکه میخواستیم مختصر شود، فی الجمله طولانی شد مسرت وافر و تقدیر بسیار خود را خدمت فاضل ارجمند و شاعر اهل بیت و محقق گران مایه، جناب آقای حاج میرزا محمدحسن مدرسی فتحی دامت توفیقاته، که در شرح کتاب خصائص نسائی و بررسی مطالب آن، کتابی مفصل و مشحون به فواید جلیله و نکات کثیره مرقوم داشتهاند، تقدیم مینمایم.

اگرچه برای حقیر تا حال توفیق حاصل نشد که چنان که شایسته است از آن استفاده نمایم، اما به مقداری که از سبک نگارش کتاب و کثرت تتبع نویسنده اطلاع پیدا کردم آن را مفید و گران سنگ میابم؛ امیدوارم مورد استفاده همگان قرار گیرد. بدیهی است هر کجا توضیحاتی و حتی ایرادی باشد، که ان شاءالله نخواهد بود، شخص مؤلف محترم پاسخ گو و برای ادای توضیح

ص: ۷۰

۱- «این اولین شیشه (گلابدان) نیست که در اسلام شکسته شده است».

آماده‌اند. امثال ایشان در جامعه ما، برای دیگران، مخصوصاً اقربان و امثال خودشان، حجت هستند.

از خداوند متعال مسئلت دارم که ایشان را مشمول عنایات و توجهات خاصه حضرت بقیه الله (ارواح العالمین له الفداء) قرار دهد.

زَادَ اللهُ فِي تَوْفِيقَاتِهِ وَكَثَّرَ فِي الْفُضَلَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ أَمْثَالَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ.

ص: ۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِبَوْلَايِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادِهِ الْمُعْصومِينَ سَيِّمًا صَاحِبِ عَضْرِنَا وَإِمَامِ زَمَانِنَا مَوْلَانَا الْمُهْدِيَّ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ. ثُمَّ السَّلَامُ عَلَى شِيَعَتِهِمُ الْفَائِزِينَ الْمُخْلِصِينَ وَحِزْبِ اللَّهِ الْمُفْلِحِينَ الْفِرْقَةِ النَّاجِيَةِ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ. (۲)

ص: ۷۲

-
- ۱- این پیام به مناسبت عید غدیر خم سال ۱۴۱۹ هجری قمری صادر شده است.
 - ۲- سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است و درود و سلام بر آقای پیامبران حضرت محمد | و بر فرزندان پاک او باد. سپاس خدایی را که ما را از پیروان امیرمؤمنان و فرزندان معصوم او قرار داد به ویژه صاحب عصر و امام زمان ما حضرت مهدی بقیه الله در روی زمین. سپس درود بر شیعیان موفق و مخلص و حزب و گروه خدا که اهل رستگاری و گروه نجات یافته و بهترین خلقند».

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ

لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ). (۱)

سلام بر غدیریان

سلام بر عید الله اکبر، سلام بر عید سعید غدیر، سلام بر غدیر خم، سلام بر روز اکمال دین، اتمام نعمت و تبلیغ رسالت، سلام بر جشن ها، مراسم و محافل روحانی و مجالس شکوهمند ایمانی، سلام بر فرهیختگان و آگاهانی که در مرور اعصار و گذشت چهارده قرن، همه ساله یاد و خاطره بزرگ رویداد تاریخی و اسلامی غدیر را با حفظ سنن اسلامی و پرهیز از گرایشهای غربی گرامی میدارند و هر سال بر رونق و گسترش آن میافزایند و علایق و رشتههای ولایت و ارتباط خود را با ولی الله بحق و منصوص من جانب الله محکم تر میسازند.

سلام بر سراینندگان اشعار و قصاید ولایی، سلام بر سخنرانان و ارباب قلم و فضلا و نویسندگانی که در این روزهای خجسته (دهه غدیر و دهه ولایت) شیعیان و دوستان آن امام همام را گرم نشاط و

ص: ۷۳

۱- . مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».

اقبال به حقایق و معنویات و وجد و انبساط میسازند و خط تشیع، ولایت و غدیر که خط اسلام راستین، تولّاً و تبرّاً، تعهّد به احکام دین، اهتمام به امور مسلمین، حمایت از محرومین و مستضعفین، امر به معروف و نهی از منکر و نصرت اسلام و اعلاّی کلمه الله است را تبلیغ مینمایند.

اهمیت روز غدیر

روز غدیر در تاریخ اسلام از روزهای فراموش نشدنی است، آیات قرآن مجید، اخبار متواتره، جوامع حدیث از سنن و مسانید، کتاب های تفسیر، کلام، تاریخ، سیره، رجال و حتی لغت و ادب، همه اسناد این واقعه بزرگ و اعلام رسمی ولایت و خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در کتاب هایی، تا دهها جلد، اسناد و روایات غدیر، جمع آوری و ضبط شده است.

البته برای اولین مرتبه نبود که رسول اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام) را به خلافت و امامت نصب فرمود، بلکه در مواقف متعدد دیگر نیز این اعلام و انتصاب الهی انجام شده بود که از جمله در اوایل بعثت و هنگام نزول آیه: (وَأَنْزَلْنَا عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱) برنامه خاص این نصب اعلام شد، ولی در غدیر خم، در آن مجمع عام که نفرات آن را تا بیش

ص: ۷۴

۱- . شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن».

از نود و صد هزار هم گفته‌اند، به همگان این موضوع بسیار حساس و مهم اعلام شد که در اینجا، در مقام شرح و بسط این موضوع نیستیم. بحمد الله علما و مؤلفان عالی‌قدر فروگذار نکرده، در نهایت وضوح این اصل محکم دینی را بیان فرموده‌اند.

ابعاد عظمت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

برادران و خواهران ایمانی!

شما که عید را همه ساله گرامی می‌دارید. آفرین بر ایمان و اخلاص شما. آفرین بر رشد فکری و شعور دینی شما. آفرین بر این احساسات تابناک ملکوتی. عنوان صحیفه عمل هر مؤمن، همین ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. (۱)

همان بزرگ رهبری که فضایل و مناقبش از حدّ احصا، خارج است، همان فداکار و قهرمان و مجاهد یگانه ای که «لَوْلَا سَيِّفُهُ لَمَا قَامَ عَمُودُ الْإِسْلَامِ» (۲)، همان مرد علم و ایمان و معرفتی که علوم همه در برابر علومش چون قطره‌های است در برابر دریا، همان که همه به علم او نیازمند بودند و او از همه بی نیاز بود، همان که وجودش نمایش و جلوه

ص: ۷۵

-
- ۱- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۷۷؛ ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ص ۱۹۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۲۳۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱.
 - ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲.

کامل کمالات محمدی بود و هنگام نزول قرآن، با او همراه بود و آنچه را پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شنید و دید، او نیز میشنید و میدید. (۱)

بزرگ شخصیتی که در علم، عمل، زهد، تقوا، حلم، تواضع، عبادت، ایثار، جهاد، رحم، عدل، احسان و تمام صفات فاضله بی نظیر، ممتاز و نادر روزگار و آیت کبرای پروردگار و مجمع صفات اضداد بود.

صاحبان عقول کبیره، فصحا، بلغا و بزرگان عالم بشریت، در برابر او سر تسلیم و خضوع فرود آورده، در مدح و ستایش او بلیغ ترین و رساترین سخنان را گفته و کتاب ها نوشته‌اند، و با این همه هرگز مبالغه نیست اگر بگوییم:

این شرح بی نهایت کز وصف یار گفتند حرفی است از هزاران کاندرا عبارت آمد

و

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

عظیمی که تمام نواحی وجودش عظمت و آیت قدرت بی انتهای خداوند متعال و جمع همه عظمت ها بود.

كَانَ عَظِيمًا فِي إِيمَانِهِ، عَظِيمًا فِي عِلْمِهِ، وَعَظِيمًا فِي بَصِيرَتِهِ، عَظِيمًا فِي زُهْدِهِ وَتَقْوَاهُ، عَظِيمًا فِي بُطُولَاتِهِ

ص: ۷۶

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۷۶؛ ج ۳۸، ص ۳۲۱.

وَتَضَّ حَيَاتِهِ، عَظِيمًا فِي نُصَيْرِهِ الْحَقِّ وَإِقَامِهِ الْعَدْلِ، عَظِيمًا فِي إِعْلَاءِ كَلِمَةِ اللَّهِ، عَظِيمًا فِي رَحْمَتِهِ لِلْأَيْتَامِ وَالْأَرَامِلِ وَالْمَسَاكِينِ، عَظِيمًا فِي مُوَاسَاتِهِ لِلْفُقَرَاءِ، وَفِي خَوْفِهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، عَظِيمًا فِي فَصَاحَتِهِ وَبِلَاغَتِهِ، عَظِيمًا فِي مَأْكَلِهِ وَمَشْرَبِهِ وَمَلْبَسِهِ، عَظِيمًا فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ، فَتَعَالَى اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ خَالِقُ هَذَا الْإِنْسَانِ وَمُودِعُ هَذِهِ الْعَظْمَاتِ فِيهِ، فَتَعَالَى اللَّهُ خَالِقُ هَذَا الْكَوْنِ الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ وَالْمُتَدَلِّلِ لِعِزَّتِهِ وَجَبْرُوتِهِ وَسُلْطَانِهِ وَالْخَائِفِ مِنْ كِبْرِيَائِهِ، صَاحِبِ هَذِهِ الْعَظْمَاتِ وَالْمُعْتَرِفِ عِنْدَهُ بِعَجْزِهِ وَفَقْرِهِ إِلَيْهِ، فَهُوَ الَّذِي قَالَ:

«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (۱).

ص: ۷۷

۱- «او در ایمانش بزرگ بود و در علم و بصیرتش بزرگ بود، در زهد و پرهیزکاریش بزرگ بود، در شجاعت و فداکاری هایش بزرگ بود و در یاری حق و برپا داشتن عدل و دادگری اش بزرگ بود، در دلسوزی به یتیمان و رحم بر بیوه زنان و بینوایان بزرگ بود، در یاری کردنش برای فقیران و بیچارگان بزرگ بود، در ترس از خدا بزرگ بود، در فصاحت و بلاغتش بزرگ بود، در خوراکش و نوشیدنش و لباس و پوشاکش بزرگ بود، او در همه احوال و کارها بزرگ بود. خدای بزرگ آفریننده این انسان و قراردهنده این همه بزرگی ها در او چقدر بزرگ است؛ بزرگ و بلندمرتبه است خدایی که آفریننده [این وجودی است که در برابر عظمت او اظهار کوچکی و در مقابل جلال و جبروت او اظهار خواری و ناچیزی می کند، صاحب این همه بزرگی ها از مقام کبریا و عظمت او می ترسد و در پیشگاه او به ناتوانی و عجز خود و نیازمندی خود اعتراف می کند. او است که می گوید: «خدایا این عزت مرا بس که بنده تو باشم و این افتخار مرا بس که تو پروردگار من باشی».

کراجکی، کنز الفوائد، ص ۱۸۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۴، ب ۳۲، ح ۱۰.

فَهُوَ الْمَمْسُوسُ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَالْبَكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَالْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَالْعَزُوهُ الْوُثْقَى وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ
وَمِيزَانُ الْأَعْمَالِ وَهُوَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَهُوَ نَفْسُ الرَّسُولِ وَزَوْجُ الْبَتُولِ وَسَيِّفُ اللَّهِ الْمَسْلُومِ وَيَدُ اللَّهِ الْبَاسِطَةِ وَأُذُنُهُ الْوَاعِيَةُ وَعَيْنُهُ
النَّاظِرَةُ وَحُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ هُوَ مَوْلَانَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). (١)

«هُوَ الَّذِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ لَهُ مَقَامُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ

ص: ٧٨

١- «آری او مبهوت و واله در ذات خدا و گریان از ترس او و جهادگر در راه خدا است، او راه راست و دستگیره مورد اطمینان و ریسمان محکم خدا است؛ و او ترازوی اعمال و تقسیم کننده بهشت و آتش (جهنم) است؛ و او جان پیغمبر و همسر بتول (حضرت فاطمه (علیها السلام)) و شمشیر آهیخته خدا و دست گسترده او و گوش شنوا و حفظ کننده و چشم نگاه کننده و حجت رسای خدا است؛ او مولای ما علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.»

هُوَ الَّذِي كَانَ بَيْتُ اللَّهِ مَوْلِدَهُ وَطَهَّرَ الْبَيْتَ مِنْ أَرْجَاسٍ أَوْثَانٍ

لَوْلَا لَهُ لَمْ يَجِدُوا كُفُوًا لِفَاطِمَةَ لَوْلَا لَهُ لَمْ يَفْهَمُوا أَسْرَارَ قُرْآنٍ» (۱)

باید بگوییم و اعتراف کنیم که ما را آن شایستگی و صلاحیت نیست که در اوصاف و کمالات علوی سخن بگوییم و سزاوار این است که در این مقام، زمین عجز و مسکنت ببوسیم و از خداوند منان بخواهیم که ما را در طریق ولایت و ایمان به امامت آن حضرت ثبات قدم و استقامت عطا فرماید.

تجلیل از غدیر، زمینه افزایش معارف ولایی

امید آنکه این برنامهها، جشن ها و این خدمات و زحمات عزیزان و جوانان مخلص در برگزاری دهه غدیر، همگان را به معارف ولایی بیش از پیش آشنا سازد و موجب جلب توجهات عالیه حضرت بقیه الله (ارواح العالمین له الفداء) گردد.

ص: ۷۹

۱- [۲]. «او کسی است که جایگاه او نسبت به پیغمبر خدا همانند جایگاه هارون نسبت به موسی بن عمران است؛ او کسی است که خانه خدا زادگاه او بود و خانه خدا را از لوث وجود بت ها پاک کرد. اگر او نبود برای فاطمه کفو و همتا پیدا نمی کردند؛ اگر او نبود اسرار قرآن را نمی فهمیدند».

عمل به دستورات دین، علامت واقعی ولایت

برادران و خواهران ایمانی!

همه باید این را بدانیم که دین برای عمل است. ایمان به خدا، به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و به آیات، همه باید با عمل توأم باشد.

مظاهر حقیقی و علایم واقعی ولایت، عمل به دستورات و تعالیم قرآن، احکام شرع و هدایت های امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین (علیهم السلام) است.

باید از همه فرصت ها و برنامه های اعیاد و سوگواری ها، برای خودسازی، برای ترقی و کمال معنوی و اخلاقی استفاده کنیم، جلو برویم و رو به پیش باشیم.

در این فرصت ها به وضع تشیع خود، شیعه بودنمان، جهات اسلامی خودمان، جامعه و برادران و خواهرانمان، شهر و کشور، مسجد، اداره، مدرسه، دانشگاه، مطبوعات، روزنامه ها، رسانه های گروهی، کسب و کار و همه نواحی زندگی فردی و اجتماعی خود بیندیشیم و ظهور تشیع و ولایت علی (علیه السلام) را در همه این نواحی بررسی کنیم.

مسئولیت همگانی در برابر اعمال خلاف شرع

حقیر به همه هشدار میدهم ما در برابر هر نقصان، کسر و کمبودیکه در اسلامیت خود داشته باشیم مسئولیم؛ از اینکه بعضی به واسطه تبلیغات سوء در اشتباه بیفتند و محرمات را حلال بشمارند، مسئولیم.

ص: ۸۰

ما از این تشویق و ترویجی که به اسم هنر، از فساد و گرایش دادن جامعه به ملامهی، مناهمی و شکستن سنتهای دینی میشود مسئولیم.

از اختلاط زنان با مردان بیگانه، از خطراتی که عفت و پارسایی زنان و جوانان را تهدید میکند مسئولیم. این جامعه، جامعه اسلامی، جامعه شیعی و جامعه قرآنی است.

هویت اسلامی این جامعه نباید به اسم خرافاتی که اسلام بر آنها خط بطلان کشیده مورد حمله واقع شود. در غدیر و اعیاد دیگر باید این مسائل را بررسی نماییم.

در این جمله تعلیلیه اخباریه: (ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) (۱) که پس از جمله انشاییهای که خطاب به زنان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است، دقت و تأمل کنید.

رعایت این هدایت قرآنی در تمام روابط بین زن و مرد بیگانه یک سنت اسلامی است که مراعات آن جامعه را از فساد و فحشا مصونیت میبخشد. این هدایت قرآنی اگرچه با فرهنگ مبتذل غربی که متأسفانه افرادی فریفته و دلباخته آن هستند مخالفت دارد، اما برای مسلمانان، معیار و میزان است و اختلاطات زن و مرد بیگانه را کنترل و تحت نظم و ضابطه قرار میدهد.

در سایر موارد باید اگر شیعه هستیم

ص: ۸۱

۱- . احزاب، ۵۳. «این کار (درخواست چیزی از وسائل زندگی از زنان پیامبر از پشت پرده) برای پاکی دل های شما و آنها بهتر است».

که الحمد لله هستیم دستورات شرعی و راهنماییهای ائمه (علیهم السلام) را سرمشق و دستورالعمل خود قرار دهیم.
خداوند متعال همه را در عمل به وظایف، حفظ مواضع اسلامی و بازنگشتن به ارتجاع جاهلیت و عقب گرایی موفق فرماید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: ۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَىٰ عَالِيهِ وَعَلَىٰ آلِهِمَا
سَيِّمًا إِمَامًا زَمَانِنَا مَوْلَانَا الْمَهْدِيَّ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَاللَّعْنُ عَلَىٰ أَعْدَائِهِ اللَّهُ. (۲)

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْكَافِرِينَ). (۳)

ص: ۸۳

۱- این پیام به مناسبت دهه غدیر سال ۱۴۲۰ هجری قمری صادر شده است.

۲- «سپاس خدایی را که ما را به راه راست راهنمایی کرد اگر او ما را هدایت نمی کرد ما راه راست را پیدا نمی کردیم و درود و سلام بر آقايمان پیامبر خدا | و علی (علیه السلام) ولی خدا و فرزندان ایشان به ویژه امام زمان ما مهدی بقیه الله باد و لعنت بر دشمنان خدا باد».

۳- . مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، ابلاغ کن، [و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد؛ آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».

برادران مؤمن و خواهران مؤمنه!

اجازه دهید پیش از عرض تبریک و مطالبی را که باید همگان آن را در این دهه مبارک که به دهه غدیر نام گذاری شده است بررسی نماییم، نظری فشرده و بسیار مختصر در این آیه شریفه داشته باشیم:

تفسیر آیه تبلیغ

اشاره

تأمل در این آیه و مضامین جمله‌های آن و زمان و دوره نزول آن خودبه خود نشان می‌دهد که آنچه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به تبلیغ آن از جانب خدا مأمور شد، موضوعی جز موضوع مهم ولایت، نظام امامت و سیاست، حکم و اداره و مدیریت امت نبود.

مدنی بودن سوره مائده

اولاً: سوره مائده، که این آیه شصت و هفتم آن سوره است، مدنی است و چنان که ظاهر است، در اواخر عصر مدنی نازل شده است که احکام مهم اسلام از اصول و فروع تبلیغ شده بود و حکم مهمی غیر از دستور نظام جامعه و مدیریت امت که اعلان رسمی نشده باشد باقی نمانده بود.

سابقه نزول آیه در امر ولایت

ثانیاً: اسم موصول در (مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) اشاره به موضوع مهم

ص: ۸۴

خاصی است که سابقه نزول بر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داشته‌است.

عدم اکمال تبلیغ رسالت بدون ابلاغ ولایت

و ثالثاً: از جمله: (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) اهمیت و ارزش والای موضوعی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به تبلیغ آن مأمور شده بود معلوم میشود، زیرا تا هنگام نزول این آیه، مسائل توحیدی، مبانی اعتقادی و احکام مهم عبادی، مالی، قضایی، اجتماعی، جهاد با کفار و ترک عادات زشت ریشه دار همه تبلیغ شده بود.

باین وجود، این موضوع را دارای چنان اهمیت معرفی میفرماید که اگر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) آن را تبلیغ نمیکرد، همانند آن بود که همه آنچه را در این مدّت طولانی عصر مکه و عصر مدینه تبلیغ کرده، تبلیغ نکرده باشد و کأن لم یکن محسوب گردد. بدیهی است چنین موضوعی غیر از تعیین سرپرست و امام و رهبر برای امت، چیز دیگری قابل تصوّر نیست.

توطئه ها علیه تبلیغ ولایت

و رابعاً: جمله: (وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرُكَ مِنَ النَّاسِ) گویای این است که در داخل مسلمین و پیرامون وجود مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) توطئه‌ها، دست‌بندیها و دست‌هایی در کار بوده است که اگر با آسیب رساندن به شخص آن حضرت هم باشد، از صورت گرفتن این امر جلوگیری

نمایند و مسیر رهبری امت را به سمتی که منافع خودشان را تأمین نماید منحرف سازند و خلاصه، این نگرانی بوده است که در هنگام ابلاغ این رسالت، به طور مرموزی، آشوب و فتنه ای برپا کنند که هم مانع از ابلاغ این رسالت بشوند و هم به جان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سوء قصد نمایند که با این وعده مدد و نصرت خداوند متعال، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در غدیر خم با آن تشریفات رسمی و علنی، علی (علیه السلام) را به ولایت منصوب فرمود و همگان حتی توطئه گرها و آنان که قصد ممانعت از این ابلاغ را داشتند، با امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت کردند که بیش از این در اینجا به شرح و بسط و تفصیل این مسائل نمی پردازیم.

نتیجه تفسیر

مقصود این است که با توجه و آگاهی مختصر از اوضاع آن عصر و دقت در الفاظ و جمله‌های این آیه روشن میشود تبلیغی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن مأمور بود، تبلیغ ولایت علی (علیه السلام) بود که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برای ابلاغ آن در غدیر خم، محلی که حاجیان از آنجا متفرق میشدند و به شهر و دیار خود میرفتند، امر فرمود که همه در آنجا توقف کنند و آنان که جلوتر رفته بودند برگردند و منتظر ماند تا آنان که هنوز نرسیده بودند به آنجا برسند.

سپس در آن مجمع بزرگ که تا آن روز جز در هنگام حج در همین سفر چنان اجتماعی فراهم نشده بود، به فرمان الهی، علی (علیه السلام)، را به مقام ولایت منصوب و مانند خود اولی به انفس معرفی فرمود.

اکنون با تقدیم این بررسی تفسیری به شما عزیزان؛ برادران مؤمن و خواهران مؤمنه ای که این پیام را میشنوید یا میخوانید، این عید سعید و روز بزرگ و با عظمت را تبریک، تهنیت و شادباش عرض میکنم و به همه شما که به نعمت ولایت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ولایت ولی امر و صاحب عصر حضرت بقیه الله مولانا المهدی (روحی لتراب مقدم خدامه الفداء)، سربلند، سرافراز و مفتخر هستید درود میفرستم.

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكُمْ يَا شَيْعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ أَيُّهَا الْفَائِزُونَ الْمُخْلِصُونَ وَالرَّاكِبُونَ فِي سَفِينَةِ النَّجَاهِ وَالْمُعْتَصِمُونَ بِحَبْلِ اللَّهِ، هَنِيئًا لَكُمْ يَا أَنْصَارَ الْحَقِّ وَيَا حُمَاهُ الدِّينِ وَيَا أَبْنَاءَ الْإِسْلَامِ وَالْقُرْآنِ لَقَدْ فَضَّلَكُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَشَرَّفَكُمْ بِهَذَا التَّشْرِيفِ وَاخْتَارَكُمْ عَلَى غَيْرِكُمْ مِنَ الْعَالَمِينَ. (۱)

درود بر شما که در طول اعصار، در بیش از چهارده قرن، همواره در

ص: ۸۷

۱- «درود و سلام خدا بر شما ای پیروان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ای یاران دین خدا، ای پیروزمندان و مردان باخلاصی که سوار کشتی نجات هستید و به ریسمان خدا چنگ زده اید، گوارا باد شما را ای یاران حق و ای حامیان دین و ای فرزندان اسلام و قرآن، بی تردید خدا شما را برتری و فضیلت داده با این فضیلت و با این شرف شما را شرافت بخشیده و شما را از دیگر اهل عالم برگزیده است».

تمسک به قرآن و عترت پایداری کرده، در برابر ظلم ها، ستمگری ها، استکبار، استضعاف و استعلائی جباران، عرض وجود نموده و ثابت و مقاوم در سنگر ولایت، این حصن حصین الهی، از اسلام و مقاصد اسلام، از حق و عدالت دفاع نموده‌اید و اگر چه مشکلات، دشواری ها، محرومیت های گوناگون و فشارهای شدید اقتصادی را متحمل شده‌اید، همواره موفق بوده و شکستناپذیری خود را در صحنه‌ها و میدان هایی که افراد قوی و نیرومند و ادار به تسلیم و قبول شکست می‌شوند، به اثبات رسانده‌اید.

چند توصیه به جوانان منتظر

اشاره

گوارا باد بر شما این افتخارات بزرگ ای پسران و دختران ابوذر، عمار، حجر، رشید و میثم تمار و ای پاسداران و وارثان خون شهدای بدر، احد و شهدای کربلا، ای مردان رشید، و ای جوانان سربلند، و ای بانوان عفیف و فداکار، و ای عاشوراییان و ای غدیریان!

گذشته های پر افتخار خود را فراموش نکنید

به خود ببالید و بنازید، و گذشته‌های پر از عزت، افتخار، شهادت و فداکاری در راه حق و استقامت خود را فراموش نکنید. شما چه خون های پاک و چه جوان های پاک بازی را برای اسلام و دین نثار کرده و قربانی داده‌اید.

به آداب و سنن اسلامی ملتزم باشید

ما همه مسلمان و شیعه اهل بیت (علیهم السلام) هستیم. جاهلیتهای قبل از اسلام، جاهلیت عرب، جاهلیت عجم، همه ملیگرایها و در یک عبارت جاهلیت اولی را پشت سر گذارده و به آگاهی اسلامی و رشد و شعور ایمانی رسیده، از محمد و علی و از تهلیل و تکبیر و از قرآن و توحید، هویت، فرهنگ و شخصیت گرفته‌ایم، این هویت را باید با التزام به آداب و سنن اسلامی حفظ کنیم. مبارزه شیعیان با جاهلیت، ارتداد و ارتجاع، از صفحات زرین و درخشان تاریخ اسلام است.

استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید

جوانان عزیز، غیرتمندان شکست ناپذیر!

شما در طول تاریخ پر از حوادث اسلام، همواره افتخار آفرین بودهاید. امید آن است که بیشترین یاوران امام زمان (ارواح العالمین له الفداء) هم شما باشید. این شما باید سنگرها را نگهدارید. در هر شرایط و در هر کجا هستید، در دانشگاهها، در مراکز تعلیم و تربیت، در جوامع فرهنگی، در سازمان ها و نهادها، روش، رفتار، آداب، لباس و کلّ مظاهر اجتماع، استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید.

تمدن اسلامی را گسترش دهید

برای ترقی، تعالی و بازیابی عزّت، مجد و عظمت های دیریناسلامی تلاش کنید.

تمدن و فرهنگ اسلامی را که چهارده قرن در جهان درخشان گسترش دهید. نسل معاصر مسلمان، به خصوص نسل جوان، در برابر اسلام و این تمدن عظیم و پهناور محمدی مسئول است. این تمدنی است که با تمام کوشش‌هایی که ابرطاغوتیان شرق و غرب برای محو آن دارند، اکنون همه شئون زندگی بیش از یک میلیارد جمعیت جهان زیر پوشش آن قرار دارد و اندیشه‌های آن، خواب آرام را از دشمنان اسلام میگیرد و برای مقابله با اسلامگرایی، لاییکگرایی را تشویق و ترویج مینمایند، و تمدن‌های استبدادی و فرهنگ‌های قبل از اسلام را در جوامع اسلامی، مثل ایران و مصر مطرح میکنند، زیرا از احیای اسلام و خودآگاهی مسلمانان ترس و وحشت دارند و با انواع توطئه‌ها، ترفندها و سیاست‌ها، نهضت اسلامگرایی، عزتخواهی و استقلالطلبی مسلمانان را میکوبند.

در فلسطین، در الجزایر، در آسیای میانه، در چین، در ترکیه، در اینجا و آنجا، با جنگ، کشتار و قتل عام یا به بهانه‌های گوناگون دیگر، به بهانه ملیت و مردم سالاری تلاش میکنند که این غرور و این آگاهی اسلامی را سرکوب و صدای اسلام، اذان و تکبیر را خاموش، شعائر دین، حجاب، چادر بانوان و سنت‌های اسلامی را منسوخ سازند و غربگرایی را در مظاهر فسق و فجور، ترویج موسیقی، نوازندگان، خوانندگان جشنواره‌ها و مسابقات مبتذل رایج نمایند.

در مقابل اسلام زدایی دشمن به هوش باشید

شما ای شیعیان علی، ای جوانان غدیری و عاشورایی و ای بانوان زهرایی و زینبی!

به هوش باشید، به هوش باشید که دشمن ما و به اصطلاح ابرقدرت های جهان در هیچ سیاستی مثل سیاست اسلامزدایی و مبارزه با اسلامگرایی اتفاق نظر ندارند و با نقشه های دقیق و حساب شده و فشار اقتصادی میخواهند این میل به اسلام و بازگشت به اسلام را منکوب و سرکوب کنند.

به هوش باشید و دین خدا را یاری نمایید و با توکل و اعتماد به خدا، از فتنه های بزرگ آخرالزمان خود را بیمه نمایید.

از رجوع به جاهلیت اولی و استقبال به جاهلیت آینده پرهیزید

نه به سوی جاهلیت اولی برگردید و نه از جاهلیت آینده، که همین مکتب های لایبکی است، استقبال نمایید. باید نشان بدهیم و ثابت کنیم که دین، ملت، قانون، سیاست، نظام، حکومت، فرهنگ و دنیا و آخرت ما اسلام است:

«لَا تَبْتَغِي غَيْرَهُ؛ لَا نِظَامًا وَلَا سِيَاسَةً وَلَا وَطَنًا»؛ (۱)

(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ

ص: ۹۱

۱- غیر او (اسلام) را نمی خواهیم (بر نمی گزینیم) نه برای نظام و (امور اجتماعی) و نه برای سیاست و (مدیریت) و نه برای وطنمان.

علی (علیه السلام) را الگوی خویش قرار دهیم

بیاید در این دهه مبارکه غدیر، خود را به علی (علیه السلام)، به رفتار علی (علیه السلام)، به گفتار علی (علیه السلام) و به اخلاق علی (علیه السلام) عرضه کنیم. از آن حضرت درس و سرمشق بگیریم. آیا در کمک به مستضعفان و محرومان در راه علی (علیه السلام) میرویم؟ آیا در لباس و غذا، در مظاهر زندگی، در ساده‌زیستی و بی تکلفی، نشانی از علی (علیه السلام) داریم؟ آیا می‌خواهیم با این تجمل پرستیها و اسراف و تبذیرها، با این جدا بودن از طبقات محروم، شیعه راستین علی (علیه السلام) باشیم؟ اگر عدالت علی (علیه السلام)، زهد علی (علیه السلام)، شجاعت علی (علیه السلام)، حلم و صبر علی (علیه السلام)، حقپرستی علی (علیه السلام)، تواضع علی (علیه السلام) و سایر فضایل بزرگ علی (علیه السلام) ما را شیفته و دل‌باخته او کرده است، باید از این اخلاق بی بهره نباشیم.

خود آن حضرت فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ» (۲).

ص: ۹۲

- ۱- آل عمران، ۸۵. «و هر کس جز اسلام، آیینی برای خود انتخاب کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت از زیان کاران است».
- ۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۷؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۴۷۴؛ ج ۴۰، ص ۳۴۰؛ ج ۶۷، ص ۳۲۰. «بدان و آگاه باش برای هر [پیروی پیشوایی است که باید (از او پیروی می کند) و به او اقتدا نماید و از نور دانش او روشنایی بگیرد».

سعادت ما و ترقی و تعالی ما، در پیروی از مکتب علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام)؛ همان بانویی که وقتی این سؤال مطرح شد که برای زن چه روش و سیره ای بهتر و شایسته‌تر است، آن جواب تاریخی را داد(۱).

که تا قیامت سرمشق زنان مؤمنه شد، همان بانویی که به اقتضای آن ضرورت بسیار بزرگ، وقتی لازم شد به مردم هشدار دهد و خطر ارتجاع و ارتدادی که پیش آمده بود را گوشزد کند، و اصول احکام، معارف اسلام و مبانی دین مبین را ابلاغ کند و زحمات پدر بزرگوارش و هدایت های او را بیمه نماید، با آن جلال و شکوه، درحالی که خواتین و خانم های معظمه، پروانه وار شمع وجودش را احاطه کرده بودند، در آن شرایط سخت هم از پشت پرده با مردم سخن گفت.(۲)

ص: ۹۳

-
- ۱- اشاره به روایت: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَمَّا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ»؛ «برای زن ها این بهتر است که آنها مردان را و مردها آنها را نبینند». طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۶۰۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷، ح ۲۵۰۵۴، ب ۱۲۹، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۱۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.
 - ۲- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۲ ۱۵؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ص ۲۰۱ ۲۰۲؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۱۱۱؛ طبرسی، الاحتجاج، [ج ۱، ص ۱۳۱ ۱۳۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۲۶۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۶.

اگر به دنیا هرچه بگذرد و هرچه در صنایع و تکنیک پیش برود و کفر لاییک و انکار حاکمیت الله جهانگیر شود، خط شیعه، خط علی و زهرا(علیها السلام) است و در یک کلام، حرفش، کلامش، قانونش و میل دلش، همه تابع اسلام است.

ایمانش برگرفته از مثل این حدیث است که از حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) روایت است و ما این پیام را به آن ختم میکنیم:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ»^(۱).

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: ۹۴

۱- ابن ابی عاصم، کتاب السنه، ص ۱۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۳۳؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۷؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۴۵. «بنده ای مؤمن نخواهد بود تا خواست او تابع آنچه من (از طرف خدا) آورده ام باشد».

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان عزیز و مؤمن آبدان و عزیزانی که در این کنگره مقدس شرکت فرموده اید:

سلام علیکم و رحمه الله

بسیار جای تقدیر و تحسین، و زیبا و دلنشین است که جوانان در مقام عرض ولایت و ارادت به آستان اقدس و درگاه ملائک سپاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کنگره ای به نام نامی و اسم گرامی «امام علی (علیه السلام) و جوانان» برگزار می نمایند.

مقامات عالی امام (علیه السلام)

فرزندان عزیز، امام (علیه السلام) در همه ابعاد وجود انسان این پدیده برتر و برگزیده خلقت نمونه اکمل و اعظم است. همه نواحی شخصیت الهی

ص: ۹۵

۱- این پیام در ۱۵ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۱ هجری قمری جهت کنگره امام علی (علیه السلام) که در شهر آبدان برگزار شد صادر شده است.

او ظهور عظمت قدرت و علم خداوند علیّ عظیماست. او انسان مافوق و بشر اکمل است.

عجز همگان از معرفت امام علی (علیه السلام)

یک هزار و چهار صد سال است پیرامون شخصیت جامع الاطراف آن حضرت، نوابغ عالم علم، نخبگان و فرزندگان کم نظیر از مسلمان و دیگران سخن گفته و هزارها کتاب و رساله پیرامون ابعاد وجودی او، فضایل، مناقب، مکارم اخلاق و صفات الهی او گفته و نوشته اند و هنوز هم آگاهان خود را در این دریای بی کرانه به ساحلی نزدیک نمی بینند و مانند مسافرانی که در فضا در پرواز باشند هرچه پرواز می کنند پایانی برای سفر خود نمی یابند.

لزوم الگوبرداری جوانان از جوانی امام علی (علیه السلام)

بخش های زندگی آن حضرت در این عالم اگر چه مجموع آن از جهت طول زمان شصت و سه سال بوده است، ولی از جهت عرض و کیفیت از شصت و سه میلیون سال و بیشتر و بیشتر عریض تر و پهناورتر است. آنچه به عمر انسان شرف و ارزش می دهد درازی زمان آن نیست، حیات بشر به ظهور خصایص عالی انسانیت و جمال آدمیت ارزش و معنا می یابد.

شما جوانان عزیز، سزاوار است که دوره جوانی امام علی (علیه السلام) را الگو و سرمشق خود قرار دهید؛ نوجوانی و جوانی علی (علیه السلام) بخش ها و

سرگذشت های بسیاری دارد که همه جوانان را به سیر و حرکت به سوی مقامات رفیعه انسانیّت، ایمان، مقاومت و استقامت بسیج و تشویق می کند.

علی (علیه السلام) نوجوان و جوان بود که در میدان های جهاد و دفاع از اسلام فداکارانه با شجاعان بزرگ زمان دست و پنجه نرم می کرد و آنان را به خاک هلاک می انداخت.

در غزوه بدر، احد، احزاب، خیبر و غزوات دیگر که شرکت داشت جوان بود. در جوانی در ليله المبيت شبی که کفار تصمیم به قتل پیغمبر خدا داشتند در جای آن حضرت خوابید. در واقعه مباحله که با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به فرمان خدا شرکت داشت جوان بود. وقتی که در رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید و آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...) (۱) در شأن او نازل شد جوان بود. در آن زمان که طعام خود را به مسکین، یتیم و اسیر می داد و آنها را بر خود مقدم می کرد (۲).

جوان بود. در جوانی روزهایش به روزه داری و شب های او به تهجد، عبادت و شب زنده داری می گذشت.

روزی در نوجوانی و جوانی بر او نگذشت که به فضیلت ها، مقامات و موضع های خداپسندانه مشحون نباشد. حیات جوانی و نوجوانی علی (علیه السلام) باید برای همه جوانان سرمشق و راهنما باشد. بسیار یاز

ص: ۹۷

۱- . مائده، ۵۵. «ولی شما تنها خداست و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع زکات می دهند».

۲- . انسان، ۸.

سوابق و مناقب که از علی (علیه السلام) نقل می شود از جوانی ایشان است. او جوان بود ولی اگر ایمانش را با ایمان همه سالمندان صحابه می سنجیدند بر همه برتری داشت، بلکه سنگین تر از آن بود که با ایمان آنها سنجیده شود؛

لعل و مرجان را چه کس گفته است بهتر از خرف

جان علوی را چه کس سنجید با نقش جدار

در اینجا به همین مناسبت کلام را به این سه بیت به پایان می رسانم:

يَقُولُونَ لِي فَضَّلْ عَلَيْنَا عَلَيْهِمْ فَلَسْتُ أَقُولُ التَّبْرُ أَعْلَى مِنَ الْحَصَا

أَلَمْ تَرَ أَنَّ السَّيْفَ يَزْرِي بِحَدِّهِ مَقَالَكَ هَذَا السَّيْفُ أَحَدَى مِنَ الْعَصَا

إِذَا أَنَا فَضَّلْتُ عَلَيْنَا عَلَيْهِمْ أَكُنْ لِلَّذِي فَضَّلْتَهُ مُتَنَقِّصًا^(۱)

از خداوند متعال برای همه جوانان، دانش آموزان و دانشجویان، توفیق در راه شناخت آن امام بزرگوار و پیروی واقعی از آن حضرت را خواستارم.

ص: ۹۸

۱- . افندی اصفهانی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۴. «به من می گویند علی (علیه السلام) را بر آنها برتری ده، پس من نمی گویم طلا- از سنگریزه بالا- تر است؛ آیا نمی بینی شمشیر با دم خود می بُرد تو می گویی این شمشیر بُرنده تر از عصا است! وقتی من علی (علیه السلام) را بر آنها برتری دهم درباره آنکه او را برتری داده ام فروگذاری و تنقیص کرده ام».

۶. کلام امیر (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام):

«إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبُتُ عُرُوقُهُ وَعَلَيْنَا تَهْدَلَّتْ غُصُونُهُ» (۲)

نهج البلاغه نشان کمال انسانیت

با سلام و تحیت به حضور بزرگان و شخصیت های ادبی، علمی و اسلامی که در این مجلس شریف که به عنوان بزرگ و بسیار بامعنی و پر ابعاد «نهج البلاغه» برگزار می شود شرکت نموده و علاقه مندی خود

ص: ۹۹

۱- این پیام جهت کنفرانس نهج البلاغه در دهلی که به مناسبت فرا رسیدن عید غدیر در ۱۰ ذی القعدة ۱۴۲۳ در هند برگزار شد به رشته تحریر درآمده است.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳، ص ۳۵۴؛ دیلمی، اعلام الدین، ص ۳۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۲۴۵؛ ج ۳۴، ص ۲۲۴؛ ج ۶۸، ص ۲۹۲. مولایمان امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «ما امیران سخن هستیم ریشه های سخن در وجود ما دوانده شده و فرو رفته است و شاخه های آن بر ما آویخته شده است».

را به این کتاب عظیم که حقاً نشان دهنده اوج تعالی، کمال انسانیتو توفیق بشریت به درک حقیقت است اظهار نموده اند، با این کلمه این حقیر ناچیزی که در میدان و جهان وسیعی که سخن از نهج البلاغه و از امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد به ذره و کمتر از ذره هم در حساب نمی آیم جسارت نموده خود را در شمار آن عزیزان قرار می دهیم؛ «فَمَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» (۱).

وجوه اعجاز نهج البلاغه

نهج البلاغه نه بلاغت در همه فنون و تمام علوم حقیقه است که بلاغت یعنی سخن گفتن به مقتضای حال و چنان که باید گفت در همه موضوعات، ارزشمند است.

بلاغت در الهیات و تکلم از عالم غیب و ماوراء الطبیعه، بلاغت در بیان آیات آفاقیه و انفسیه الهیه، بلاغت در بیان بهترین و عالی ترین مواظب و حکمت ها، بلاغت در بیان اصول سعادت اجتماع، بلاغت در درس سیاست مُدُن، بلاغت در معرفی نبوات به ویژه بیان نبوت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله)، بلاغت در اخبار از مغیبات، و بلاغت و بلاغت و بلاغت...

ص: ۱۰۰

۱- ابن ابی شیبیه کوفی، المصنف، ج ۴، ص ۵۷۵، ۵۸۱؛ ج ۷، ص ۶۳۸ ۶۳۹؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۵۰، ۹۲؛ ابوداود سجستانی، سنن، ج ۲، ص ۲۵۵؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۷۱؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۶۵. «هرکس خود را به قومی شبیه سازد او از آنها به حساب می آید».

اگر فصاحت و بلاغت فضلا و بلغای نامدار در وصف جنگ، اسبو شمشیر و این عناوین بود، بلاغت امام (علیه السلام) بیان حقایق و معانی متعالیه ای است که نوابغ بینش و بصیرت به فهم آن افتخار می کنند.

با این همه شروحنی که بر این کتاب نوشته اند، هنوز هم مثل این است که بی شرح مانده باشد و باید محققان بزرگ در رشته های مختلف بر آن شرح بنویسند و باز هم بنویسند و بنویسند.

اعتراف دانشمندان به مقام والای علی (علیه السلام)

نهج البلاغه سخن علی (علیه السلام) است. سخن معلّمی شدید القوی است، که در وصفش گفته اند:

«يَتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ نَوَاحِيهِ»؛^(۱)

و گفته اند:

«كَلَامُهُ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ وَفَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِينَ»؛^(۲)

ص: ۱۰۱

۱- . کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۵۱؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۱؛ سید رضی، خصائص الائمه، ص ۷۱؛ زمخشری، ربیع الابرار، ج ۲، ص ۱۷۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، ص ۴۰۱؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۷۶؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۰، ب ۱۰۷، ح ۲۸. «علم و دانش از هر طرف او می جوشید و حکمت از اطراف او گویا بود».

۲- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴. «سخن او پایین تر از سخن آفریدگار و بالاتر از سخن مردم است».

و باز گفته اند: أَلَا إِنَّمَا التَّوْحِيدُ لَوْلَا عُلُومُهُ

كَعَرَضِهِ ضَلِيلٍ وَنَهَبِهِ كَافِرٍ (۱)

نهج البلاغه سخن علی (علیه السلام) است. باز هم و پس از آن هم در مدح آن می گوئیم که سخن علی (علیه السلام)، سخن عظیمی است، که تمام نواحی وجودش عظمت و آیات قدرت بی انتهای قدرت خداوند قادر متعال است.

شخصیت الهی امیرالمؤمنین (علیه السلام)

فَقَدْ كَانَ عَظِيمًا فِي إِيمَانِهِ، عَظِيمًا فِي عِلْمِهِ، عَظِيمًا فِي بَصِيرَتِهِ، عَظِيمًا فِي زُهْدِهِ وَتَقْوَاهُ، عَظِيمًا فِي بُطُولَاتِهِ وَتَضَعِيَاتِهِ، عَظِيمًا فِي نُصَيْرِهِ الْحَقِّ وَإِقَامِهِ الْعَدْلَ، عَظِيمًا فِي إِغْلَاءِ كَلِمَةِ اللَّهِ، عَظِيمًا فِي رَحْمَتِهِ لِلضُّعْفَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَفِي مُوَاسَاتِهِ مَعَ الْفُقَرَاءِ، وَفِي خَوْفِهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، عَظِيمًا فِي فَصَاحَتِهِ وَبَلَاغَتِهِ، عَظِيمًا فِي كُلِّ أَعْمَالِهِ فَتَعَالَى اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ خَالِقُ هَذَا الْإِنْسَانِ، وَمُودِعُ هَذِهِ الْعِظَمَاتِ فِيهِ، فَتَعَالَى

ص: ۱۰۲

۱- ابن ابی الحدید، الروضه المختاره (القوائد العلویات السبع)، ص ۱۲۳ ۱۲۴، القصیده الخامسه. «آگاه باشید که اگر علوم و دانش او نبود، توحید آن چنان خراب می شد که به صورت آنچه را که شخص ضالّ عرضه می کند و آنچه را که کافر غارت کرده است در می آمد».

اللَّهُ خَالِقُ هَذَا الْكَوْنِ الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ، وَالْمُتَدَلِّلُ لِعَجَالِهِ وَجَبْرُوتِهِ وَسُلْطَانِهِ، وَخَائِفٌ مِنْ كِبَرِيَّائِهِ، صَاحِبُ هَذِهِ الْعَظَمَاتِ وَالْمُعْتَرِفُ عِنْدَهُ بِعَجْزِهِ وَفَقْرِهِ إِلَيْهِ:

«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَيْتَنِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (۱).

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

ص: ۱۰۳

۱- . کراچکی، کنز الفوائد، ص ۱۸۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۴، ب ۳۲، ح ۱۰. او در ایمانش بزرگ بود و در علم و بصیرتش بزرگ بود، در زهد و پرهیزکاریش بزرگ بود، در شجاعت و فداکاری هایش بزرگ بود، و در یاری حق و برپا داشتن عدل و دادگری اش بزرگ بود، در دلسوزی به یتیمان و رحم بر بیوه زنان و بینوایان بزرگ بود، در یاری کردنش برای فقیران و بیچارگان بزرگ بود، در ترس از خدا بزرگ بود، در فصاحت و بلاغتش بزرگ بود، در خوراکش و نوشیدنش و لباس و پوشاکش بزرگ بود، او در همه کارهایش بزرگ بود. خدای بزرگ آفریننده این انسان و قراردهنده این همه بزرگی ها در او چقدر بزرگ است؛ بزرگ و بلندمرتبه است خدایی که آفریننده این وجودی است که در برابر عظمت او اظهار کوچکی و در مقابل جلال و جبروت او اظهار خواری و ناچیزی می کند، صاحب این همه بزرگی ها از مقام کبریا و عظمت او می ترسد و در پیشگاه او به ناتوانی و عجز خود و نیازمندی خود اعتراف می کند. او است که می گوید: «خدایا این عزت مرا بس که بنده تو باشم و این افتخار مرا بس که تو پروردگار من باشی».

۷. هشدار های غدیری (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۲)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَتْمَّةِ الطَّاهِرِينَ (عليهم السلام).

سلام عليكم ورحمه الله وبركاته

روز بزرگ و عید عظیم الله اکبر، عید اكمال دين و اتمام نعمت و رضای خدا را به اینکه اسلام، دين همه مؤمنان و مخاطبان

این آیه تا

ص: ۱۰۴

۱- . این پیام در ۱۶ ذی الحجه الحرام سال ۱۴۲۴ هجری قمری صادر شده است.

۲- . مائده، ۳. «امروز دين شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آيين (جاودان) شما پسندیدم».

روز قیامت است به آستان فرشته پاسبان ولی دوران، صاحب زمان، کهف امان و نجات مستضعفان، حصن الله الحصین و صراطه المستقیم حضرت بقیه الله مولانا المهدی (ارواح العالمین له الفداء) و عموم شیعیان تبریک عرض می نمایم.

تعظیم ایام الهی، نشانه التزام به شعائر دینی

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً در اعیاد جلیله و روزهای تاریخی و با عظمت و ایام الهی با برگزاری مراسم باشکوه جشن و تشکیل مجالس، همایش ها و برنامه های ویژه، حیات، بقا، موجودیت و التزام خود را به شعائر دینی، هویت، استقلال اسلامی و حضور و علاقه خود را به سنن و آداب اسلامی اظهار می نمایند و پیام های سازنده و ارزنده این ایام الهی را به گوش دل می شنوند.

هشدارهای غدیر

اشاره

این برنامه ها که همه ساله مخصوصاً در مثل دهه مبارکه غدیر برگزار می شود از جهات متعدد، سودمند و حرکت آفرین و هشدارده و پربرکت است.

هویت شیعی را حفظ کنید

هشدار اینکه قدر شرف تشیع و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بدانید و حیثیت و شخصیت اسلامی و مذهبی خود را عزیز و گرامی بدانید. مبادا

ص: ۱۰۵

این هویت در معرض تصرف بیگانگان و دشمنان اسلام قرار بگیرد.

مراقب تهاجم دشمنان به اسلام عزیز باشد

هشدار اینکه دنیای کفر، الحاد و لایبیک گرایی در حال حاضر برای محو و خدشه دار کردن هویت اسلامی مسلمانان با تمام قوا وارد عمل شده و فرهنگ و آداب مسلمانان را هدف قرار داده است و با تبلیغات مسموم، با بهانه های گوناگون به اسم دموکراسی، به اسم آزادی، به اسم حقوق بشر و دفاع از بانوان، با ترویج فساد، ابتذال اخلاقی و اشاعه ملامی و مناهی به نام هنر و هنرمندی، به موجودیت عالم اسلام و نظامات اسلام، هجوم آورده اند، خوی استکباری و استعلا گری آنها چشم دیدن یک جامعه مستقل و غیر قابل نفوذ و با تمدن درخشان مخصوص به خود و نظامات و آداب ممتاز انسانی را ندارد.

مسلمانان به ویژه شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَا وَلَّيْتُ عَنْهَا»؛^(۱)

در این میدان هر کدام، حتی اگر خود را یک نفر و یک تنه ببینند باید بایستند و از شرف، کرامت و عزت خویش، پاسداری نمایند و خود را

ص: ۱۰۶

۱- . نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۸. «به خدا سوگند اگر اقوام عرب همگی همدست باشند و همدیگر را یاری کنند و به نبرد من بشتابند هیچ وقت از آنها روی بر نمی تابم و پشت نمی کنم».

از افتادن در دام های کفر و بیگانگی از خدا حفظ نمایند.

مغلوب ظواهر مادی نشوید

برادران مسلمان و خواهران مسلمان!

باز هم متذکر می شوم هویت اسلامی خود را حفظ کنید، شخصیت اسلامی خویش را عزیز و گرامی بدانید. آداب اسلام، سنت های اسلامی، احکام اسلام، حجاب اسلام و تمامی شعائر اسلام را در هر کجا هستید احترام کنید و مقهور و مغلوب ظواهر مادی جوامعی که از مدنیّت انسانی بی بهره اند نشوید. نگذارید رنگ اسلامی جامعه و صبغه الله شیعه، کم رنگ شود.

در مکتب انتظار خود را بسازید

پیام های عید غدیر را بشنوید و به مولا و آقای واقعی خود، حضرت بقیه الله (ارواح العالمین له الفداء) متوسّل شوید و همچنین فرج آن حضرت را از خداوند متعال بخواهید و در مکتب انتظار آن امام، خود را بسازید.

پیروزی حق و زوال باطل

بدانید که آینده جهان از آن صالحان و مؤمنان است و استضعاف، استکبار و استعلا رو به زوال و انقراض است و چنان که در حدیث مشهور و مسلم الصدور:

ص: ۱۰۷

«شِيعَةُ عَلِيِّ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛^(۱)

اعلام شده است فقط شیعیان علی (علیه السلام)، پیروان علی (علیه السلام) و کسانی که در خط و راه علی (علیه السلام) به پیش می روند رستگارانند.

آیه ذَرَّ و لقب امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در پایان این پیام به عنوان هدیه و عیدی خدمت دوستان و عزیزان، روایتی را مربوط به تاریخ زمان نام گذاری و ملقب شدن علی (علیه السلام) به لقب «امیرالمؤمنین» تقدیم می نمایم:

دیلمی از علمای مشهور و نامدار اهل سنت در کتاب فردوس

الاجبار از حدیثی یکی از صحابه بزرگ و معروف در ضمن حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تفسیر این آیه را روایت نموده است:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ)؛^(۲) ملائکه جواب دادند: (بَلَى).

ص: ۱۰۸

۱- ابن شاذان نیشابوری، الايضاح، ص ۴۷۶؛ کوفی، مناقب الامام أميرالمؤمنين (عليه السلام)، ج ۲، ص ۲۸۴؛ صدوق، الامالی، ص ۱۵۰، ۴۴۲؛ همو، عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، ج ۲، ص ۵۷؛ مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۷۵؛ طبری، بشاره المصطفی، ص ۹۹، ۲۵۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ب ۸۷، ح ۱۲۰. «فقط شیعیان علی (علیه السلام) رستگارانند».

۲- اعراف، ۱۷۲.

فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا رَبُّكُمْ وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَعَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ» (۱).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ص: ۱۰۹

۱- . قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۲۴۷ ۲۴۸؛ نیز رجوع کنید: علامه حلّی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۱۹۱؛ استرآبادی، تأویل الآیات، ج ۱، ص ۱۸۰، بحرانی، غایه المرام، ج ۱، ص ۱۸۰؛ بحرانی، مدینه معجز الائمة الاثنی عشر، ج ۱، ص ۶۷ ۶۸؛ حرّ عاملی، الجواهر السنیة، ص ۳۰۷؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۷۵. «و زمانی که پروردگارت از پشت (و صلب) فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند چرا گواهی می دهیم، پس خداوند فرمود: «من پروردگار شما هستم و محمد | پیامبر شما و علی (علیه السلام) امیر و فرمانروای شما است».

۸. غدیرشناسی (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۲)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمَتَمِّسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ مِنْ وُلْدِهِ الْمَعْصُومِينَ سَيِّمًا الْإِمَامِ الْمُبِينِ وَالْكَهْفِ الْحَصِينِ
وَعِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَوَاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنْبِيَائِهِ

ص: ۱۱۰

۱- این پیام در ۲۱ ذی القعدة الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری صادر شده است.

۲- . مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

برادران و خواهران ایمانی، شیعیان مخلص، غدیریان پاک گوهر!

به همه شما سلام، درود و تبریک و تهنیت عید الله اکبر، عید اکمال دین، عید اتمام نعمت و عید اعلام ولایت.

دهه غدیر، فرصتی برای اجرای مقاصد اسلامی

از ده سال پیش (سال ۱۴۲۰) تاکنون پیشنهاد اختصاص یک دهه تمام به نام دهه غدیر با تقدیم پیامی جامع اعلام شد.

از آن سال تاکنون هر سال، این برنامه و بزرگداشت دهه مبارک غدیر برگزار می شود و همه ساله بر گسترش، رونق، معنویت و برکات آن افزون تر می شود و مشارکت مردم بیدار و آگاه بیشتر می گردد.

الحق این بزرگداشت، برنامه ای است که سزاوار است در همه ابعاد توسعه پیدا کند و برای مقاصد عالی معرفتی، علمی، تربیتی و برقراری وحدت بین مسلمین از آن استفاده شایان و کلان بنماید.

مکتب غدیر، مکتب همه انبیا

مکتب غدیر، مکتب جهاد، مکتب ایمان، مکتب قرآن و مکتب همه

ص: ۱۱۱

۱- «سپاس خدایی را که ما را پیروان ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم از فرزندان آن حضرت به ویژه امام مبین و دژ محکم و پناه گرفتاران و بیچاره گان مولایمان مهدی بقیه الله در روی زمین قرار داد، برترین دروهای خدا و پیامبران و فرشتگان مقرب او بر آنها باد».

انبیا است. همه بر سر یک خوان گسترده علم، بصیرت و بینشکه می توان گفت: (عَرَضُهَا عَرَضُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (۱) یا بیشتر است دعوت می شوند و کزوبیان و قدسیان در این مکتب حضور می یابند و از معانی و فیوض معنوی آن درس ها و بهره ها می گیرند.

اعتبار و تواتر حدیث غدیر

یکی از علما می گوید: «در بغداد و در دکان صحافی، کتابی را دیدم که پشت آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث شریف غدیر و پس از آن جلد، بیست و نهم می باشد». (۲)

این مطلب حکایت از این دارد که بیست و نه جلد کتاب فقط درباره اسناد این حدیث در آن زمان نوشته شده بود.

این اجمالی از کثرت اسناد این حدیث و شدت اعتنا و اهتمام علما و محدثین به واقعه تاریخی غدیر خم است.

راجع به متن و اصل خطبه غدیر و روایات و احادیث مربوط به آن، آنچه تا حال نوشته شده است بیش از حد احصا است. در باب فنون و علوم مختلف اسلامی از حدیث، تفسیر، تاریخ، سنت و کلام، همه از غدیر گفته اند و بسیاری مثل ابن عقده ها تألیف خاصی راجع به آن

ص: ۱۱۲

۱- آل عمران، ۱۳۳. «پهنایش به قدر آسمان ها و زمین است».

۲- این کلام از ابوالمعالی جوینی دانشمند بزرگ اهل سنت است که در ینابیع الموده (قندوزی، ج ۱، ص ۱۱۳ ۱۱۴) نقل شده است.

نگاشته و بیشتر به نام الولایه یا الغدیر و در این عصر اخیر هم، مثل موسوعه عظیم عباقات الانوار، به وسیله علامه متبحر سید میر حامد حسین هندی و نیز موسوعه شریف الغدیر اثر علامه امینی تألیف شده است.

چند توصیه مهم

اشاره

در این باره، حقیر از همه محبتان و شیعیان امیرمؤمنان می خواهم تا آنچه در توان دارند مصروف انجام موارد ذیل نمایند:

ترویج غدیر را از خانواده خویش آغاز کنید

۱. پدران و مادران، داستان مهم غدیر را برای کودکان و نونهالان خود بازگو کنند و آنان را به ولایت حجت بالغه الهی، آشناتر سازند و از عطر یاد، نام و محبت حضرت علی بن ابی طالب علیه افضل التحیه و السلام و الگوگیری از حیات طیبه حضرتش، جان خود را سرزنده و زندگی خود را پربرکت نمایند و خانه خویش را به نور معرفت علوی و هدایت های آسمانی امیرمؤمنان، مزین سازند.

همه رسانه ها غدیر را تبلیغ کنند

۲. غدیر از ارکان شخصیت و هویت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است؛ باید روزنامه ها، رسانه ها و سایت ها همه در این دهه از غدیر بنویسند، بگویند و حقایق غدیر را منتشر کنند. همچنین منابر، سخنرانی ها و

ص: ۱۱۳

همایش ها به نام مقدّس غدیر مزین و به آن اختصاص داده شود.

رشته غدیرشناسی تأسیس شود

۳. باید غدیر در تمام حوزه ها و دانشگاه ها تدریس شود و همگان پیام های جامع و جهانی آن را دریافت نمایند؛ کرسی های غدیرشناسی در مراکز علمی معتبر ایجاد گردد و علما، دانشمندان، اساتید و پژوهشگران، در حدّ وسع خویش اقدام به پیگیری و تأسیس این رشته بسیار مهم در مؤسسات علمی و پژوهشی مربوطه در سراسر دنیا نمایند.

تمسک به غدیر، تنها راه سعادت

۴. عزیزان من، تمام همت خود را صرف ترویج فرهنگ غدیر و معرفت افزایی به آن نمایید که راه اصلاح ما، تمسک به غدیر است و نردبان سیر، ترقی و فتح قلّه های معرفت، غدیر است. راه حفظ استقلال و عظمت کشور و دفع استضعاف و استکبار، تمسک به غدیر و الهام از مفاهیم غدیر است.

تقدیر از خدمتگزاران غدیر

در پایان از همه عزیزانی که افتخار خدمتگزاری به دانشگاه بزرگ غدیر را دارند و در ترویج معارف نورانی آن زحمت می کشند به سهم خود تقدیر و تشکر می کنم و برای همه آنها از خداوند متعال مزید

عزت، توفیق و خدمت مسئلت دارم و خود را نیز خادم کوچکی در دربار مقدّس قنبر غلام بااخلاص آن حضرت می دانم و به این توفیق بزرگ افتخار می کنم.

والسلام علیکم ورحمه الله

ص: ۱۱۵

۹. علی محوری (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

(عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)؛ (۲)

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...)؛ (۳)

مودت اهل بیت (علیهم السلام) نقطه وحدت فرق اسلامی

با عرض تبریک عید سعید غدیر، عید اکمال دین و اتمام نعمت در رضای خدا به دین اسلام به عموم مسلمانان جهان از شیعیان و اهل سنت که همه در مودت اهل بیت (علیهم السلام) وحدت دارند، این نقطه مرکزی وحدت را گرامی می داریم و با محور ولایت که در غدیر رسماً با تأکیدات الهی خاص ابلاغ گردید و همه به آن اقرار و اعتراف نموده و به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شادباش عرض نموده اند تجدیدعهد

ص: ۱۱۶

-
- ۱- این پیام به مناسبت عید غدیر در ۱۵ ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری صادر شده است.
 - ۲- مؤمنون، ۹۲. «او دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می دهند».
 - ۳- آل عمران، ۱۰۳. «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنیید و پراکنده نشوید».

می نماییم و به همان روز غدیر که ولایت علی (علیه السلام) به همه رنگ واحد بخشید و صبغه الله واحد و امت واحد را کامل نمود بازگشت می کنیم.

اعتراف فریقین به محوریت علی (علیه السلام)

دعوت غدیر و ابلاغ ما أَنْزَلَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ رَبِّهِ در یک کلمه به ابلاغ علی محوری در امر دین و همه شئون اسلامی خلاصه می شود، حقیقت و هویتی که احادیث صحیحه کتب صحاح، مسانید و جوامع معتبر حدیث مسلمین بر آن دلالت و صراحت دارد، مثل حدیث شریف:

«عَلَيْتِي مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ»؛^(۱)

و حدیث:

«عَلَيْتِي مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛^(۲)

ص: ۱۱۷

۱- . سید مرتضی، الشافی فی الامامه، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۱۳۵ ۱۳۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۷۶، ب ۲۳، ح ۶۰۶؛ ج ۳۸، ص ۲۹، ب ۵۷، ح ۱. «علی با حق و حق با علی است، هر کجا که او برود حق هم دنبال او می رود».

۲- . حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۴؛ طوسی، الامالی، ص ۴۶۰، ۴۷۹، ۵۰۶؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۷؛ جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ هیثمی، مجمع الزوائد ج ۹، ص ۱۳۴؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳. «علی (علیه السلام) با قرآن و قرآن با علی (علیه السلام) است از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند».

یعنی همان علی محوری جامع و شامل همه شئون دنیوی و اخروی دینی.

احادیث متواتر ثقلین هم هدایتش همان علی محوری در دین و در عقاید صحیح اسلامی.

در علوم مبدأ و معاد، تفسیر قرآن، فقه و معارف و حیاتی همه علی محوری است و محور و حجت در همه علی (علیه السلام) است، در ولایت، در امامت، در ارشاد به الهیات و عبادات همه، محور علی (علیه السلام) است نه برای کسی غیر از علی (علیه السلام) این معنی به طور مطلق و عام عنوان شده و نه کسی این محوریت را از علی (علیه السلام) سلب می نماید.

در اداره جامعه و اختیارات ظاهری هم محور علی (علیه السلام) است و با حضور علی (علیه السلام) مداخله غیر علی (علیه السلام) صحیح نیست و اگر به هر جهتی این محوریت حقیقی و شرعی در خارج به شکل دیگر درآمد محدود به همان زمان حضور علی (علیه السلام) در جامعه و حیات ایشان و در همان امر ظاهری اداره بود که در حال حاضر در خارج با توجه به عدم حضور علی (علیه السلام) در جامعه موضوع ندارد، یعنی خلاف در علی محوری در جامعه کنونی در بُعد اجرا و اداره، سلب و اثبات ندارد نه اینکه از مقام و منزلت علی (علیه السلام) چیزی کم باشد.

در علی محوری و ایمان به علی محوری در دین و شئون دینی بین شیعه و سنی اختلافی نیست و کسی این محوریت

را ندارد و حضور فیزیکی علی (علیه السلام) و عدم حضور آن حضرت در این محوریت علی السواء است، چنانچه فخر رازی می گوید:

«هر که علی را محور بدانند راه مستقیم رفته است»^(۱).

یعنی چنان که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در همه ازمنه و اعصار محور است، علی (علیه السلام) نیز به تنصیب حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) محور است هر چند در امور اداره ظاهری به واسطه عدم حضور در جامعه، این محوریت را ندارد.

بنابراین علی محوری که در غدیر خم ابلاغ شد، مثل همان روز ابلاغ نقطه مرکزی وحدت است و نقطه ای است که در معنی عام آن و برحسب احادیث ثقلین^(۲) که قرآن و عترت را الی یوم القیامه عدل یکدیگر قرار داد، علی محوری و وجود حجّت در هر عصر و اعصار از اهل بیت (علیهم السلام)، محور اعتصام به حبّ الله و وحدت اسلامی است، چنان که برحسب احادیث امان^(۳)، محور بقای اهل ارضی باشند.

امّت واحده با محوریت اهل بیت (علیهم السلام)

به این علی محوری همه امّت باید متمسک باشند و چون همه در آن

ص: ۱۱۹

-
- ۱- . فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۰.
 - ۲- . احادیث ثقلین علاوه بر نقل در کتب روایی شیعه در مصادر معتبر اهل سنّت، مانند سنن الترمذی (ج ۵، ص ۳۲۷-۳۲۹)؛ مسند احمد (ج ۳، ص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹)؛ المعجم الکبیر (طبرانی، ج ۳، ص ۶۶-۶۷؛ ج ۵، ص ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۲) نیز آمده است.
 - ۳- . احادیث امان علاوه بر نقل در مصادر روایی شیعه، در مصادر اهل سنّت نیز نقل شده است از جمله: حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۴.

اتفاق کلمه دارند و محوریت اهل بیت (علیهم السلام) بر حسب ادله ساطعه قاطعه ثابت است باید همه به رنگ آن باشند و اهل بیت (علیهم السلام) را محور وحدت بشناسند و بر این اساس در امور اجتماعی، اخلاقی، معاش و معاد، مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را محور قرار دهند و امت واحده را که تشکیل و تقوّم به محوریت علی (علیه السلام) و علی محوری در غدیر خم اعلام شد، بدون رنگ های گوناگون و بی اساس طائفه ای و منازعات تفرقه انگیز در جهان کنونی متجلی سازند. پاینده علی محوری و محوریت علی (علیه السلام).

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: ۱۲۰

حیات جاودان (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ إِكْمَالَ دِينِهِ وَإِتْمَامَ نِعْمَتِهِ بِوَلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ الْمُعْصُومِينَ (عليهم السلام). (۲)

سلام بر شما مردم متدین و ولایی استان مازندران

درود و تحیت بر شما غدیریان و برگزارکنندگان جشن های بزرگ غدیر و خادمان و چاکران بااخلاص خورشید عالم تاب ولایت و امامت حضرت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین.

غدیر رمز پایداری و استقامت

حقیقت این است که شیعه برای غدیر و غدیر همه چیز شیعه است.

ص: ۱۲۱

۱- این پیام در ۱۵ ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری جهت ستاد بزرگداشت دهه غدیر استان مازندران صادر شده است.

۲- سپاس خدایی را که کامل کردن دین و به پایان رساندن نعمتش را به وسیله ولایت و امامت مولایمان امیرمؤمنان و امامان معصوم (عليهم السلام) قرار داد».

شیعه با غدیر معنا پیدا می کند و با غدیر هویت خود را می یابد و هویت شیعه غدیری است.

غدیر رمز پایداری و استقامت آزادمردان جهان در مقابل حکومت های طاغوتی و مستکبرین است.

بر که جوشان غدیر است که تشنگان حقیقت و عدالت را در طول تاریخ سیراب می کند و درخت تنومند خداپرستی، توحید، نبوت و معاد را آبیاری می نماید.

آن که از چشمه زلال غدیر نوش جان گرفت حیات جاودانی یافت و زندگی برایش معنا پیدا کرد و آن که قطره ای از غدیر و بر که بابرکت او نوشید به حوض کوثر نبوی اتصال پیدا کرد که: «لَا ظَمًا بَعْدَهُ أَبَدًا»^(۱).

غدیریان که کاسه زلال این بر که را سرکشیدند مست ولای جام علوی گشتند و هر آنچه داشتند در این راه فدا نمودند.

استمرار غدیر در ولایت امام زمان (علیه السلام)

صفحه غدیر هنوز پایان نیافته است و تا ظهور موفور السرور آخرین خورشید از سلاله غدیر ادامه دارد و عاشقان غدیر، منتظر جان فشانی در رکاب فرزند غدیر می باشند.

غدیر صراطی است که رهپویان حقیقت باید از آن عبور کنند و

ص: ۱۲۲

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۰؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۳۸ (دعای ندبه).

گمشدگان در وادی خوف، خطر، تاریکی و ضلالت، راه خود را به آنمقصد به اتمام برسانند.

آری، غدیر روز میثاق و روز بیعت مجدد با مولای انسانیت و با یگانه امام دادگستر و مظلوم جهان بشریت است.

عجز از وصف غدیر

چه بگوییم درباره غدیر که هرچه بگوییم و هزاران کتاب در وصف آن نوشته شود، هنوز هم چیزی گفته نشده و عقول و افکار انسان ها عاجز و ناتوان از آن می باشند، ولی خودمان را دلخوش می کنیم که با برگزاری جشن ها، همایش ها و سرودن اشعار در مدح آن امام همام مقداری ولو اندک از این دین بزرگ را ادا کنیم که امام رضا(علیه السلام) فرمودند:

«غدیر روز شادی و روز لبخند زدن بر شیعیان و روز نشاط و سرور است».^(۱)

مسئلت توفیق برای خادمان غدیر

خدای بزرگ را به صاحب غدیر می خوانیم که همیشه در این خدمت بزرگ موفق باشید و چراغ جشن های پرشکوه دهه مبارکه غدیر را همیشه روشن نگه دارید و تا روز قیامت به نسل های آینده

ص: ۱۲۳

۱- . اشاره به روایت: «هُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ...». ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۱.

برسانید و قلب مقدّس قطب عالم امکان حضرت صاحب العصر والزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء را خشنود نمایید و مشمول دعای آن حضرت باشید.

در خاتمه از اهالی مؤمن و غدیری شهرستان ساری که همه ساله این افتخار بزرگ را داشته اند و دهه مبارکه غدیر را با شکوه بسیار زیاد جشن می گیرند بالخصوص تقدیر و تشکر نموده و مزید توفیقات همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

و السلام علیکم ورحمه الله

ص: ۱۲۴

۱۱. زیباترین حماسه (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادِهِ الْأَتْمَةِ الْمُعْصُومِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، ثُمَّ السَّلَامُ عَلَى
شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْفَائِزِينَ الْمُخْلِصِينَ وَحِزْبِ اللَّهِ الْمُفْلِحِينَ. (۲)

ص: ۱۲۵

۱- این پیام در ماه ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری جهت کنگره ملی غدیر، محور وحدت مسلمین (مشهد مقدس) صادر شده است.

۲- «سپاس خدای متعال را است که پروردگار عالمیان است و درود و سلام بر اشرف پیامبران و فرستادگان حضرت محمد و خاندان پاکیزه او و لعنت بر همه دشمنان آنها باد. و سپاس خدایی را است که ما را از پیروان ولایت امیر مؤمنان و امامان معصوم به ویژه بقیه الله در روی زمین قرار داد. و سلام بر شیعیان امیر مؤمنان که نایل به خیر و مخلصانند و درود بر حزب و گروه خدا که رستگارند».

ارزش تجلیل از غدیر

عید سعید غدیر که بزرگ ترین عید اسلام و ادیان الهی است را به آستان مقدس ولی الله الاعظم حضرت صاحب العصر و الزمان مولانا المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و به شما شیعیان بااخلاص و غدیریان بزرگوار تبریک و تهنیت عرض می کنم و اجتماع پرشکوه و باعظمت اساتید محترم، دانشجویان و دانشمندان را در جوار مضجع نورانی و مقدس هشتمین پیشوای معصوم گرامی می دارم.

این اجلاس نورانی نه تنها همایش زمینی ها و انسان ها می باشد بلکه درحقیقت اجتماع ملائکه و فرشتگان الهی و کزویان است که همه در خدمت به غدیریان افتخار می کنند.

اگر پر و بال معطر ملائک را در این جمع روحانی و معنوی می بینید تعجب نکنید، زیرا آنها به تشرّف به این مجالس بر خود می بالند و به آن متنعم می شوند.

چیستی غدیر

سخن از غدیر، یعنی سخن از سرّ خدا و ناموس خلقت، سخن از حقیقت هستی، سخن از روح واقعی ادیان الهی و در یک کلمه، سخن از ولایت امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین.

آیا می توان غدیر را آن چنان که هست به مردم نشان داد؟ آیا می توان حادثه بزرگ تاریخ بشریت را به نمایش درآورد؟

غدیر روز سرنوشت برای انسانیت و زیباترین حماسه تاریخ ادیاناست، روزی که خداوند می خواهد محبوب ترین آفریده خود را بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به دنیا معرفی کند. روزی که خداوند می خواهد دلبری خود را به محبوب خود نشان دهد و به دنیا اعلام کند که من علی (علیه السلام) را برگزیدم و او را بر جهانیان امیر قرار دادم. روزی که صراط مستقیم و حبل الله المتین را به مردم نشان داد.

آری! روزی که به فرموده امام صادق (علیه السلام):

«هُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَتَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَعَرَفَ حُرْمَتَهُ، وَأَسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ»؛^(۱)

روزی که هشتمین پیشوای شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می فرماید:

«إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ»؛^(۲)

ص: ۱۲۷

۱- . طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۸۲؛ مجلسی، روضه المتقین، ج ۳، ص ۲۵۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۹، ص ۱۴۰۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۹، ب ۳، حدیث ۱۰۱۵۴. «غدیر عید بزرگ خدا است خدا پیامبری را نفرستاده است جز اینکه این روز بزرگ را عید گرفته و احترام این روز را شناخته است، نام غدیر در آسمان ها روز پیمان شناخته شده (عهد و معهود) است».

۲- . طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۳۷؛ همو، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۳؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۹؛ [مجلسی، روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۶۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۴، ص ۱۴۰۸؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۸. «همانا روز غدیر در آسمان ها مشهورتر از آن در روی زمین است».

روزی که خداوند به جبرئیل امین فرمان می دهد تختی را به عنوان تخت کرامت الهی در مقابل بیت المعمور نصب کند و بر آن بالا رود و ملائکه از آسمان ها بر گرد او جمع شوند و مدح و ثنای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را بگویند و بر شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دوستان ایشان طلب آمرزش نمایند؛ و همچنین در جای دیگر امام هشتم (علیه السلام) درباره غدیر چنین می فرماید:

«هُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ»^(۱)

غدیر روز لبخند زدن در چهره مردم باایمان است. غدیر روز جشن واقعی مسلمانان است. غدیر روز شادی و نشاط شیعیان است.

وظیفه مسلمانان نسبت به غدیر

وظیفه همه مسلمانان این است که به هر وسیله ای که می توانند این خاطره مهم را با شکوه تمام زنده نگه دارند و آن را به نسل های بعد از خود انتقال دهند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^(۲)

ص: ۱۲۸

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۱. «روز غدیر روز لبخند زدن به روی مؤمنان است».

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۸؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۶۲؛ [بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۲۳۴ ب ۵۲، ح ۸۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱. «باید حاضران به غایبان و پدران به فرزندان نشان تا روز قیامت برسانند».

باید حاضرین در روز غدیر، پیام غدیر را به غایبان و پدران به فرزندان خود تا روز قیامت برسانند.

آری! این بزرگ‌ترین وظیفه دستداران امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌باشد.

نمی‌شود کسی اظهار دوستی و تشیع کند، اما از غدیر و پیام آن خبر نداشته باشد و در رساندن این پیام احساس مسئولیت نکند.

پیام های غدیر

پیام غدیر پیام رهبری ائمه و وحدت مسلمانان در محور غدیر، پیام هدایت و پیام حیات جامعه در پیروی از امامان معصوم (علیهم السلام) می‌باشد و بالاخره پیام غدیر عمل به وظایف و تکالیف دینی، حفظ مواضع اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از مبانی مکتب است.

غدیر یعنی صاحب آن را در تمام مراحل زندگی الگو قرار دادن و از او پیروی نمودن که: «الشَّيْعَةُ مَنْ شَايَعَ عَلِيًّا» (۱).

اعتراف به عجز از وصف غدیر

در خاتمه با اذعان و اعتراف به اینکه نمی‌توان در اقیانوس بی‌کران غدیر وارد شد و عرض اندام نمود، عرض می‌کنم:

ص: ۱۲۹

۱- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۳؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۵۶. «شیعه کسانی هستند که از علی (علیه السلام) پیروی کنند».

این شرح بی نهایت کز وصف یار گفتند حرفی است از هزاران کاندرا عبارت آید

عرایض خود را با درود و تحیت بر شما عزیزان و مؤمنین باخلاص که در این همایش روحانی شرکت کرده اید و همچنین بر خدمتگزاران مکرم آن به پایان می برم.

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكُمْ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ أَيُّهَا الْفَائِزُونَ الْمُخْلِصُونَ وَالرَّاكِبُونَ فِي سَيْفِيهِ النَّجَاةِ
وَالْمُعْتَصِمُونَ بِحَبْلِ اللَّهِ هَنِيئًا لَكُمْ يَا أَنْصَارَ الْحَقِّ وَيَا حَمَاهَ الدِّينِ وَيَا أَبْنَاءَ الْإِسْلَامِ وَالْقُرْآنِ لَقَدْ فَضَّلَكُمْ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَشَرَّفَكُمْ بِهَذَا
التَّشْرِيفِ وَاخْتَارَكُمْ عَلَى غَيْرِكُمْ مِنَ الْعَالَمِينَ. (۱)

ص: ۱۳۰

۱- . درود و سلام خدا بر شما باد ای پیروان امیرمؤمنان، ای یاران دین خدا، ای پیروزمندان مخلص که سوار کشتی نجات هستید و به ریسمان خدا چنگ زدید، گوارا باد شما را ای یاوران حق و ای حامیان دین و ای فرزندان اسلام و قرآن؛ بی شک خدا شما را با این فضیلت برتری داد و با این شرافت شما را شرافت بخشید و شما را بر دیگر اهل عالم برگزید».

بسم الله الرحمن الرحيم

الْعَدِيدُ، الْعَدِيدُ، وَمَا أَذْرِيكَ مَا الْعَدِيدُ، يَوْمَ اللَّهِ الْمُبَارَكُ، يَوْمَ الْإِسْلَامِ، يَوْمَ الْقُرْآنِ، يَوْمَ التَّارِيخِ، يَوْمَ النَّبِيِّ وَيَوْمَ الْوَصِيِّ،
يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَيَوْمَ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ، يَوْمَ الْإِنْسِيَانِ وَيَوْمَ الْإِكْمَالِ وَالْإِتْمَامِ وَالْإِبْلَاحِ، يَوْمَ تَبِيَهُ سَاعَاتُهُ عَلَى أَيَّامِ الْجِنَانِ، يَوْمَ
الْوَلَايَةِ، يَوْمَ فِي السَّمَاءِ أَشْهَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، يَوْمَ جِبْرَائِيلَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَوْمَ النُّورِ وَالسُّرُورِ وَيَوْمَ رَضِيَ الرَّبُّ بِوَلَايَةِ الْإِمَامِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام). (۲)

ص: ۱۳۱

۱- این پیام در ماه ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۱ هجری قمری خطاب به اجلاس بزرگداشت غدیر در مشهد مقدس صادر شده است.

۲- غدیر، غدیر، چه می دانی که غدیر چیست؟ غدیر روز پر برکت خدا است، غدیر روز اسلام است، روز قرآن است، روز تاریخ است، روز پیامبر و روز وصی پیامبر است، [روز پیمان شناخته شده است، روز شاهد و مشهود است، روز انسان و روز به کمال رساندن دین و تمام کردن نعمت و رساندن کامل دین است، روزی است که ساعت های آن بر روزهای بهشت می نازد و مباحثات می کند، روز ولایت است، روزی است که در آسمان ها مشهورتر است تا زمین، روز جبرئیل و فرشتگان نزدیک خدا است، روز نور و روشنایی و روز سرور و شادمانی است، و روزی است که پروردگار متعال به ولایت و جانشینی امام امیرمؤمنان (عليه السلام) راضی شده است».

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَنَا بِمَعْرِفِهِ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ وَأَكْرَمَنَا بِهِ وَهَدَانَا إِلَى صِرَاطِهِ الْمُسْتَقِيمِ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَإِمَامِهِ أَوْلَادِهِ
الْمَعْصُومِينَ حُجَّجِ اللَّهُ عَلَى الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (۱)

اقیانوس معنا

غدیر، آری غدیر در ظاهر یک کلمه و چهار حرف است، ولی یک دنیا معنی، یک جهان درس و پیام و یک جهان هدایت و ارشاد.

غدیر یعنی مدرسه و دانشگاه بزرگ انسانیت و فراتر از این الفاظ و کلمات، غدیر یعنی عدالت، برادری و برابری، یعنی زهد، پارسایی و

ص: ۱۳۲

۱- «سپاس خدایی را که با شناختن فضیلت این روز ما را شرافت و ارزش بخشید و با آن ما را کرامت و عزت داد و ما را به راه راستش یعنی پیشوای پرهیزکاران و سرپرست دین و به امامت و رهبری فرزندان معصومش آنان که حجت خدا بر اهل عالم هستند که درود خدا بر همه آنها باد، هدایت و راهنمایی کرد».

پرهیزکاری، غدیر یعنی جهاد و ایثار، یعنی مبارزه، مقاومت و استقامت، غدیر یعنی ظلم ستیزی و شرک گریزی، یعنی جهان علم و معرفت و بحر بی ساحل اخلاق و آداب و عنوان صاحب کرامات و معجزات، مظهر العجائب و مظهر الغرائب، غدیر یعنی اعلام:

«لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصَى اللَّهَ فِي نَمَلِهِ أَسْأَلُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ»؛^(۱)

غدیر یعنی روز آن یگانه ای که:

«يَتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ نَوَاحِيهِ»؛^(۲)

آن بزرگ مردی که:

«يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا، وَيَأْنَسُ بِاللَّيْلِ وَظُلْمَتِهِ، كَانَ وَاللَّهِ غَزِيرَ الدَّمْعِ طَوِيلَ الْفِكْرِ»

ص: ۱۳۳

-
- ۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، ص ۳۴۷؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۷. «اگر هفت اقلیم را با هر آنچه در زیر آسمان های آنها است به من بدهند برای اینکه خدا را درباره موجه ای که پوست جوی را از آن بربایم، نافرمانی نمایم، نمی کنم».
 - ۲- کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۵۱؛ مسعودی، مروج المذهب، ج ۲، ص ۴۲۱؛ سید رضی، خصائص الائمة، ص ۷۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، ص ۴۰۱؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۰، ب ۱۰۷، ح ۲۸. «علم و دانش از هر طرف او می جوشید و حکمت از اطراف او گویا بود».

يُقَلِّبُ كَفَّهُ وَيَخَاطِبُ نَفْسَهُ، وَيُنَاجِي رَبَّهُ، يُعْجِبُهُ مِنَ اللَّبَاسِ مَا قَصَرَ، وَمِنَ الطَّعَامِ مَا حَشَبَ»؛ (۱) آن بلندمقامی که:

«كَانَ عَلَيَّ لِيَأْكُلَ أَكَلَهُ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ»؛ (۲)

و «قَدِ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاةٍ بِطَمَرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»؛ (۳)

غدیر یعنی صاحب و فاتح غزوات و بَطَل بی بدیل اسلام، غدیر یعنی

ص: ۱۳۴

-
- ۱- . کراچکی، کنز الفوائد، ص ۲۷۰؛ زرنندی، نظم درر السمطین، ص ۱۳۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۷۵، ب ۲۰، ح ۵۳۸. «از دنیا و زینت آن واهمه داشت؛ و با شب و ترس و وحشت آن انس داشت؛ به خدا سوگند پر اشک بود (و چشم گریان داشت)، زیاد فکر می کرد، دو دستش را روی هم می گرداند و خودش را خطاب می کرد و با پروردگارش راز و نیاز می کرد. از لباس کوتاه خوشش می آمد و غذای خشک (بدون نان و خورش) را دوست داشت».
 - ۲- . طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۰، ب ۳۰، ح ۴۶۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰. «علی (علیه السلام) مانند یک بنده غذا می خورد و مثل یک بنده می نشست».
 - ۳- . نهج البلاغه، نامه ۴۵؛ زمخشری، ربیع الابرار، ج ۳، ص ۲۴۱؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۴؛ حلّی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۵۴؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۴۳۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۵۴. «او از دنیایش به دو لباس مندرس و کهنه و از خوراکش به دو قرص (نان) قناعت کرده بود».

آن عدالت پیشه ای که:

«قُتِلَ فِي مِحْرَابٍ عِبَادَتِهِ لِيُشَدَّهُ عَدْلِهِ»؛^(۱)

غدیر یعنی: «مَنْ خَاطَبَ اللَّهَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ بِلُغَتِهِ»^(۲)؛^(۳)

و ...

آری هرچه از این اوصاف بنویسم تا آن کلمه جامع را نگوئیم که معنایش وجودی بالاتر و برتر از شناخت ما است، غدیر معنی نمی شود. پس باید با زبان بلند و رسا گفت:

غدیر، یعنی علی، یعنی ابوالحسن و ابوالحسین، نفس الرسول و زوج فاطمه البتول و أبوالأئمة صلوات الله عليهم اجمعين.

ص: ۱۳۵

۱- . جرج جرداق مسیحی در کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية». «به جهت شدت دادگری اش در محراب عبادتش کشته شد».

۲- . اشاره به روایت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ وَسُئِلَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ؟ قَالَ: «خَاطَبْتَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ». خوارزمی، المناقب، ص ۷۸؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۱۵۵؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۰۳؛ حلی، المحتضر، ص ۱۷۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۶؛ ج ۳۸، ص ۳۱۲. «شنیدم از رسول خدا | وقتی از آن حضرت پرسیدند پروردگارت شب معراج با چه زبانی شما را خطاب کرد و سخن گفت؟ فرمود: «با زبان علی بن ابی طالب».

۳- . «آن کسی که خدای متعال پیامبر | را در شب معراج با لهجه و زبان او خطاب کرد و سخن گفت».

اشاره

یکی از جامع ترین موارد علم و فرهنگ و حیانی، خطبه فصیح و رسای غدیر است.

معجزه رسول الله (صلی الله علیه و آله)

این خطبه از کلمات معجز نظام حضرت ختمی مرتبت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) است که هر اهل ادب، بینش و معرفت از آن بهره مند می شود، اگر چه سال های بسیار در معارف حقیقی درس خوانده باشد و به مراتب بلند رسیده باشد، و می فهمد که جز مثل شخص آن حضرت که خداوند او را به: (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (۱) ستوده است کسی را توانایی چنین منطق، گفتار و بیان حقایق و اسراری نیست.

خود خطبه بر اعتبار و و حیانت آن شهادت می دهد و مکتب عالی اسلام را در رشته های معارف عالی، حقایق سماوی و هدایت های معنویه شرح می دهد.

نقل خطبه توسط بزرگان اهل سنت

علاوه بر علمای شیعه، بعضی از علمای بزرگ عامه، مثل مؤلف

ص: ۱۳۶

۱- . نجم، ۳۴. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

کتاب «النَّشْرُ وَ الطَّيِّ» چنان که سید(قدس سره) در اقبال(۱) نقل کرده، آن را روایت نموده اند.

لزوم مداومت بر مطالعه خطبه غدیر و تأمل در آن

سزاوار است این خطبه را همه با دقت بخوانند و بر تلاوت آن مداومت نمایند، آن را درس بدهند و از آن درس بگیرند و زنگار دل‌ها را با مطالعه و تأمل در آن بزدایند و از عالم ناسوت به جبروت، ملکوت و قرب لاهوت پرواز نمایند، شکر خدا را به نعمت ولایت حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) به جا آورند و آن را از جان عزیزتر و گرامی‌تر بدانند، مانند شیعیان عصر اول که زیر شکنجه‌های زیاد حجاج‌ها جان می‌دادند و استقامت می‌کردند، بر هویت ولایی خود پایدار باشند و خود و فرزندان خود را با تمسک تمام به اهل بیت(علیهم السلام) از خطرات و انحرافات در این عصر غیبت، عصر تخلیص و امتحان، بیمه کنند و به این اشعار مترنم باشند:

من نجف را به جهان نفروشم سر کویش به جنان نفروشم حرمش، روضه رضوان من است دین و دنیای من، ایمان من است

ص: ۱۳۷

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۴۰.

لَا عَذَابَ لِلَّهِ أُمِّي إِنَّهَا شَرِبَتْ حَبَّ الْوَصِيِّ وَغَدَّتْنِيهِ بِاللَّبَنِ

وَكَانَ لِي وَالِدٌ يَهُوِي أَبُو حَسَنٍ فَصِرْتُ مِنْ ذِي وَذَا أَهْوَى أَبُو حَسَنٍ (۱)

اعتراف به عجز در نگارش درباره غدیر

در پایان با اعتراف به کمال قصور خود از نگارش در موضوع عظیم غدیر، به عنوان ران ملخ، این بیان ولایی و ادبی را به مجمع محترم علمی و فرهنگی غدیر هدیه می نمایم و با عرض اعتذار به عزیزان برگزارکننده برنامه اجلاس شریف غدیر از خداوند متعال برای آنان و ولاییان بزرگواری که در این برنامه افتخار حضور دارند، طلب توفیق کرده و این عید سرشار از معنویت های قدسی را تبریک عرض نموده و عنایات خاصه حضرت بقیه الله مولانا المهدی (ارواح العالمین له الفداء) را برای همگان مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: ۱۳۸

۱- «خدا مادر مرا عذاب نکند او محبت و دوستی علی وصی رسول خدا را نوشید و همراه شیر خود محبت آن را به من خوراند و تغذیه کرد. من پدری داشتم که ابوالحسن (امیرمؤمنان) را دوست می داشت و به او عشق می ورزید پس من از این محبت که پدرم داشت و از آن شیر مادر ابوالحسن (علیه السلام) را دوست می دارم».

۱۳. نصوص ولایت (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا سَيِّمًا مَوْلَانَا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ وَرَزَقَنَا الْفَوْزَ بِلِقَائِهِ. (۲)

السلام عليكم ورحمه الله وبركاته

با تبریک عید الله الاکبر، عید مبارک غدیر، عید فرخنده اکمال دین، اتمام نعمت و گزینش اسلام به عنوان دین جهانی و جاودانی، این چند کلمه را به حضور بزرگان و عزیزان حاضر در این جلسه ملکوتی و

ص: ۱۳۹

۱- این پیام به مناسبت چهارمین اجلاس سالانه بزرگداشت غدیر (مشهد مقدس) در ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۲ هجری قمری صادر شده است.

۲- «سپاس خدایی را که ما را از پیروان ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم (علیهم السلام) قرار داد به ویژه مولایمان بقیه الله مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خدا ظهور و فرج آن حضرت را تعجیل بخشد و توفیق نایل شدن به ملاقات ایشان را به ما روزی کند».

ولایی که فرشتگان، شرف حضور در آن را غنیمت و افتخار می دانند تقدیم می دارم:

انواع نصوص بر ولایت

اشاره

نصوص صریحه بر ولایت و خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کتاب و سنت اگرچه بسیار است اما در یک تقسیم بر دو قسم می باشد: نصّ جلی و نصّ خفی.

نصوص جلیّه

نصوص جلیّه قرآنی، مثل آیه کریمه مباحله^(۱)، و آیه شریفه: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ)...^(۲)

و سایر آیات است که شماری از آنها را در کتاب شریف خصائص

الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين (عليه السلام) ابن بطريق با سندهای معتبر از محدّثین و ارباب جوامع، صحاح و مسانید عامّه روایت نموده است.^(۳)

نصوص جلیّه متواتره نبویه هم، مانند حدیث مشهور منزلت^(۴) و

ص: ۱۴۰

۱- آل عمران، ۶۱.

۲- مائده، ۵۵.

۳- ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۷۱ ۲۴۹.

۴- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۹۴۷؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۷۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۰۸.

احادیث دیگر است که اعظم، اشهر و اتم آنها، حدیث شریف غدیر، آن ابلاغ و اعلام عام است که در تاریخ حیات رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مانند آن همایش بزرگ، روزی عظیم تر و رسمی تر نیست، همایشی که همه سران اصحاب و خیل انبوه حاج که تا آن روز مثل آن سابقه نداشت در آن حضور داشتند.

روزی که در تعالی و عظمت، با روز بعثت حضرت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) هم طراز است.

هر دو آغاز است و هر دو یوم الله الاکبر است. برای این دو روز، روز سوم، روز ظهور مصلح یگانه آخرالزمان، منجی عالم بشریت، عدل کل و موعود رسل، حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم أجمعین است، شخصیت بلند پایه ای که انبیا و صحف آسمانی به ظهور او بشارت داده اند و «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» (۱) از اوصاف مختصه او است و «هُوَ الَّذِي يَفْتِخُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا» (۲).

برنامه قیام و اقدام او است.

ص: ۱۴۱

-
- ۱- . صدوق، الامالی، ص ۷۸؛ همو، الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۹۵؛ همو، کمال الدین، ص ۲۵۷؛ خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۹۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۰، ب ۳۱، ح ۱۴۰۹۴؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۷۴، ۱۹۷؛ ج ۲، ص ۱۸۵، ۲۱۲؛ ج ۳، ص ۱۲۳. «روی زمین را با عدل و داد پر می کند».
 - ۲- . صدوق، الامالی، ص ۱۷۳؛ همو، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۶۶، ۶۷؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۳، ب ۵، ح ۴۶؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۲۲، ۲۳۵. «او کسی است که خدا به دست او شرق و غرب زمین را فتح می کند».

حدیث فراتر از تواتر غدیر، از آنصّ نصوص جلیّه است که در جهت کثرت روات از صحابه، تابعین و تابعین تابعین و همه جهات اعتبار، حدیثی برتر از آن وجود ندارد از کتاب های مربوط به این حدیث و اسناد و الفاظ آن به تنهایی کتابخانه ای بزرگ تشکیل می شود.

نصوص خفیّه

نصوص خفیّه نیز در کنار نصوص جلیّه، موقعیتی بسیار ارزشمند و محکم دارند و ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر ائمه طاهرین (علیهم السلام) را اثبات می نمایند.

بخش نصوص خفیّه، بخشی وسیع و جامع است. کتاب ألفین علامه حلّی رضوان الله تعالی علیه را می توان دو هزار دلیل از این ادله خفیّه شمرد.

در عین حالی که این نصوص را خفیّه عنوان می نمایند، هیچ خفایی در دلالت آنها بر ولایت ائمه طاهرین (علیهم السلام) مخصوصاً امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیست. از این نصوص خفیّه، آیات قرآنیّه ای است که به طور استفهام همه را مخاطب قرار داده است، مثل:

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟) (۱)

ص: ۱۴۲

۱- . یونس، ۳۵. «آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کسی که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟».

(مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ)؛ (۱)

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)؛ (۲)

از این آیات به وضوح، از نظر اظهر مصادیق، احقّ بودن امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امر خلافت، امامت و هدایت استفاده می شود. پیام همه این است، بینا نه کور، عالم نه جاهل، فاضل نه مفضول، علی (علیه السلام) نه دیگران.

اصل عقلایی تفضیل فاضل بر مفضول

موضوع تفضیل فاضل بر مفضول و افضل بر فاضل و تقییح تفضیل فاضل بر افضل و مفضول بر فاضل، موضوع آیات متعدد قرآن کریم و روایات بسیار اهل بیت (علیهم السلام) و مواردی از احکام واجب و مستحب است و از هدایت های مهم قرآنی و روایی است، و در همه امور مخصوصاً در ولایت ها و اختیارات یک اصل است که هر مسلمان و هر شخص خردمندی، باید آن را برنامه قرار دهد و در انتخاب، اصلح را بر صالح و الیق را بر لایق برگزیند و اجمالاً بر حسب فطرت هم، بشر اگر غرض های دیگری در بین نباشد به آن عملی نماید، رعایت این

ص: ۱۴۳

۱- . فاطر، ۱۹. «و ناینا و بینا یکسان نیستند».

۲- . زمر، ۹. «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟».

تعلیمات و ارشادات در اصل نظام دینی و ولایی و خلافت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از اهم مطالب و واجبات است.

به همین اصل، شخص امام (علیه السلام) اشاره فرموده و همه را مخاطب قرار داده است:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»؛^(۱)

و فرموده است:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ».^(۲)

بر این اساس و بر حسب این آیات و روایات، یگانه شخصیتی که پس از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)؛ چه در حیات آن حضرت و چه بعد از آن، واجب اطاعه و صاحب ولایت امر و منصوص من الله می باشد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، به قول جاحظ که در یکی از رساله ها به این مضمون می گوید که آنچه در اسلام، رأس فضایل، مکارم و مقامات است، چهار چیز می باشد: ایمان به خدا، علم و دانایی، زهد و پرهیزکاری، و جهاد در راه دین و فی سبیل الله. سپس می گوید: از تمام علمای اسلام، اگر از کسی بپرسیم که اسبق و

ص: ۱۴۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۲۴۷. «مردم! سزاوارترین خلق برای امر امامت و ولایت امت نیرومندترینشان بر آن و داناترینشان به دستور خدا در آن است».

۲- نهج البلاغه، حکمت ۹۶، ص ۴۸۴؛ «سزاوارترین و نزدیکترین مردم به پیامبران داناترین آنها است به آنچه که آنان از طرف خدا آورده اند».

اکمل در ایمان کیست؟ اولین کسی را که بر می شمارند علی (علیه السلام) است و اگر درباره اعلم از همه اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سؤال کنیم، اول شخصی را که معرفی می کنند علی (علیه السلام) است و اگر از آنها که در راه دین جهاد کردند و اسلام از برکت جهاد آنها برپا شد سؤال کنیم، باز هم، همه، اول علی (علیه السلام) را نام می برند که تنها ثواب یک جهاد او از عبادت امت تا روز قیامت بیشتر است و اگر از زهاد صحابه و کسانی که دنیا را ترک کرده و فریفته دنیا نشده باشند سؤال کنیم، همه، اسم علی (علیه السلام) را می برند که یک لحظه به دنیا نظر نفرمود. (۱)

غرض اینکه، دعوت اسلام، دعوت قرآن و دعوت تمام انبیا، دعوت به افضل و تقبیح تفضیل مفضول بر فاضل است که اصل و پایه محکم اعتقاد شیعه، مصداق تفضیل افضل بر فاضل است و مصداق دوم، عقیده دیگران است، که نصوص به اصطلاح خفیه بر بطلان آن دلالت دارد و شناخت مصداق و مصادیق آن را به خود عرف واگذار کرده است؛ سنائی می گوید:

احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد جان اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن و «يَقُولُونَ لِي فَضَّلْ عَلَيْنَا عَلَيْهِمْ فَلَسْتُ أَقُولُ التَّيْبَرُ أَعْلَى مِنْ الْحَصَا

ص: ۱۴۵

أَلَمْ تَرَ أَنَّ السَّيْفَ يَزْرِي بِحَدِّهِ مَقَالِكَ هَذَا السَّيْفُ أَحَدَى مِنَ الْعَصَا

إِذَا أَنَا فَضَّلْتُ عَلَيَّا عَلَيْهِمْ أَكُنْ لِلَّذِي فَضَّلْتَهُ مُتَنَقِّصًا» (۱)

اظهار عجز از وصف غدیر

در پایان با عرض خاکساری و عجز و ناتوانی از اظهار وجود و در عرصه ای که عرض وجود در آن شأن انبیا، اولیا، بزرگان و اعظم اصحاب است پوزش می طلبم.

امید است این هدیه کمتر از ران ملخ در بارگاه ملکوتی عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) حضرت ثامن الائمه (علیه السلام) به شرف قبول متشرّفین به تقبیل عتبه مقدسه آن روضه شریفه و شرکت کنندگان در این همایش مقدس نایل شود.

إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارِ مُهْدِيهَا

ص: ۱۴۶

۱- . افندی اصفهانی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۴. «به من می گویند علی (علیه السلام) را بر آنان برتری ده، پس نمی گویم طلا از سنگریزه بالاتر است؛ آیا نمی بینی شمشیر با دم خود می بُرد؟ تو می گویی این شمشیر بُرنده تر از عصا است؛ وقتی من علی (علیه السلام) را بر آنها برتری دهم درباره آنکه او را برتری داده ام فروگذاری و تنقیص کرده ام».

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

«ذِكْرُ اللَّهِ عِبَادَةً، وَذِكْرِي وَذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ». (۲)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَوْلَانَا وَصَاحِبِ أَمْرِنَا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ. (۳)

ص: ۱۴۷

- ۱- این پیام به همایش نکوداشت علامه امینی صاحب الغدير در ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۲ هجری قمری صادر شده است.
- ۲- مفید، الاختصاص، ص ۲۲۴؛ بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۶۲۲؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۸۳، ابواب ذکر، ب ۱، ح ۵۸۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰، ب ۴۱، ح ۲۳۴؛ ج ۹۱، ص ۹۶، ب ۲۹، ح ۵۸. «پیامبر خدا | فرمود: یاد خدا عبادت است و یاد من و یاد علی (علیه السلام) عبادت است».
- ۳- «سپاس خدایی را که ما را از پیروان ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم (علیهم السلام) قرار داد به ویژه مولایمان و صاحب امرمان بقیه الله در روی زمین که جان همه عالمیان فدای او باد».

با عرض ادب و احترام به عزیزان و نخبگانی که در این همایش ولایی و جلسه نورانی با حضور خود نکوداشت یکی از شخصیت های علم و فضیلت و خادمان مخلص مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و احیاگر اسناد محکم و متواتر ولایت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را گرامی داشته اند، چند کلمه ای پیرامون غدیر و کتاب هایی که در ارتباط با این حدیث متواتر و مسلم بین الفریقین نگاشته شده و بسط و گسترش آن، که در مصادر مختلف و علوم اسلامی وارد شده است تقدیم می دارم.

جایگاه والای حدیث غدیر

حدیث غدیر از حیث سند و کثرت راوی از صحابه، تابعین و تابعین تابعین و از جهت روایت در کتب صحاح، جوامع و مسانید معتبر دارای جایگاهی است که یا نظیر آن یافت نمی شود یا اگر یافت شود، قلیل النظیر است.

کتاب هایی که مختص به آن نوشته شده به عنوان کتاب «الولایه» که مؤلفان آن از نامدارترین علمای اسلام و حفاظ حدیث بوده و علاوه بر علم حدیث و تاریخ که به تفصیل، واقعه غدیر در آن ذکر شده است در سایر علوم، مثل علم تفسیر، علم لغت، علم رجال، علم کلام و علوم مناسب دیگر، این واقعه بزرگ منعکس است؛ در ادبیات، در شعر و تاریخ شعرا از عصر رسالت، اشعار مربوط به غدیر جلوه ای خاص

دارد. غدیر، فرهنگ نورانی شیعه و عالم اسلام را جلوه و زیبایی بیشتر بخشید.

علامه امینی، شیفته آستان علوی

یکی از رجال و قهرمانان تألیف و تصنیف پیرامون حدیث و هم قطار بزرگانی، مانند سید مرتضی، سید رضی، علامه حلی، علامه مجلسی و صاحب موسوعه بزرگ عبا، علامه امینی است.

علامه امینی، دلباخته و شیفته آستان قدس علوی، مرد ولایت، پهلوان حمایت از حق، مجاهد فی سبیل الله و در یک کلام و یک معرفی جامع و تمام (مؤلف موسوعه الغدیر)؛ کتاب عصر ما و سند فخر دوره و زمان ما.

دائرة المعارف الغدیر، کتاب جاوید و ماندگاری است که برای هر کسی که اهل انصاف باشد، حجت کامله بالغه بر خلافت بلافصل امیر المؤمنین (علیه السلام) است. الغدیر، دانشنامه و مجموعه فضایل علی (علیه السلام) است.

درود و رحمت خدا بر علامه امینی که این فخر بزرگ از آن او است که نام او و الغدیر یادآور نام مبارک حضرت علی (علیه السلام) است.

وظیفه شیعیان در عصر حاضر

اینجانب این توفیقی را که نصیب ایشان شده، توفیق الهی و عنایت ربّانی می دانم و اما در عصر حاضر، وظیفه و واجب بزرگ شیعه، علما

ص: ۱۴۹

و نویسندگان همه، شناساندن مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و معارف و علوم آل محمد (صلی الله علیه و آله) است. دعوت به این مکتب، دعوت به اسلام ناب، دعوت به انسانیت و دعوت به مکارم اخلاق است.

در پایان، اینجانب از همه کسانی که این افتخار نصیب آنها شده و این همایش باشکوه را برپا داشته اند، تقدیر و تشکر می کنم و مزید توفیقات همگان را در اطاعت از دستورات شرع مقدس اسلام و پیروی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از خداوند متعال مسئلت دارم.

وَالسَّلَامُ عَلٰی جَمِیْعِ اِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ

ص: ۱۵۰

۱۵. پیروزی نهایی غدیر (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ). (۲)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادِهِ الْأَتَمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيِّينَ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ سَيِّدِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

ص: ۱۵۱

-
- ۱- این پیام خطاب به همایش غدیر مشهد مقدس در تاریخ ۷ ذی الحجه الحرام سال ۱۴۳۳ هجری قمری صادر شده است.
 - ۲- . مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از «گزند» مردم نگاه می دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».

وَلَا سِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِيْنَ مَوْلَانَا الْمُتَنْظِرَ الْمَهْدِيَّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ وَاللَّعْنُ عَلَيَّ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. (۱)

السلام عليكم ورحمه الله وبركاته

غدیر در ملکوت اعلا

سلام بر عید غدیر، عید الله اکبر، سلام بر فرشتگان خدا که در ملکوت اعلا از این عید تجلیل می نمایند و در پیشگاه الوهیت و ربوبیت به ولایت علی (علیه السلام) تقرّب می جویند.

سلام بر انبیا و پیغمبران، بر آدم صفی الله، نوح نجی الله، ابراهیم خلیل الله، موسی کلیم الله، عیسی روح الله و سلام ویژه و بالاتر و برتر از هر سلام بر حضرت محمد مصطفی خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) که در محافل ملکوتی قرب الهی، عید سعید غدیر را گرامی می دارند و به شیعیان متعهد و مخلص امیرالمؤمنین (علیه السلام) دعا می کنند و شور و نشاط و وجد و انبساط آنها را در این عید می ستایند.

ص: ۱۵۲

۱- «سپاس خدایی را که ما را از پیروان ولایت امیرمؤمنان و فرزندان او امامان معصوم هدایت گر و هدایت یافته قرار داد و درود و سلام بر آقای پیشینیان و پسینیان حضرت محمد | و بر فرزندان پاک او به ویژه بقیه الله در روی زمین مولایمان امام منتظر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خدا فرج آن حضرت را نزدیک کند و نفرین و لعنت بر همه دشمنانشان تا روز قیامت باد».

عزیزان و بزرگان فرهیخته، عید سعید غدیر فرصتی بسیار عزیز برای تجدید میثاق با ولایت و بررسی سخنانی است که رسانه ها، پیرامون این حادثه بزرگ تاریخی به صورت نفی و اثبات پخش می نمایند و بی وقفه، شب و روز ادامه دارد.

هرچند در این رودررویی و طرح نظرات، پایه های محکم مذهب و حقایق مبانی اسلام و تشیع، استوارتر گشته و حق ظاهرتر می شود ولی باید در این ایستگاه و جایگاه، مردان محقق و باسابقه، میدان داری نمایند و با حفظ وقار لازم در مباحث، کمال حق پژوهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) را نشان دهند.

نصوص ولایت

سپاس خدا را که ما در همه میدان ها پیروزیم. منطق قرآن و عترت، منطق وحیانی و ایمانی است. آنان که اهل انصاف اند از رویداد بزرگ و تاریخی غدیر خم همه مطالب را می فهمند. از مثل یوم الدار و مصیبت بزرگ منع پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از کتابت وصیت، حق را می شناسند.

حدیث طبر (۱)، حدیث: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (۲)، حدیث

ص: ۱۵۳

-
- ۱- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۱۴ ۱۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۵۱ ۳۵۳، ب ۶۹، ح ۴.
 - ۲- کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۵۵۸؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، [ص ۵۵؛ صدوق، الامالی، ص ۴۲۵، ۶۵۵؛ همو، التوحید، ص ۳۰۷؛ مغربی، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۸۹؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۶ ۱۲۷؛ مفید، الاشاد، ج ۱، ص ۳۳؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴. «من شهر علم و علی در آن است».

منزلت (۱)، آیه: (إِنَّمَا وَجَّهْتُ لَكُمْ اللَّهَ) (۲)، آیه: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) (۳)، آیه: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (۴)، آیه کریمه: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (۵)، آیه: (هَذَا نِ حَصِيْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) (۶)، آیه: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) (۷)، سوره «هیل آتی» و حدیث غدیر خم و نصوص بسیار دیگر، همه و هر یک ابلاغ و بیان ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است.

پیام این همه نصوص قرآنی و روایی و وحیانی این است که تبلیغ

ص: ۱۵۴

۱- . برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۹؛ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۷؛ صدوق، الامالی، ص ۴۰۲.

۲- . مائده، ۵۵.

۳- . مریم، ۹۶. «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی (خداوند) رحمان محبتی برای آنان (در دل ها) قرار می دهد».

۴- . رعد، ۷. «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده ای است».

۵- . بینه، ۷. «کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند بهترین مخلوقات خداوند».

۶- . حج، ۱۹. «این دو (گروه) دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان باهم ستیزه می کنند».

۷- . بقره، ۲۷۴. «کسانی که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند».

رسالت اسلام به ولایت حضرت علی (علیه السلام) کامل گردید و همه، اعلام این است که دین، ابتر نماند و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اُمت بزرگ خود را مهمل و سرگردان نگذاشت.

این نصوص، همه ابلاغ دین و اتمام حجت بر جهانیان تا روز قیامت است و همه، بشارت و مژده نجات و دعوت به خیر، صلاح، رستگاری و عدالت است. پس حجت بر همه تمام است و راهی برای شانه خالی کردن از این وظیفه بزرگ باقی نمی ماند.

ابلاغ غدیر، قدردانی از نعمت ولایت

مجمع علمی فرهنگی غدیر و شرکت کنندگان در این اجلاس و جشن هایی که در اطراف جهان برپا می شود همه باید بر خود ببالند و قدر نعمت ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بشناسند. این مجالس که به نام مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگزار می شود ان شاء الله تعالی محلّ نزول فرشتگان آسمانی و منظور نظر مبارک نبی اکرم و ائمه معصومین (علیهم السلام) است.

در پایان از حضرات آقایان اساتید و شرکت کنندگان محترم و نیز از برگزارکنندگان ارجمند این جلسه نورانی کمال تشکر و تقدیر دارم و از خداوند متعال مسئلت می کنم که زحمات و خدمات همه عزیزان، مورد نظر کیمیا اثر حضرت بقیه الله الاعظم ارواح

العالمین له الفداء قرار گرفته و مشمول دعای خاص آن حضرت باشند و در جوار مضجع شریف و

مقدّس حضرت ثامن الائمه (عليهم السلام) بيش از پيش به ابلاغ رسالتغدير كه وظيفه شيعيان مخلص در اين زمان مى باشد موفق و مؤيد باشند.

ثبتنا الله وإياكم بولايه أمير المؤمنين والأئمه المعصومين (عليهم السلام)

ص: ۱۵۶

۱. در این بخش گزیده ای از بیانات معظم له در دیدارهای مرتبط با غدیر گردآوری شده است.

ص: ۱۵۷

حفظ و ترویج آثار غدیری (۱)

لزوم آشناسازی مردم با فضایل اهل بیت (علیهم السلام)

باید مردم را با فضایل اهل بیت (علیهم السلام) آشنا کنیم چرا که هر کمبود و نقصی که در جامعه مشاهده می شود، ناشی از عدم آشنایی مردم با معارف و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) است.

ثواب ذکر فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در روایات است که: «هرکسی فضیلتی از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را کتابت کند، مادامی که اسمی و اثری از آن نوشته باقی باشد ملائکه برای او استغفار می کنند» (۲)؛

و این اهمّیت ذکر فضایل و احیای امر

ص: ۱۵۹

۱- دیدار مدیر و اعضای مؤسسه میراث نبوت، تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ هجری شمسی به مناسبت اجرای مسابقات سراسری غدیر از کتاب الغدیر علامه امینی (قدس سره).

۲- اشاره به روایت: «مَنْ كَتَبَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِكَتَابِهِ رَسْمًا». صدوق، الامالی، ص ۲۰۱، مجلس ۲۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۴؛ بحرانی، حلیه الابرار، ج ۲، ص ۱۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶، ب ۶۴، ح ۴.

اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه را یادآوری می نماید.

لزوم بهره گیری از علوم اهل بیت (علیهم السلام)

باید هرچه بیشتر با فضایل و علوم اهل بیت (علیهم السلام) آشنا شویم و بدانیم که در الهیات، خداشناسی و سایر حوزه ها از قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) الهام بگیریم که حیات دینی و اجتماعی ما در گرو آشنایی بیشتر جامعه با اهل بیت و هدایت های اهل بیت (علیهم السلام) است.

اهمیت توجه به آثار علمای سلف درباره حدیث غدیر

حدیث غدیر آن قدر مهم و با عظمت است که پیرامون آن کتاب های زیادی توسط بزرگان نوشته شده است.

اکنون هم باید شیعه و به خصوص حوزه، به کتب و آثار علمای گذشته توجه زیادی داشته باشد و طلاب مطالعات کافی و وافی در این کتب داشته باشند تا بتوانند پاسخ گوی شبهات باشند.

شخصیت الهی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

یکی از مظلومیت های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این است که علیه پدر بزرگوار ایشان حضرت ابوطالب (علیه السلام) که در اساس، بقا و پیشرفت اسلام نقش غیر قابل انکاری داشت، شبهه مطرح می کنند و با این جسارت ها می خواهند شخصیت ممتاز آن بزرگوار را خدشه دار نمایند. باید حوزه پاسخ گوی شبهاتی که در مورد ایشان مطرح می شود باشد و شخصیت الهی و بی نظیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) را به همگان معرفی کند.

۲. وظیفه خادمان غدیر(۱)

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ). (۲)

گرچه در اسلام جشن های کبیر است خوب تر از هرچه جشن عید غدیر است

ز آنکه در این عید دست عهد پیامبر بود به دستی که دست ربّ قدیر است

آشناسازی مردم با معارف ولایی، هدف احیای غدیر

بنده از همه عزیزانی که در این برنامه بسیار مقدّس تعظیم امر ولایت

ص: ۱۶۱

۱- دیدار اعضای ستاد بزرگداشت غدیر استان قم، تاریخ ۳ آذر ۱۳۸۷ هجری شمسی.

۲- مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و احیای روز بزرگ غدیر شرکت و اهتمام دارند و هدفشان این است که مردم بهتر و باشکوه تر بتوانند این جشن بزرگ را برگزار کنند و به معانی، اهداف و پیام هایی که این جشن و عید دارد بیشتر آشنا شوند تشکر می کنم.

تبلیغ ولایت علی (علیه السلام)، تبلیغ تمام رسالت انبیا

هیچ آیه ای از قرآن مجید در معنا و ابلاغ مانند آیه تبلیغ نیست که می فرماید:

(بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)؛ (۱)

یعنی اگر ما بتوانیم ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به دنیا برسانیم و ابلاغ کنیم، تمام رسالت و پیام های حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و بعد تمام رسالت انبیای الهی ابلاغ شده است:

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست

تأکیدی که خداوند متعال در این آیه شریفه نسبت به امر ولایت دارد، مسئله ای است که خود لحن آیه بر آن دلالت می کند و چنین آیه ای جز در امری به اهمّیت امر ولایت نازل نمی شود. آیا بعد از

ص: ۱۶۲

۱- . مائده، ۶۷. «آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای».

آن همه مطالب و ابلاغاتی که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمودند و همه احکام را بیان کردند، مطلب مهم دیگری غیر از مسئله مبنایی ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باقی مانده بود؟

ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله)

مسئله ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از زمان شخص مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم مطرح بود. اینکه ایشان فرموده اند:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»؛^(۱)

اگرچه برخی برداشت می کنند که معنایش اعلام خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی این طور نیست، بلکه همان طوری که هارون در حیات حضرت موسی با او بود و مقام پیامبری هم داشت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) ولایت داشت و تنها فرق این بود که «أَنْتَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» نبوت به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ختم شد.

آیه شریفه: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

ص: ۱۶۳

۱- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۹۴۷؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۷۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۰۸. «تو ای علی جایگاهت نسبت به من جایگاه هارون نسبت به موسی است جز اینکه پس از من پیامبری نیست».

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۱) هم بر همین مطلب دلالت دارد، یعنی می فرماید در همان زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام) ولی و امام بوده است و این ولایت منحصر به جانشینی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نمی شود.

احترام خاص امیرالمؤمنین (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

البته احترامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) داشتند احدی از مخلوقات نداشت، یعنی آن عظمتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از آن حضرت درک می کردند کسی نمی توانست آن را درک کند.

به همین خاطر است که بسیاری از علوم صادره از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بوده است، به این معنا که در حیات پیامبر اکرم (علیه السلام)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) خودش را فانی در وجود ایشان می دانسته است و در مقابل، کسانی هم بودند که گاهی اوقات با نادانی و جهالت در مقابل وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عرض وجود می کردند.

شما این خطبه های بسیار برجسته ای که از حضرت علی (علیه السلام) در مورد الهیات و معارف است ببینید. آنها را بعد از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ایراد فرموده اند که دلالت بر این دارد که ایشان در مقابل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نمی خواستند ذره ای عرض وجود کنند.

ص: ۱۶۴

۱- . مائده، ۵۵. «ولی شما تنها خدا و پیامبر او است و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز برپا دارند و در حال رکوع زکات می دهند».

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اولین بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقتی آیه: (وَ أُنذِرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱) در سال سوم هجرت نازل شد و پیغمبر مأمور به انداز قوم و قبیله اش با آن کیفیت گردید که مثل توماس کارلایل (۲).

هم در کتاب «الأبطال» این قضیه را مفصل نقل کرده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آن مجلس خطاب به جمعیت سه مرتبه فرمودند که: «کدام یک از شما اول با من بیعت می کنید که هر کسی ابتدا بیعت کند خلیفه من می باشد»، هیچ کسی غیر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) جواب نداد چرا که بیچاره ها نمی توانستند بفهمند که این دعوت و دین چطور جلو می رود و دنیا را فتح می کند.

اینها نکات مهمی از زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که باید بررسی شود و در مورد آن کتاب ها نوشته شود تا مردم با این مطالب آشنا شوند.

فضایل علی (علیه السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْغِيَاضُ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسُ كُتَّابٌ وَالْجَنُّ حُسَابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ» (۳).

ص: ۱۶۵

۱- . شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن».

۲- . مورخ، فیلسوف و مستشرق انگلیسی.

۳- . خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۵، ب ۹۱، ح ۱۱۴. [«اگر دریاها مرکب و جنگل ها قلم و انسان ها نویسنده و جیان حسابگر باشند نمی توانند فضایل تو را بشمارند ای ابالحسن»].

این کلام پیامبری است که (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ). (۱)

کلام، کلام یک فرد عادی نیست که بگوییم حساب نشده به زبان جاری شده است و مثل تعریف‌ها و مدح‌هایی که ما از هم می‌کنیم نیست.

حال امثال بنده اصلاً قادر نیستیم در فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) سخن بگوییم.

کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة»

کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» (۲)

اعتراف به فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تنها مخصوص مسلمانان نیست. یکی از دانشمندان اسلام شناس به نام جرج جرداق مسیحی کتابی نوشته است به نام «الامام

علی صوت العدالة الانسانیة» که قبل از آنکه آن را به کسی اهدا کند، نسخه‌ای از آن را به همراه نامه‌ای به حضرت آیت الله العظمی بروجردی اهدا نموده بود.

در یکی از روزها که حقیر خدمت ایشان بودم این نامه را به من دادند تا مطالعه کنم.

ص: ۱۶۶

۱- . نجم، ۴۳. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید جز وحی که بر او نازل شده نیست».

۲- . تفصیل این قضیه را می‌توانید در کتاب «فخر دوران» تألیف معظّم له ببینید.

این دانشمند مسیحی نوشته بود که من در حالات، سیره و تاریخ زندگی امام علی (علیه السلام) مطالعه کرده ام و در آن، به اصول، مبانی و معانی بزرگی که تازه بشریت امروز و مخصوصاً دنیای غرب ادعای رسیدن به آن معانی و پیشنهاد آن مبانی را دارد رسیده ام و اسلام شناسان و خاورشناسان غربی اگر چه کم و بیش این معانی را در زندگی آن امام عظیم درک کرده اند اما نخواستند قبول کنند که این افتخار برای شرق است و من دریغ دانستم که چنین شخصیت بزرگی در شرق باشد و قدرش مخفی بماند، لذا این کتاب را نوشتم و چون مسیحی هستم کسی نمی تواند مرا نسبت به بیان مراتب بلند امام به تعصب نسبت دهد.

ایشان در ادامه نوشته بود که شما (حضرت آیت الله العظمی بروجردی) بعد از مطالعه، تصدیق می نمایید که «إِنِّي أَنْصِرُكُمْ
الإِمَامَ بَعْضَ الإِنصَافِ».

مظلومیت علی (علیه السلام) در جامعه اسلامی

مقصود اینکه در جامعه اسلامی هیچ کسی به قدر امیرالمؤمنین (علیه السلام) مظلوم نیست، شخصیتی که حتی مسیحیان این گونه در فضلش می نویسند در بین ما این قدر ناشناخته است. باید ذکر و نام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فضایل آن حضرت را در جامعه ترویج و تبلیغ کنیم تا بتوانیم قطره ای از فضایل آن حضرت را بیان کنیم.

لزوم رعایت ظواهر شرعی در جشن غدیر

شما باید خدمت به مکتب ولایت را گرامی بدارید و به آن افتخار نمایید. البته در عین حال که جشن ها و مراسم سرور در روز غدیر برگزار می شود باید مراقب ظواهر شرعی بود که خدای ناکرده به اسم هنر دچار معصیت نشویم و این کار بزرگ و الهی را آلوده نکنیم و همان گونه رفتار نماییم که مناسب شئون ولایی امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد.

ص: ۱۶۸

۳. مدافعان ولایت (۱)

ارتباط آیه تبلیغ و اکمال دین

باید همگان در آیه: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ... (۲)) تدبّر کنند و بیندیشند. تأمل کنند که چه موضوع مهمی غیر از اعلام ولایت می تواند باشد که خداوند امر فرموده با این کیفیت تبلیغ شود.

شما این آیه را کنار آیه اکمال دین:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۳)

بگذارید. آیا غیر از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مطلب دیگری فهمیده می شود؟

ص: ۱۶۹

-
- ۱- دیدار تعدادی از طلاب مدرسه الحجه مشهد، تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۸۷ هجری شمسی.
 - ۲- مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن».
 - ۳- مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

آن قدر غدیر خم اهمیت دارد و روشن است که ابوالمعالی جوینی می گوید: «در بغداد در نزد صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از طرق حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» که جلد بیست و نهم بعد از آن می آید»^(۱).

همه علما هم به مناسبت های مختلف متعرض حدیث غدیر شده اند. عالمی که در علم لغت کتاب نوشته در ارتباط با کلمات «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» سخن رانده است، عالم رجالی، دانشمند علم حدیث، محقق در تاریخ و همه و همه در این باب به سخن پرداخته اند.

افتخار به فرهنگ غدیر

هویت و شخصیت ما عجم با مسئله غدیر است. باید از غدیر تجلیل کنیم و برنامه های آن را باشکوه تر برگزار کنیم.

فرهنگ ما، فرهنگ اسلام و عدالت، ایمان و پرهیزکاری و فرهنگ غدیر است. افتخار هم می کنیم که ملتزم به شخصیتی هستیم که بعد از وجود پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، شخصیت ممتاز جهان اسلام است.

لزوم دفاع از حدود و ثغور ولایت

هر کس باید در هر حدی که می تواند از حدود و ثغور دین و ولایت که مورد نظر حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، دفاع کند و ولایتش

ص: ۱۷۰

۱- قندوزی، منابع المودّه، ج ۱، ص ۱۱۳ ۱۱۴.

را ننگه بدارد و در هجومی که به دین و ولایت می شود، در مقام دفاع و ایستادگی باشد.

ص: ۱۷۱

لزوم تبلیغ همگانی مکتب غدیر

همه شیعیان در هر نقطه از دنیا که باشند باید غدیر را گرامی داشته و تجلیل کنند. البته وجود ستاد و تشکیلاتی در قم برای بزرگداشت ایام دهه غدیر امری لازم بود تا در طول سال روی این مسئله کار کنند که این مراسم با شکوه و عظمت بیشتری برگزار شود.

ولایت، شرط قبولی اعمال

اگر کسی یک دنیا عمر داشته باشد و تمام اعمال صالحه را انجام دهد و به همه پیامبران هم عشق بورزد ولی از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) محروم باشد در روز قیامت از هیچ یک از اعمال بهره ای نمی برد، چرا که شرط قبولی اعمال و عبادات، قبول ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) است و سعادت دنیا و آخرت به واسطه اینها است و اگر جامعه ای بخواهد سعادت مند باشد، راهش تمسک به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

ص: ۱۷۲

علی (علیه السلام) افضل اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ایمان به خدا، جهاد، زهد و علم چهار صفتی هستند که مسلمان ها اعتقاد دارند اگر این صفات در کسی جمع شود، در فضیلتش از همه اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) بالاتر است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) اعلا درجه این صفات را دارا هستند و ما در هیچ یک از صفات، بالاتر از او را سراغ نداریم و حتی غیر مسلمان ها هم به این امر اعتراف دارند.

ص: ۱۷۳

۵. معرفت افزایی نسبت به ولایت (۱)

لزوم افزایش معرفت نسبت به مقامات علی (علیه السلام)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایتی فضایل و مناقب امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) را غیر قابل شمارش دانسته اند:

«لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْعِيَاضُ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسُ كُتَابٌ وَالْجَنُّ حُسَابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ» (۲)

از این رو شناخت و آگاهی ما نسبت به حضرت علی (علیه السلام) هر چه قدر هم باشد، باز هم اندک است و ما باید شناختمان را نسبت به ایشان افزایش دهیم و نسل جوان را با معارف حقّ اهل بیت (علیهم السلام) آشنا سازیم.

ص: ۱۷۴

۱- مراسم رونمایی از دوره ۲۷ جلدی سلسله موضوعات الغدیر اثر مرحوم علامه امینی (قدس سره)، تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ هجری شمسی.

۲- خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۵، ب ۹۱، ح ۱۱۴. «اگر دریاها مرگب و جنگل ها قلم و انسان ها نویسنده و جّیان حسابگر باشند نمی توانند فضایل تو را بشمارند ای ابالحسن».

کتاب ارزشمند الغدیر علامه امینی (قدس سره)، احیاکننده ولایت است و احیای این کتاب و خدمت به ترویج این اثر ارزشمند، توفیق بزرگی است که نصیب شما عزیزان شده است. قدر خود را بدانید و بدانید هر چقدر هم شکر خدا را به جای آورید، باز هم اندک است.

۶. جهانی مشتاق مکتب غدیر (۱)

خدمت به غدیر، عنایت الهی

کسانی که خود را در احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً احیای مکتب غدیر وقف کرده اند باید قدر خویش را بدانند و از این فرصت بهترین بهره ها را بگیرند و بدانند که چنین توفیقی برای هر کسی فراهم نمی شود.

تلاش برای بزرگداشت غدیر و برگزاری جشن های آن، نیاز به ذوق و اشتیاق فراوان دارد که از عهده هر کسی بر نمی آید و تنها کسانی که مشتاق اهل بیت (علیهم السلام) هستند چنین توفیقی را به دست می آورند، زیرا این کار بسیار سنگین است و بدون عشق به اهل بیت (علیهم السلام) محقق نمی شود.

اشتیاق جهان به شناختن مکتب ولایت

امروز حقیقت و نورانیت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار (علیهم السلام) بر کسی

ص: ۱۷۶

۱- دیدار اعضای ستاد برگزاری همایش «غدیرشناسی» مشهد مقدّس، تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۹۰ هجری شمسی.

مخفی نمانده است به گونه ای که شرق و غرب به دنبال آن هستند و می خواهند از این مکتب کسب معرفت کنند.

لزوم گرامیداشت غدیر

همه شیعیان در هر نقطه ای از دنیا که باشند باید غدیر را گرامی داشته و تجلیل کنند، ولی شهر مشهد مقدّس با توجه به سابقه تشیع و ولایت مداری و به مناسبت وجود حرم حضرت رضا(علیه السلام) اختصاصاتی دارد که شایسته است برنامه های بزرگداشت غدیر در مشهد مورد الگو و سرمشق دیگران باشد.

ص: ۱۷۷

۷. ذی الحجّه، ماه ولایت (۱)

ابلاغ ولایت علی (علیه السلام) اساس اسلام

از آیات تبلیغ، (۲)

تطهیر، (۳)

ولایت، (۴)

خاتم بخشی (۵)

و سوره «هَلْ أتی»، استفاده می شود که مسئله ابلاغ و اعلام ولایت مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) اصل دین و اساس اسلام است و وظیفه تبلیغ آن، نه تنها برای شخص حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بود بلکه در تمام اعصار و زمان ها، وظیفه همه مسلمانان و مؤمنین می باشد و بدون آن، ایمان افراد ناقص خواهد ماند.

ص: ۱۷۸

۱- . اجتماع بزرگ مبلغان اعزامی به سراسر کشور به مناسبت دهه مبارک غدیر، تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۹۰ هجری شمسی، مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره).

۲- . مائده، ۶۷.

۳- . احزاب، ۳۳.

۴- . مائده، ۵۵.

۵- . مائده، ۵۵.

واقعه غدیر را شیعه و سنی در کتاب های خود از زمان های گذشته تا به امروز آورده اند و شاید بتوان گفت آن قدر که کتاب درباره غدیر نوشته شده است درباره موضوعات دیگر نوشته نشده است.

موضوع غدیر آن قدر روشن و واضح است که هر کس مختصر انصافی داشته باشد آن را قبول می کند و انکار آن یعنی انکار آفتاب و روشنایی آن.

ذی الحجه الحرام، ماه ولایت و امامت

همه ماه ذی الحجه الحرام، ماه ولایت و امامت است. در روز بیست و چهارم و بیست و پنجم این ماه نیز آیاتی درباره فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) نازل گردیده که شیعیان باید علاوه بر روز غدیر، آن روزها را هم محترم شمرده و به آن افتخار نمایند.

آیه شریفه:

(إِنَّمَا وَثِقُكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛ (۱)

به اتفاق همه علما و مفسرین سنی و شیعه درباره خاتم بخشی حضرت

ص: ۱۷۹

۱- . مائده، ۵۵. «وَلِيَّ شِمَا تَنهَا خُذَا وَ پيامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند».

علی (علیه السلام) بوده است که در روز بیست و چهارم این ماه نازل شده است (۱) و همچنین آیه مبارکه مباحله (۲) در این روز درباره فضیلت امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نازل شده است (۳)

که در این آیه، حضرت علی (علیه السلام) نفس و جان رسول الله (صلی الله علیه و آله) از طرف خداوند معرفی شده است.

همچنین روز نزول آیه شریفه تطهیر، (۴)

روز بیست و چهارم می باشد (۵) و روز بیست و پنجم، آیاتی از سوره شریفه انسان درباره فضایل اهل بیت (علیهم

السلام) نازل گشته است (۶) که لازم است همه شیعیان این روزها را برای یکدیگر یادآوری کرده و آنها را مغتنم شمارند و به دیگران هم ابلاغ نمایند.

لزوم اعزام مبلغان غدیر

اعزام مبلغان دینی به سراسر کشور جهت بزرگداشت عید سعید غدیر،

ص: ۱۸۰

-
- ۱- مفید، مسار الشیعه، ص ۴۱؛ طوسی، مصباح المتهدج، ص ۷۵۸؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۱۹.
 - ۲- آل عمران، ۶۱.
 - ۳- مفید، مسار الشیعه، ص ۴۱؛ طوسی، مصباح المتهدج، ص ۷۵۹؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۱۷، ۲۲۴.
 - ۴- احزاب، ۳۳.
 - ۵- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۴۸؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۱۵؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۱۷، ۲۱۸.
 - ۶- مفید، مسار الشیعه، ص ۴۱۴۲؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۱۵؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۲۷.

کار بسیار ارزشمند و بزرگی است و بزرگواری که این امر مهم را بر عهده گرفته اند و این روز الهی را با شکوه و عظمت در سراسر کشور برگزار می کنند، افتخار بزرگی نصیب آنها شده است و اجر و ثواب فراوانی در پیشگاه خداوند متعال دارند و باید این مسیر را ادامه دهند.

ص: ۱۸۱

۸. غدیر و اهمیت مدیریت در اسلام (۱)

نصوص قرآنی بر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

هرکسی در دو آیه:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)؛ (۲)

و(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۳)

ص: ۱۸۲

-
- ۱- مراسم عمامه گذاری شماری از طلاب غیر ایرانی جامعه المصطفی العالمیه، عید غدیر سال ۱۳۹۰ هجری شمسی.
 - ۲- . مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای، و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».
 - ۳- . مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

دقت کند و اهل انصاف باشد به یقین، پیام غدیر را دریافت می کند چرا که مضامین این دو آیه، خود گویا و آشکار است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) با وجود اینکه تمامی مسائل خدانشناسی، توحید، معاد و احکام فرعی، سیاسی، اخلاقی و عبادی و همه آنچه را که لازمه یک جامعه متفکر و پیشرو باشد برای مردم بیان کرده بودند و چیزی نمانده بود تا بیان شود، باز هم خداوند به ایشان می فرماید که: «اگر این پیام را در حجّه الوداع نرسانی، رسالت شما کامل نشده است».

این مطلب نشان می دهد که تعیین مدیریت جامعه و شخص حضرت علی (علیه السلام) از بسیاری از این مطالب مهم تر است و بدون انجام این پیام، رسالت ناقص حساب می شود.

مدیریت در جامعه اسلامی

از هر فرد منصفی سؤال شود به یقین اعتراف می کند که مدیریت جامعه در اسلام بسیار مهم است چرا که در حجّه الوداع این گونه پیامی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ابلاغ شد و از ایشان خواسته شد که جانشین خود را انتخاب کند تا مدیریت جامعه بر اساس آن باشد. به همین دلیل این رفتار، اهمیت و جایگاه مدیریت را در اسلام نشان می دهد.

اگر مسئله مدیریت بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مشخص نمی شد، پیام ایشان ناقص بود، زیرا دین اسلام جهان شمول است و بدون اعلام این مدیریت، پیام آن نیز کامل نمی شد.

البته افزون بر این دو آیه قرآن کریم، روایات فراوان و متواتری در تفسیر حادثه غدیر و معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) توسط پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) وجود دارد که در کتب همه علمای بزرگ اسلام آمده و مورد اتفاق همه و از وضوح و روشنی غیر قابل انکار است.

التزام به لوازم ولایت مداری

دهه ولایت و عید سعید غدیر خم را به همه شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که همه از برکات ولایت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بهره‌مند باشیم و خط ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را نگه داریم و به لوازم آن ملتزم باشیم.

اعتراف همگان به فضایل علی (علیه السلام)

تمام شیعه و سنی و دوست و دشمن به فضایل و مناقب، عدالت خواهی، عبادت، زهد، تقوا و پرهیزکاری حضرت علی (علیه السلام) اعتراف دارند.

ما که رهبر و امامی همچون امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) داریم باید انتصاب به چنین شخصیتی را افتخار بدانیم و قدر این نعمت عظیم را بدانیم. باید شیعه واقعی باشیم و در عمل نشان بدهیم که پیروامیرالمؤمنین (علیه السلام) هستیم.

ص: ۱۸۵

۱- دیدار شماری از فرماندهان نیروی انتظامی و رؤسای کلانتری های سراسر کشور، تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۰ هجری شمسی هم زمان با ایام غدیریه.

در روایات داریم که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نشست و برخاستش با مردم، عادی بود. (۱)

آن حضرت هرگز صفات رذیله تکبر و تحمیل بر مردم در وجود مبارکش نبود.

با وجود تمام کمالات و صفاتی که آن حضرت داشتند اگر کسی به حضور ایشان می رسید، آن بزرگوار را بسیار متواضع و فروتن می یافت و معلوم نبود که ایشان فرمانروای کشور پهناور اسلامی می باشند. اگر کسی در محضر ایشان حاضر می شد، هیبت امیرالمؤمنین وجودش را فرا نمی گرفت.

باید از اینکه منتسب به چنین شخصیت عظیمی هستیم افتخار کنیم، زیرا حتی دشمنان ایشان با شنیدن صفات و فضایل ایشان بی اختیار گریه می کنند.

باید این اخلاق حسنه، عدالت خواهی و ظلم ستیزی در وجود همه شیعیان متبلور باشد گرچه برای ما ممکن نیست که این صفات را تمام و کمال داشته باشیم، ولی باید به اندازه توان، خود را به این صفات نزدیک کنیم.

اهتمام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به رسیدگی به فقرا

در اسلام به طبقات محروم خیلی توجه شده است. حضرت رسول

ص: ۱۸۶

۱- . طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۰، ب ۳۰، ح ۴۶۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰.

اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

«که خدایا مرا مسکین زنده بدار و مسکین بمیران و مرا در قیامت در صف فقرا و مساکین محشور کن».^(۱)

البته مسکین و محتاج تنها به معنای این نیست که انسان بیکار باشد و کاری نداشته باشد، بلکه یک معنای آن این است که به دنبال ریاست طلبی، دنیا طلبی و جاه طلبی نباشد. به همین دلیل حضرت از خداوند چنین خواسته ای داشتند تا خویش را به این فضایل آراسته کنند.

حضرت علی (علیه السلام) یکی از فرماندهان و حاکمان کشور اسلامی خود را به واسطه شرکت در یک مهمانی اشرافی و اعیانی که عده زیادی از ثروتمندان در آن شرکت داشتند و فقرا و مستمندان از آن سفره رنگارنگ محروم بودند شدیداً مورد مؤاخذه قرار داده و او را توبیخ نمودند.

امام نامه شدیداللحنی به او نوشتند که با این جملات آغاز می شود:

«ای پسر حنیف، به من خبر رسیده است که یکی از مردان بصره تو را به سفره ای دعوت کرده است و تو به آنجا شتافته ای. خوردنی های

ص: ۱۸۷

۱- . طبرانی، الدعاء، ص ۴۲۲؛ ابن عبدالبر، الاستذکار، ج ۲، ص ۵۴۰؛ طبرسی، مشکاه الانوار، ص ۲۲۸؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷، ۳۰، ۴۶، ۴۹.

نیکو برایت آورده اند و پی در پی ظرف های غذا در برابرت گذاشته اند. گمان نمی کردم مهمانی مردی را بپذیری که نیازمندان را به جفا رانده باشد و تنها ثروتمندان را دعوت کرده باشد...» (۱).

باید همه مسئولان این نامه تاریخی را بخوانند که چگونه آن حضرت فرماندار خاطی خود را توبیخ کردند.

لزوم ترویج کتاب نهج البلاغه

تمام زندگی حضرت علی (علیه السلام) عدالت، عبادت و بندگی خدا بود. در زهد، پارسایی و علم نمونه بود و صفت علم در میان سایر صفاتش درخشش خاصی داشت که یکی از آثار علمی ایشان کتاب نهج البلاغه است که افتخار بزرگی برای مکتب شیعه است.

متأسفانه ما در مقام عمل و بهره بردن از کتاب گران قدر و ارزشمند نهج البلاغه فاصله زیادی داریم. باید همه اهتمام کنند که این کتاب ارزشمند و عظیم که واقعاً مظلوم واقع شده است را در جامعه رواج دهند.

ص: ۱۸۸

۱۰. مبلغان غدیر (۱)

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)؛ (۲)

وقال تعالى:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)؛ (۳)

لزوم تقویت هویت ولابی

بنده با کمال تشکر و عرض ادب و احترام، از خداوند متعال برای شما مسئلت توفیق می کنم و امیدوارم که مشمول عنایات خاصه آقا

ص: ۱۸۹

۱- دیدار مبلغان شرکت کننده در دوره آموزشی غدیریه، تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۱ هجری شمسی.

۲- مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای».

۳- توبه، ۱۱۹. «ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با راست گویان باشید».

حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشید و در این حرکت و نهضتی که الحمد لله فراهم شده است بتوانید خدمات درخشانی را به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آشنا کردن بیشتر مردم به مسائل ولایی را انجام دهید، چرا که هویت ما، هویت ولایی است و باید تقویت شود و از اینکه ضعفی در این هویت پیدا شود باید به شدت جلوگیری نمود.

غدیر، ابلاغ و اخطاری بزرگ

مسئله غدیر، مسئله بسیار مهمی است، البته ادله و نصوصی که بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) به طور متواتر دلالت دارد منحصر به غدیر نیست، لیکن غدیر به مناسبت اینکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این روز، برنامه بسیار باعظمتی را جهت معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان وصی و امام بعد از خود برگزار کردند، بسیار مهم است. روز غدیر با آن برنامه، فقط یک نص نیست بلکه یک ابلاغ بزرگ است. غدیر، یک اخطار مهم به تمام مسلمانان تا روز قیامت است که مردم مسئله ولایت را فراموش نکنند.

در سال سوم بعثت وقتی که آیه: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (۱) نازل شد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برنامه ای تشکیل داده و در مرتبه اول، دوم و سوم به خویشاوندان خویش فرمودند: «کدام یک از شما به من کمک می کنید و به من ایمان می آورید؟». در آن وقت برای کسانی که ایمان

ص: ۱۹۰

۱- . شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن».

کاملی نداشتند، پیش بینی پیشرفت آن چنانی اسلام ممکن نبود و جواب مثبت ندادند. تنها کسی که به خاطر ایمان کامل جواب داد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همان جا به خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تصریح فرمودند. (۱)

دلالت نصوص جلیه قرآنی بر ولایت علی (علیه السلام)

ما در قرآن نصوصی داریم که اینها را نصوص جلیه می نامند، و یک سری از آیات هم، نصوص خفیّه هستند.

نصوص جلیه، نصوصی است که اگر اهل فهم و اطلاع این آیات را بخوانند، صراحت آن بر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را متوجه می شوند، مثل آیه شریفه:

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ)؛ (۲)

یعنی آیا شخصیتی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) با این همه علوم و مقامات می تواند مردم را هدایت کند یا کسی که خودش هم باید هدایت شود؟

ص: ۱۹۱

۱- احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۵۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۲ ۵۴۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۷ ۴۸؛ و دیگر مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت.

۲- یونس، ۳۵. «آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟».

شما آیه:

(إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ): (۱)

و تفسیر آن را ببینید.

روایاتی از شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه نقل شده است که اصلاً قابل مناقشه نیست. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«أَنَا الْمُنذِرُ وَعَلَيَّ الْهُدَى مِنْ بَعْدِي، يَا عَلِيُّ بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ». (۲)

اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی (علیه السلام)

ابن بطریق از شخصیت های بزرگ علم حدیث است که مشایخ بزرگی از اهل سنت دارد. ایشان کتابی دارد به نام «خصائص الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين (عليه السلام)». وی در این کتاب، آیاتی را که راجع به امیرالمؤمنین (علیه السلام) است از کتب عامه به سندهای معتبر و از مشاهیر خودشان نقل کرده است. (۳) کتاب بسیار ارزشمند و مورد استفاده است

ص: ۱۹۲

۱- . رعد، ۷. «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده ای است».

۲- . حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۱ ۳۸۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۵؛ ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۰۷؛ ج ۲۳، ص ۲؛ و دیگر مصادر معتبر شیعه و اهل سنت. «من هشدار دهنده هستم و علی (علیه السلام) پس از من هدایت گر است. ای علی (علیه السلام) به وسیله تو هدایت یافتگان هدایت می شوند».

۳- . ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۲۴۹ ۷۱.

که همه شما عزیزان باید این کتاب را بخوانید.

ابن بطریق کتاب دیگری دارد به نام «العمده» که مشحون از فضایل اهل بیت (علیهم السلام) است که آن هم کتاب بسیار نفیس و ارزشمندی است و باید مورد توجه قرار گیرد.

در دیگر روایات هم از طریق شیعه و اهل سنت به مسئله ولایت اشاره شده است از باب نمونه اینکه فرمودند:

«لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحْرِيذٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عِيَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا»؛ (۱) اگر کسی به قدر عمر رسالت نوح عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا انفاق نماید و... سپس ولایت امیرالمؤمنین را نداشته باشد بوی

ص: ۱۹۳

۱- . مصادر شیعه و مصادر اهل سنت از جمله: خوارزمی، المناقب، ص ۶۷ ۶۸؛ طبری، بشاره المصطفی، ص ۱۵۳؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۲۹۳؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۱، ص ۱۰۰. «اگر بنده ای خدای متعال را به قدری عبادت کند که حضرت نوح در میان قومش بود و برای او مثل کوه احد طلا باشد پس آن را در راه خدا انفاق کند و عمرش طولانی شود به قدری که بتواند هزار سال با پای پیاده حج به جا آورد، سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود سپس ولایت تو را نپذیرد و تو را دوست نداشته باشد ای علی چنین کسی بوی بهشت را استشمام نمی کند و داخل بهشت نمی شود».

بهشت را استشمام نمی کند و داخل آن نمی شود.

غیر قابل شمارش بودن فضایل علی (علیه السلام)

آری! فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیش از آن است که تصور شود. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي فَضَائِلَ لَا تُحْصَى»؛^(۱)

کسی غیر از خداوند نمی تواند فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را احصا کند.

در جای دیگری هم پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«لَوْلَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصِيَّةُ أَرَى فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ مَقَالَهُ تَتَّبِعُ أُمَّتِي آثَارَ قَدَمَيْكَ فِي التُّرَابِ فَيَقْبَلُونَهُ»؛^(۲)

اگر گروهی از امت من آنچه را که نصاری نسبت به عیسی گفتند درباره تو نمی گفتند، چیزهایی درباره تو می گفتم که امت جا پای تو را تبعیت می کردند و آن را می بوسیدند.

ولایت از مهم ترین اصول دین

در مورد آیه:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ

ص: ۱۹۴

۱- ابن شاذان، مائه منقبه من مناقب امیرالمؤمنین، ص ۱۷۷؛ حلّی، المحتضر، ص ۱۷۶. «خدای متعال برای برادرم فضایلی را قرار داده است که به شمار و حساب نمی گنجد».

۲- هلالی عامری، کتاب سلیم بن قیس، ص ۴۱۲.

هم، انسان وقتی خود آیه را به تنهایی ببیند ملاحظه می کند که مطلب از نوع مطالب عادی نبوده، بلکه مطلبی بسیار بزرگ اتفاق افتاده است. اینکه اگر در حجّه الوداع که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) همه مطالب اسلام را ابلاغ کرده بودند با این حال آیه با این بیان نازل می شود، دلیل بر این است که مسئله ولایت از مهم ترین اصول دین و جزء ارکان اصلی اسلام است.

ضرورت تبلیغ هویت ولایی

اینها همه دلالت بر این دارد که مسئله ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بسیار با عظمت و مهم است. باید اهمیت این مسئله را برای مردم ابلاغ کرد. باید به مردم گفت که هویت ما، هویت ولایی است و باید آن را حفظ کنیم. در مقابل جریاناتی که در این زمان می خواهند هویت دینی مذهبی ما را تضعیف کنند و به وسیله کتاب، شعر و دیگر حرف ها به هویت ما ضربه بزنند باید به قوت این هویت بیفزایید. باید به مردم یادآوری کنید که ما چنین هویت درخشانی داریم. باید خطبه مهم غدیر را ترویج کنید. باید به همه مردم اعلام کرد که غدیر یعنی ولایت؛ غدیر یعنی هویت و استقلال مذهبی.

ص: ۱۹۵

۱- . مائده، ۶۷. « ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای، و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».

به هر حال بنده از شما تشکر می‌کنم و آرزو داشتم که ای کاش بنده در این سفرهای تبلیغی غدیر خدمت شما بودم و توفیقی که برای شما فراهم شده است نصیب بنده هم می‌شد. امیدوارم خدماتی که انجام می‌دهید همه مورد قبول درگاه اقدس حضرت ولی عصر (علیه السلام) قرار بگیرد.

نگهبانان ولایت (۱)

قال الله تعالى:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛ (۲)

بنده اولاً- توفیقاتی را که در احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و نشر فضایل و مناقب آن حضرت نصیب شما شده است تبریک عرض می کنم.

ارزش والای نعمت ولایت

شما عزیزان باید در پیشگاه خداوند متعال از این نعمت ولایت خیلی شاکر باشید که اگر انسان فاقد نعمت ولایت باشد، نعمت های

ص: ۱۹۷

۱- دیدار با اعضای ستاد غدیر مشهد مقدس، تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۹۱ هجری شمسی.

۲- مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».

دیگر هر چقدر هم باشد بدون این نعمت برای انسان اسبابفضیلت نمی شود. همه نعمت ها در جنب نعمت عظیم ولایت ظهور می کند و مورد استفاده صحیح و اسباب ترقی و سیر به مقامات بلند و تقرّب به خداوند متعال می شود.

خداوند متعال، حافظ حقیقی ولایت

شما خدا را شاکر باشید که الحمدلله نعمت ولایت را تعظیم و تکریم می کنید و از نگهبانان این عنوان بین مردم هستید، البته نگهبان حقیقی مسئله ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، خداوند متعال است که در طول ازمینه، قرون و اعصار باوجود همه دشمنانی که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشته است و قدرت های مادی، حکام و ستمگرانی که بودند و حتی اوضاعی که در مثل روز عاشورا پیش آمد آن مصیبت بزرگی که نه سابقه داشت و نه بعدها محقق خواهد شد که دشمنان ولایت و اهل بیت (علیهم السلام) آن روز را برای خاندان رسالت و ولایت پایان وجود آنها و پایان بنی هاشم و پایان اسلام ناب می شمردند، از همان روز انوار ولایت بیش از پیش تابیدن گرفت و وجود فناپذیر اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر آشکار گردید.

اعتراف فریقین به فضایل علی (علیه السلام)

تشعشع بیش از پیش نور ولایت باوجود همه دشمنی ها، همه علامت حقانیت ولایت است. وقتی از خلیل بن احمد پرسیدند:

ص: ۱۹۸

«مَا تَقُولُ فِي شَأْنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟». در توصیف این موقعیت های تاریخی و مبارزه بین حق و باطل و پیروزی حق بر باطل چنین گفت:

«مَا أَقُولُ فِي حَقِّ امْرِئٍ كَتَمْتُ مَنَاقِبَهُ أَوْلِيَاؤُهُ خَوْفًا وَ أَعْدَاؤُهُ حَسَدًا، ثُمَّ ظَهَرَ مِنْ بَيْنِ الْكُتْمَيْنِ مَا مَلَأَ الْخَافَقَيْنِ».^(۱)

می گوید: وضعیت خاصی به وجود آمده بود که دشمن ها از روی دشمنی فضایل علی (علیه السلام) را کتمان می کردند و دوستان هم از روی خوف و به خاطر ممنوعیت نقل احادیث در قرن اول و دوم و بعد از آن به صورت های دیگر نمی توانستند این فضایل را بگویند.

خلیل بن احمد می گوید که در بین این دو کتمان، آن قدر از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) ظاهر شد که شرق و غرب عالم را فرا گرفته است.

و چنان شد که مثل شافعی بگوید:

أَنَا عَبْدٌ لِلْفَتَى أَنْزَلَ فِيهِ «هَلْ أَتَى»^(۲)

ص: ۱۹۹

۱- . مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۶، ص ۱۱۱۲، بیان خلیل بن احمد فراهیدی نحوئی معروف. «چه بگویم در حق مردی که دوستانش از ترس و دشمنانش از روی رشک و حسد مناقب او را پنهان کردند سپس مناقب آن حضرت از میان دو پنهان کاری شرق و غرب عالم را پر کرد».

۲- . «من بنده جوان مردی هستم که درباره او سوره «هل اتي» نازل شد».

و محدثین معروف اهل سنت در آن شرایط سخت، کتاب «فضایل» و «مناقب» امیرالمؤمنین (علیه السلام) نوشتند و اوضاع به نحوی پیش رفت که الآن در تمام شعب علوم اسلامی، مسئله غدیر مطرح است. در علم تفسیر، در علم اسباب نزول، در علم لغت، در حدیث، در تاریخ، کتب تراجم و معرفه الصحابه و سایر علوم، حدیث غدیر مورد استشهاد محققان و علمای بزرگ واقع شده است.

بالآخره جایی نیست که مسئله غدیر و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^(۱)

نباشد، یعنی می توانیم بگوییم که یقینی ترین کلامی که از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اتفاق فریقین صادر شده است همین:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»^(۲)

است.

ص: ۲۰۰

۱- «هرکس که من ولی و مولای اویم این علی ولی و مولای اوست».

۲- طبری، بشاره المصطفی، ص ۲۰۷؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۲؛ خوارزمی، المناقب، ص ۲۰۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۸؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ج ۲، ص ۲۸۲، ۲۸۳. «بار خدایا کسی که او را دوست دارد تو او را دوست دار و کسی که او را دشمن بدارد تو او را دشمن بدار و هرکس او را یاری کند تو او را یاری کن و هرکس او را خوار کند تو او را خوار کن».

هیچ کسی نمی تواند اینها را انکار کند یا بگوید شک دارم و اگر کسی بگوید شک دارم معنایش این است که کمال عناد و لجاج را دارد و مثل این است که آفتاب را ببیند و بگوید که شک دارم الآن آفتاب است و روز می باشد.

حدیثی به این کثرت اسانید و مصادر اگر هم یافت شود بسیار نادر و کمیاب است. در مورد اسناد حدیث غدیر هم، دانشمند بزرگ اهل سنت ابوالمعالی جوینی می گوید که در بغداد در نزد صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر آن نوشته شده بود:

«المجلده الثامنہ والعشرون من طرق قوله (صلی الله علیه و آله): «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ، ویتلوه المجلده التاسعه والعشرون؛ جلد بیست و هشتم از طرق حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ» که جلد بیست و نهم بعد از آن می آید»^(۱).

بعضی از بزرگان و حفاظ علم حدیث، مثل ابن عقده که مورد قبول همگان است و در علم حدیث تا آنجا پیش رفته که می گوید: «یکصد هزار حدیث مسند حفظ دارم و سیصد هزار احادیث دیگر هم نقل می کنم»^(۲).

مخصوصاً کتاب «الولایه» دارند که فقط مربوط به حدیث غدیر است نه روایات دیگر. حال در مورد چنین مطلب و مقامی واقعاً انسان مبهوت می شود که چطور حرف بزند، چه بگوید و از کجا شروع کند؟

ص: ۲۰۱

۱- قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۱۱۳ ۱۱۴.

۲- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۳۴۶ ۳۴۷.

بهتر آن است که در مورد فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کلام شخص پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (۱) مراجعه کنیم، آنجا که می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ»؛ (۲)

یعنی خداوند متعال برای برادرم علی بن ابی طالب فضایلی قرار داده است که آنها را غیر از خداوند کسی قادر نیست حساب و احصا کند.

یا اینکه فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَمَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصِيَارَى فِي ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ لِلْبَرَكَةِ»؛ (۳)

ص: ۲۰۲

-
- ۱- . نجم، ۴۳. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید جز وحی که بر او نازل شده نیست».
 - ۲- . صدوق، الامالی، ص ۲۰۱؛ مجلس ۲۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶. «خدای متعال برای برادرم علی بن ابی طالب فضایلی قرار داده است که آن فضایل را جز خودش کسی نمی تواند شمارش کند».
 - ۳- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۸۱، ب ۹۱، ح ۱۱۴؛ قندوزی، ينبیع المودّه، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۴۸۶ ۴۸۷. «سوگند به خدایی که جانم در کف قدرت اوست، [اگر نبود اینکه گروه هایی از امتم درباره تو بگویند چیزی را که نصاری درباره عیسی فرزند مریم گفتند درباره تو سخنی را می گفتم، که بر جماعتی از مسلمانان عبور نمی کردی جز اینکه خاک زیر پایت را برای تبرک می گرفتند».

یعنی اگر گروهی از ائمت من آنچه را که نصاری نسبت به عیسی گفتند درباره تو نمی گفتند، چیزهایی درباره تو می گفتم که مسلمانان خاک پای تو را برای تبرک برمی داشتند.

فضایل علی(علیه السلام) در سروده های شعرا

فضایل، مقامات و درجات معنوی بالا و ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) خیلی بیشتر از این است که در تصوّر حتی علمایی که در این رشته ها مقامات بلندی داشته و خیلی زحمت کشیده اند بیاید.

به طور مثال شاعر می گوید:

قِيلَ لِي: قُلْ لِعَلِّي مَدْحًا

قُلْتُ هَلْ أَمْدَحُ مَنْ فِي فَضْلِهِ

النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى قَالَ لَنَا

وَضَعَ اللَّهُ عَلَيَّ ظَهْرِي يَدًا

وَعَلَيَّ وَاضِعُ رِجْلِيهِ لِي

مَدْحُهُ يَخْمَدُ نَارًا مُؤَصَّدَةً

صَارَ ذُو اللَّبِّ إِلَيَّ أَنْ عَبَّدَهُ

لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعِدَهُ

فَأَرَانِي الْقَلْبَ إِنْ قَدْ بَرَّدَهُ

بِمَكَانٍ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ»(۱)

یا میبیدی که از اهل سنت است مطالبی در مدح امیرالمؤمنین(علیه السلام) دارد،

ص: ۲۰۳

۱- این اشعار منتسب به شافعی است که در کتب مختلف نقل شده است از جمله: دیاربکری، تاریخ الخميس ج ۲، ص ۸۷؛ امینی، الغدير، ج ۷، ص ۱۲.

مثل اینکه می گوید:

بس که تابد مهر حیدر هر دم از سیمای من آسمان را سرفرازی باشد از بالای منچون سخن گویم ز معراجش که آن دوش نبی است

پای در دامن کشد فکر فلک پیمای من

بعد می گوید:

طبع من تا گشت چون دریا ز فیض مرتضی ابر گوهر بار جوید فیض از دریای من

و در آخر هم می گوید:

ای صبا در گردنت خاکم ببر سوی نجف

بعد مُردن چون فرو ریزد ز هم اعضای من

نصوص در فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نصوص هم در ولایت و فضیلت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بسیار زیاد است از جمله این نصوص کثیره، سوره «هَلْ أَتَى» است که وقتی انسان در نجف اشرف وارد حرم مطهر می شود در کفشداری سمت راست روی کاشی این شعر را در این باره نوشته است:

«وَسَائِلُ هَلْ أَتَى نَصُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ أَجَبْتُهُ «هَلْ أَتَى» نَصُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ» (۱)

ص: ۲۰۴

۱- . منسوب به عبدالباقی فاروقی از مشهورترین شعرای قرن سیزدهم هجری در عهد عثمانی که در دیوان وی، صفحه ۲۶ آمده است.

می گوید: پرسش کننده ای پرسید: آیا آیه ای در شأن علی نازل شده است؟ جواب دادم: سوره «هَلْ أَتَى» نصّ خداوند بر فضیلت اوست.

هیچ آیه ای نیست که در شأن مهاجر و انصار نازل شده باشد مگر اینکه در رأس آنها وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

مثل ابن بطریق کتابی دارد مخصوص ذکر آیاتی که در مدح و شأن امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است به نام «خصائص

الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين (عليه السلام)» وی تمام اینها را از کتب عامّه نقل کرده است با سندهایی که خودش داشته و مشایخی که دارا بوده است. (۱)

یا جاحظ دانشمند بزرگ اهل سنت در یکی از رساله ها به این مضمون می گوید که آنچه در اسلام، رأس فضایل، مکارم و مقامات است، چهار چیز می باشد: ایمان به خدا، علم و دانایی، زهد و پرهیزکاری، و جهاد در راه دین و فی سبیل الله.

سپس می گوید: از تمام علمای اسلام، اگر از کسی پرسیم که اسبق و اکمل در ایمان کیست؟ اولین کسی را که بر می شمارند علی (علیه السلام) است و اگر درباره اعلم از همه اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سؤال کنیم، اول شخصی را که معرفی می کنند علی (علیه السلام) است و اگر از آنها که در راه دین جهاد کردند و اسلام از برکت جهاد آنها برپا شد سؤال کنیم، باز هم، همه، اول علی (علیه السلام) را نام می برند که تنها ثواب یک جهاد او از عبادت امت تا روز قیامت بیشتر است و اگر از زهاد

ص: ۲۰۵

صحابه و کسانی که دنیا را ترک کرده و فریفته دنیا نشده باشند سؤال کنیم، همه، اسم علی (علیه السلام) را می برند که یک لحظه به دنیا نظر نفرمود.

همان طور که او می گوید امیرالمؤمنین (علیه السلام) از هیچ کس سؤال نکرده است و هیچ کجا نوشته اند که آن حضرت در جایی از کسی از صحابه مسئله ای پرسیده باشد. برعکس، آنها همه از علی (علیه السلام) می پرسیدند^(۱).

که یک نمونه اش همان است که عمر هفتاد و دو بار گفته بود:

«لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ»؛^(۲)

یا اینکه درباره غزواتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن شرکت داشت، همین عمر می گفت:

«لَوْلَا سَيْفُهُ لَمَا قَامَ عَمْرُودُ الْإِسْلَامِ»؛^(۳) یعنی اگر شمشیر علی نبود، ستونی برای اسلام بلند نمی شد.

این در علم آن حضرت، امّا زهد آن حضرت هم بی نظیر بود. اگر از زهدیاد صحابه هم از هر کسی پرسید، باز هم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در رأس است، کسی که در تمام عمرش یک لحظه هم به دنیا متوجه نشده بود.

ص: ۲۰۶

۱- . جاحظ، رسائل، ۱۷۹، ۱۸۰.

۲- . خوارزمی، المناقب، ص ۸۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸، ۱۴۱؛ و دیگر مصادر اهل سنت.

۳- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۷۶.

یا قول عدی بن حاتم را که نقل می کنند(۱)

وقتی پیش معاویه می رود، معاویه می گوید: «أَيْنَ الطَّرْفَاتِ؟» (او سه پسر داشت؛ طریف و طارف و طرفه که هر سه در رکاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین کشته شدند).

عدی گفت: «همه در جنگ در رکاب علی کشته شدند».

معاویه گفت: «علی در حق تو به انصاف عمل نکرد که فرزندان تو را به کشتن داد و فرزندان خود را باقی گذاشت»؟

وی در جواب گفت: «من به امیرالمؤمنین وفا نکردم که علی در دنیا نباشد و من در دنیا زنده باشم».

بعد هم علی رغم استکراهی که داشت با اصرار زیاد معاویه، به بیان فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداخت. البته این قضیه در مورد ضیاء بن ضمیره کنانی هم نقل شده که در وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام) نزد معاویه به زبان آورد. عبارت این چنین است:

«كَانَ وَاللَّهِ بَعِيدَ الْمُدَى، شَدِيدَ الْقُوَى، يَقُولُ فَضِيلاً، وَيَحْكُمُ عَدلاً يَتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ، وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ عَلَى لِسَانِهِ، يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا وَيَأْتِسُ بِاللَّيْلِ وَظُلْمَتِهِ، كَانَ وَاللَّهِ غَزِيرَ الدَّمْعِ، طَوِيلَ الْفِكْرِ، يُقَلِّبُ كَفَّهُو يُخَاطِبُ نَفْسَهُ

ص: ۲۰۷

۱- محدث قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۱۸۴ ۱۸۵؛ همو، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۱۵ ۱۱۶.

يُعْجِبُهُ مِنَ اللَّيَاسِ مَا قَصِيرَ وَمِنَ الطَّعَامِ مَا جَشَبَ، كَمَا أَنَّ وَاللَّهِ مَعَنَا كَأَحَدِنَا، يُدْنِينَا إِذَا أْتَيْنَاهُ، وَيُجِيبُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ، وَكَانَ مَعَ دُنُوهِ لَنَا وَقُرْبِهِ مِنَّا لَا نُكَلِّمُهُ هَيْبَةً لَهُ» (۱).

اعتراف به عجز از وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نواحی و ابعاد عظمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی، دو تا و چند تا نیست و همان طور که عرض کردم اصلاً قابل تصوّر نیست.

باید فقط بگوییم:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنند سرانگشت و صفحه بشمارند

ص: ۲۰۸

۱- کراچکی، کنز الفوائد، ص ۲۷۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۷۵، ب ۲۰، ح ۵۳۸. «به خدا سوگند او در دورانیشی نیرومند بود، سخن او حق را از باطل جدا می ساخت، و با دادگری قضاوت می کرد از دنیا و زینت آن واهمه داشت. و با شب و ترس و وحشت آن انس داشت. به خدا سوگند پراشک بود و دو چشم گریان داشت، زیاد فکر می کرد، دو دستش را روی هم می گرداند و خودش را خطاب می کرد و یا پروردگارش راز و نیاز می کرد. از لباس کوتاه خوشش می آمد و غذای خشک (بدون نان خورش) را دوست داشت. به خدا سوگند او در میان مثل یکی از ما بود. هر گاه نزد او می رفتیم ما را به نزدیک خود فرا می خواند و هر گاه از او چیزی درخواست می کردیم خواسته ما را پاسخ می گفت و با این همه مهرورزی و اظهار نزدیکی نسبت به ما به دلیل هیبتی که داشت قدرت سخن گفتن با او را نداشتم».

و نیز بگوییم:

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک‌بنده مجدداً از زحمات و خدمات شما عزیزان که در این زمان و اوضاع این مقام و فضیلت را حائز هستید که فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عید غدیر را گرامی بدارید و آن را ترویج کنید تشکر می‌کنم و امیدوارم اسامی شما در دفتر خاص حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ثبت شده باشد.

ص: ۲۰۹

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه، الامام على بن ابى طالب (عليه السلام)، الشريف الرضى، تحقيق صبحى صالح، قم، دار الهجره، ١٤١٤ق.
٣. الاتقان فى علوم القرآن، سيوطى، جلال لدين (م.٩١١ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٦ق.
٤. الاحتجاج، طبرسى، احمد بن على (م.٥٦٠ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان، ١٣٨٦ق.
٥. الاختصاص، مفيد، محمد بن محمد (م.٤١٣ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٤ق.
٦. ارشاد القلوب، ديلمى، حسن بن محمد (م.٨٤١ق.)، قم، الشريف الرضى، ١٤١٥ق.
٧. الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد (م.٤١٣ق.)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
٨. اسباب النزول، واحدى، على بن احمد (م.٤٦٨ق.)، القاهره، مؤسسسه الحلبي، ١٣٨٨ق.

٩. الاستذكار، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م.٤٦٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ٢٠٠٠م.
١٠. اسنى المطالب فى مناقب الامام على (عليه ا.السلام)، جزرى، شمس الدين محمد بن محمد (م.٨٨٣ق.)، تهران، انتشارات نقش جهان.
١١. الاعتقادات فى دين الاماميه، صدوق، محمد بن على (م.٣٨١ق.)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
١٢. اعلام الدين فى صفات المؤمنين، ديلمى، حسن بن محمد (م.٨٤١ق.)، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث، ١٤٠٨ق.
١٣. إعلام الورى بأعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن (م.٥٤٨ق.)، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث، ١٤١٧ق.
١٤. اعيان الشيعه، امين عاملى، سيدمحسن (م.١٣٧١ق.)، بيروت، دار التعارف، ١٤٠٣ق.
١٥. اقبال الاعمال، ابن طاووس، سيد على بن موسى (م.٦٦٤ق.)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٩ق.
١٦. الامالى، صدوق، محمد بن على (م.٣٨١ق.)، قم، مؤسسه البعثه، ١٤١٧ق.
١٧. الامالى، طوسى، محمد بن حسن (م.٤٦٠ق.)، قم، دار الثقافه، ١٤١٤ق.

۱۸. الامام على صوت العدالة الانسانيه، جرداق، جرج، بيروت، دار و مكتبه الحياه، ۱۳۹۱ق.
۱۹. امان الامه من الضلال و الاختلاف، صافى ۱. گلبايگانى، لطف الله، قم، المطبعه العلميه، ۱۳۹۷ق.
۲۰. الايضاح، ابن شاذان نيشابورى، فضل بن شاذان ازدي (م. ۲۶۰ق.)، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۳ش.
۲۱. بحار الانوار، مجلسى، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
۲۲. البدايه و النهايه، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. ۷۷۴ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۸ق.
۲۳. البرهان فى تفسير القرآن، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ۱۱۰۷ق.)، تهران، بنياد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۴. بشاره المصطفى (صلى الله عليه و آله) ، لشيعه المرتضى (عليه السلام)، طبرى، محمد بن ابى القاسم (م. ۵۲۵ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۲۰ق.
۲۵. بغيه الوعاه فى طبقات اللغوين و النحاه، سيوطى، جلال الدين (م. ۹۱۱ق.)، القاهره، مطبعه السعاده، ۱۳۲۶ق.
۲۶. بلاغات النساء، ابن طيفور، احمد بن ابى طاهر (م. ۲۸۰ق.)، قم، مكتبه بصيرتى.

٢٧. پیام غدیر، صافی گلپایگانی، لطف الله، مشکوه (فصلنامه)، مشهد، آستان قدس رضوی، ش ٣٠، ١٣٧٠ش.
٢٨. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ذهبی، محمد بن احمد (م.٧٤٨ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ١٤٠٧ق.
٢٩. تاریخ الامم و الملوک، طبری، محمد بن جریر (م.٣١٠ق.)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ١٤٠٣ق.
٣٠. تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، دیاربکری، حسین بن محمد (م.٩٦٦ق.)، بیروت، دار صادر.
٣١. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م.٤٦٣ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٧ق.
٣٢. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن (م.٥٧١ق.)، بیروت، دار الفکر، ١٤١٥ق.
٣٣. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استرآبادی، سیدشرف الدین علی (م.٩٦٥ق.)، قم، نشر اسلامی، ١٤٠٩ق.
٣٤. تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م.قرن ٤)، قم، نشر اسلامی، ١٤٠٤ق.
٣٥. تفسیر الصافی، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م.١٠٩١ق.)، تهران، مکتبه الصدر، ١٤١٦ق.

٣٦. التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، فخر رازى، محمد بن عمر (م.٦٠٦ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.
٣٧. تنقيح المقال فى علم الرجال، مامقانى، عبدالله (م.١٣٥١ق.)، قم، مؤسسه آل البيت(عليهم السلام) لاهياء التراث، ١٤٢٧ق.
٣٨. التوحيد، صدوق، محمد بن على (م.٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٣٩٨ق.
٣٩. تهذيب الاحكام، طوسى، محمد بن حسن (م.٤٦٠ق.)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٤ق.
٤٠. جامع السعادات، نراقى، محمد مهدي (م.١٢٠٩ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان.
٤١. الجامع الصغير فى احاديث البشير النذير، سيوطى، جلال الدين (م.٩١١ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق.
٤٢. الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبى)، قرطبى، محمد بن احمد (م.٦٧١ق.)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ ش.
٤٣. الجواهر السنيه فى الاحاديث القدسيه، حر عاملى، محمد بن حسن (م.١١٠٤ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان، ١٣٨٤ق.
٤٤. حليه الابرار فى احوال محمد و آله الاطهار(عليهم السلام)، بحراني، سيد هاشم حسيني (م.١١٠٧ق.)، قم، مؤسسسه المعارف الاسلاميه، ١٤١٤ق.
٤٥. خصائص الائمة(عليهم السلام)، سيد رضى، محمد بن حسين (م.٤٠٦ق.)،

٤٦. خصائص الوحي المبين، ابن بطريق، يحيى بن حسن (م.٦٠٠ق.)، قم، دار القرآن الكريم، ١٤١٧ق.
٤٧. الدر المنثور فى تفسير بالمأثور، سيوطى، جلال الدين (م.٩١١ق.)، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.
٤٨. الدعاء، طبرانى، سليمان بن احمد (م.٣٦٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٣ق.
٤٩. دعائم الاسلام، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م.٣٦٣ق.)، القاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق.
٥٠. دلائل الامامه، طبرى امامى، محمد بن جرير (م.٥قرن)، قم، مؤسسه البعثه، ١٤١٣ق.
٥١. رسائل الجاحظ (الكلاميه)، جاحظ، عمرو بن بحر (م.٢٥٥ق.)، بيروت، دار و مكتبه الهلال، ٢٠٠٢م.
٥٢. ربيع الابرار و نصوص الاخبار، زمخشري، محمود بن عمر (م.٥٣٨ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمى، ١٤١٢ق.
٥٣. روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسى، محمدتقى (م.١٠٧٠ق.)، قم، مؤسسه فرهنگ اسلامى كوشانبور، ١٤٠٦ق.
٥٤. الروضه المختاره (شرح القصائد العلويات السبع)، ابن ابى الحديد، عزالدين (م.٦٥٦ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمى.

٥٥. روضه الواعظين و بصيره المتعظين، فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م.٥٠٨ق.)، قم، الشريف الرضى، ١٣٧٥ش.

٥٦. الروضه فى فضائل اميرالمؤمنين على بن ابى طالب(عليه السلام)، شاذان قمى، شاذان بن جبرئيل، (م.٦٦٠ق.)، قم، مكتبه الامين، ١٤٢٣ق.

٥٧. رياض العلماء و حياض الفضلاء، افندى اصفهانى، عبدالله (م.١٣٠ق.).

٥٨. زاد المعاد، مجلسى، محمدباقر (م.١١١١ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمى، ١٤٢٣ق.

٥٩. سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار، محدث قمى، عباس (م.١٣٥٩ق.)، تهران، دار الأسوه، ١٤١٦ق.

٦٠. سنن ابى داود، ابوداود سجستانى، سليمان بن اشعث (م.٢٧٥ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق.

٦١. سنن الترمذى، ترمذى، محمد بن عيسى (م.٢٧٩ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق.

٦٢. سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد (م.٧٤٨ق.)، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤١٣ق.

٦٣. السيره الحلبيه، حلبى، على بن برهان (م.١٠٤٤ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٠ق.

ص: ٢١٧

٦٤. السيره النبويه، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م.٧٧٤ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٣٩٦ق.
٦٥. السيره النبويه، ابن هشام، عبدالملك حميرى (م.٨-٢١٣ق.)، القاهره، مكتبه محمد على صبيح و اولاده، ١٣٨٣ق.
٦٦. الشافى فى الامامه، سيد مرتضى ، على بن حسين (م.٤٣٦ق.)، قم، انتشارات اسماعيليان، ١٤١٠ق.
٦٧. شرح احقاق الحق، مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين (م.١٤١١ق.)، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، ١٤٠٩ق.
٦٨. شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار(عليهم السلام)، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م.٣٦٣ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٤ق.
٦٩. شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، عزالدين (م.٦٥٦ق.)، دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧٨ق.
٧٠. شواهد التنزيل، حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله (م.٥٠٦ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ق.
٧١. صحيح البخارى، بخارى، محمد بن اسماعيل (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق.
٧٢. صحيح مسلم، مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر.

٧٣. الطوائف فى معرفه مذاهب الطوائف، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م.٦٦٤ق.)، قم، مطبعه الخيام، ١٣٩٩ق.
٧٤. عمدہ عيون صحاح الاخبار فى مناقب امام الابرار، ابن بطريق، يحيى بن حسن (م.٦٠٠ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٧ق.
٧٥. عوالى اللئالى العزيزيه فى الاحاديث الدينيه. ابن ابى جمهور احسائى، محمد بن على (م. ٨٨٠ق.)، قم، مطبعه سيدالشهداء(عليه السلام)، ١٤٠٣ق.
٧٦. عيون اخبار الرضا(عليه السلام)، صدوق، محمد بن على (م.٣٨١ق.)، بيروت، مؤسسہ الاعلمى، ١٤٠٤ق.
٧٧. غايه المرام و حجه الخصام، بحراني، سيدهاشم حسيني (م.١١٠٧ق.).
٧٨. الغدير فى الكتاب و السنه و الادب، امينى، عبدالحسين (م.١٣٩٢ق.)، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٣٩٧ق.
٧٩. فتح البارى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م.٨٥٢ق.)، بيروت، دار المعرفه.
٨٠. فخر دوران (نكوداشت استاد اعظم و زعيم بزرگ جهان اسلام مرحوم آيه الله العظمى بروجردى(قدس سره) ، صافى گلپايگانى، لطف الله، قم، دفتر تنظيم و نشر آثار حضرت آيه الله العظمى صافى گلپايگانى مدظله الشريف، ١٣٩٤ش.
٨١. فرائد السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمة من ذرينتهم(عليهم السلام)، جوينى، ابراهيم بن محمد (م.٧٣٠ق.)، بيروت، مؤسسہ المحمودى، ١٤٠٠ق.

٨٢. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب (م.٣٢٩ق.)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش.
٨٣. الكامل في التاريخ، ابن اثير جزري، علي بن محمد (م.٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٨٦ق.
٨٤. كتاب سليم بن قيس، هلالى عامرى، سليم بن قيس (م.٨٥ق.)، قم، نشر الهادى، ١٤٢٠ق.
٨٥. كتاب السنه، ابن ابى عاصم، احمد بن عمرو (م.٢٨٧ق.)، بيروت، المكتب الاسلامى، ١٤١٣ق.
٨٦. كفايه الاثر فى النص على الائمة الاثنى عشر(عليهم السلام)، خزاز قمى، علي بن محمد (م.٤٠٠ق.)، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
٨٧. كمال الدين و تمام النعمه، صدوق، محمد بن علي (م.٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٥ق.
٨٨. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، متقى هندی، علي (م.٩٧٥ق.)، بيروت، مؤسسہ الرسالہ، ١٤٠٩ق.
٨٩. كنز الفوائد، كراجكى، محمد بن علي (م.٤٤٩ق.)، قم، مكتبه المصطفوى، ١٣٦٩ش.
٩٠. الكنى و الالقاب، محدث قمى، عباس (م.١٣٥٩ق.)، تهران، مكتبه الصدر.
٩١. مائه منقبه من مناقب اميرالمؤمنين(عليه السلام)، ابن شاذان قمى، محمد بن احمد

(م.١٤١٢ق.)، قم، مدرسه الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ١٤٠٧ق.

٩٢. مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسي، فضل بن حسن (م.٥٤٨ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمي، ١٤١٥ق.

٩٣. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هيثمي، علي بن ابي بكر (م.٨٠٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٠٨ق.

٩٤. المحاسن، برقي، احمد بن محمد (م.٢٧٤ق.)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٠ق.

٩٥. المحتضر، حلّي، حسن بن سليمان (م. قرن ٩)، المكتبه الحيدريه، ١٤٢٤ق.

٩٦. مسار الشيعه في مختصر تواريخ الشريعه، مفيد، محمد بن محمد (م.٤١٣ق.)، بيروت، دار المفيد، ١١١٤ق.

٩٧. مختصر بصائر الدرجات، حلّي، حسن بن سليمان (م. قرن ٩)، النجف الاشرف، المطبعه الحيدريه، ١٣٧٠ق.

٩٨. مدينه معاجز الائمه الاثني عشر و دلائل الحجج علي البشر، بحراني، سيدهاشم حسيني (م.١١٠٧ق.)، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ١٤١٣ق.

٩٩. مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودي، علي بن حسين (م.٣٤٦ق.)، قم، دار الهجره، ١٤٠٤ق.

١٠٠. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدّث نوري، ميرزا حسين

- (م. ١٣٢٠ق.)، بيروت، مؤسسه آل البيت (عليهم ا. السلام) لاهياء التراث، ١٤٠٨ق.
١٠١. المستدرک على الصحيحين، حاکم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥ق.)، بيروت، دار المعرفه.
١٠٢. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، شيبانى (م. ٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر.
١٠٣. مشكاه الانوار فى غرر الاخبار، طبرسى، على بن حسن (م. قرن ٧)، قم، دار الحديث، ١٤١٨ق.
١٠٤. المصباح، كفعمى، ابراهيم بن على (م. ٩٠٥ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمى، ١٤٠٣ق.
١٠٥. مصباح المتهجد، طوسى، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه، ١٤١١ق.
١٠٦. المصنف فى الاحاديث و الآثار، ابن ابى شيبه كوفى، عبدالله بن محمد (م. ٢٣٥ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق.
١٠٧. المعجم الكبير، طبرانى، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٤ق.
١٠٨. مفاتيح الجنان، محدث قمى، عباس (م. ١٣٥٩ق.)، قم، مكتبه العزيزى، ١٣٨٥ش.
١٠٩. مكارم الاخلاق، طبرسى، حسن بن فضل (م. ٥٥٤ق.)، الشريف الرضى، ١٣٩٢ق.

١١٠. مناقب الامام امير المؤمنين على بن ابي طالب (عليه السلام)، كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن ٣)، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، ١٤١٢ق.

١١١. مناقب آل ابي طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن على (م. ٥٥٨ق.)، النجف الاشرف، المكتبه الحيدريه، ١٣٧٦ق.

١١٢. مناقب على بن ابي طالب (عليه السلام)، ابن مغزلى، على بن محمد (م. ٤٨٣ق.)، قم، انتشارات سبط النبى (صلى الله عليه و آله)، ١٤٢٦ق.

١١٣. مناقب على بن ابي طالب (عليه السلام)، ابن مردويه اصفهانى، احمد بن موسى (م. ٤١٠ق.)، قم، دار الحديث ١٤٢٤ق.

١١٤. المناقب، خوارزمى، موفق بن احمد (م. ٥٦٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١١ق.

١١٥. منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر (عليه السلام)، صافى گلپايگانى، لطف الله، قم، دفتر تنظيم و نشر آثار حضرت آيت العظمى صافى گلپايگانى مدظله العالى، ١٤٢٢ق.

١١٦. نظم درر السمطين فى فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين (عليهم السلام)، زرندي، محمد بن يوسف (م. ٧٥٠ ق.). اصفهان، مكتبه الامام امير المؤمنين (عليه السلام) العامه، ١٣٧٧ق.

١١٧. نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلى، حسن بن يوسف (م. ٧٢٦ق.)، قم، دار الهجره، ١٤١٤ق.

١١٨. الوافي، فيض كاشاني، محسن بن مرتضى (م.١٠٩١ق.)، مكتبه الامام اميرالمؤمنين (عليه السلام) العامه، ١٤٠٦ق.

١١٩. وسائل الشيعة، حرّ عاملي، محمد بن حسن (م.١١٠٤ق.)، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث، ١٤١٤ق.

١٢٠. ينابيع المودّه لدوى القربى، قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م.١٢٩٤ق.)، تهران، دار الأسوه، ١٤١٦ق.

ص: ٢٢٤

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظلہ الوارف

تصویر

□

ص: ۲۲۵

تصوير

□

ص: ٢٢٦

تصوير

□

ص: ۲۲۷

تصوير

□

ص: ۲۲۸

تصوير

□

ص: ۲۲۹

تصوير

□

ص: ۲۳۰

تصوير

□

ص: ۲۳۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

